



تاریخ و تاریخ‌نگاری

شما تاکنون مطالب مختلفی درباره تاریخ و گذشته خوانده یا شنیده‌اید. شاید هم این سؤال‌ها به ذهن شما راه یافته باشد که تاریخ چیست؟ مورخان با استفاده از چه منابعی تاریخ را می‌نویسند؟ و اصلاً چرا باید تاریخ خواند؟ در این درس شما درباره چستی علم تاریخ، شیوه‌های تاریخ‌نگاری و کارکردهای آن، مفهوم زمان و مکان در تاریخ و علوم کمکی تاریخ، به جست‌وجو و کاوش می‌پردازید و قادر خواهید شد که درباره یک موضوع تاریخی، طرح ساده پژوهشی بنویسید.



نمایش تصویر 

تاریخ چیست؟

واژه تاریخ دارای معانی مختلفی است. گاهی منظور از آن، مجموعه حوادث و رویدادهایی است که یک فرد یا یک جامعه از سر گذرانده است؛ مانند «تاریخ ایران» که منظور از آن، مجموعه حوادثی است که بر سر مردم ایران در زمان گذشته آمده است. اما گاهی واژه تاریخ در نوشته‌ها و زبان مردم به کار می‌رود و منظور از آن علم و روش‌های علمی است که به وسیله آن، رویدادهای گذشته براساس شواهد و مدارک بررسی و تحلیل می‌شوند؛ مثلاً تاریخ روابط اقتصادی ایران و هند در دوران اشکانیان. گاهی هم می‌گوییم «تاریخ» و منظورمان از آن، تعیین روز و ماه و سال است، یعنی همان تقویم سالانه که همه با آن آشنا می‌باشیم.

مشخص کنید واژه تاریخ در هر یک از جمله‌های زیر چه معنایی دارد؟

الف) تاریخ را باید به شیوه علمی و روشمند نوشت.

ب) هنوز تاریخ برگزاری انتخابات شورای دانش‌آموزی مدرسه، تعیین نشده است.

پ) تاریخ باستان مملو از جنگ و کشورگشایی است.

فعالیت ۱



تاریخ در مفهوم علمی‌اش دانشی است که به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی افراد و جوامع انسانی می‌پردازد و علت‌ها، انگیزه‌ها و نیز نتایج و پیامدهای اندیشه‌ها و اعمال آنها را جست‌وجو و تحلیل می‌کند.

بنابراین، هدف علم تاریخ، شناخت و آگاهی نسبت به زندگی اجتماعی در گذشته است که شامل تمامی جنبه‌های فکری، مذهبی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، حقوقی و هنری زندگانی انسان‌ها می‌شود. پیشینه علم تاریخ، تاریخ‌نگاری اسطوره‌ای است که در سنت‌های ایرانی، مصری، سومری، هندی و چینی، جایگاه بلندی دارد و همچنین تاریخ‌نگاری به قصد عبرت‌اندوزی، در کتاب‌های مقدس خصوصاً قرآن، بسیار مورد توجه بوده است.

▶ تاریخ‌نگاری و تحولات آن

پیشینه تاریخ‌نگاری: هرچند طبق برخی دیدگاه‌ها علم تاریخ در یونان متولد شده است، ولی ثبت و ضبط رویدادهای مهم برای جاودانه کردن نام پادشاهان و افراد سرشناس سابقه کهن‌تری دارد. پس از اختراع خط در حدود ۵ هزار سال پیش، به تدریج توجه انسان به ثبت و نگارش رویدادهای عصر خویش جلب شد. قدیمی‌ترین متنی که تاکنون کشف شده، سنگ‌نوشته‌ای به خط کهن مصری است که بیش از ۴ هزار سال قدمت دارد و در آن نام تعدادی از فراعنه و برخی حوادث دوران آنان آمده است.

از روزگار باستانی ایران به‌ویژه دوره هخامنشیان و ساسانیان نیز سنگ‌نوشته‌هایی باقی مانده است که نشان از توجه ایرانیان به ثبت و ضبط وقایع تاریخی دارد.

در ایران باستان گویا نوعی سالنامه‌های دولتی وجود داشته که حاوی اخبار و رویدادهای مهم بوده است. علاوه بر این، می‌توان تدوین و نگارش «خدای‌نامه» (خدای‌نامک) در زمان ساسانیان را نمونه‌ای از دلبستگی ایرانیان به نگارش وقایع و ضبط سلسله حوادث تاریخی دانست.

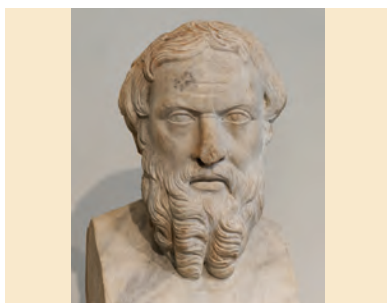
تاریخ‌نگاری در مفهوم کامل آن، از قرن پنجم پیش از میلاد در یونان باستان و با ظهور مورخ مشهوری مانند هرودت^۱ که برخی او را «پدر تاریخ» لقب داده‌اند، آغاز شد. کتاب تاریخ او که بخش عمده مطالب آن به شرح جنگ‌های یونان و ایران اختصاص دارد، از کامل‌ترین کتاب‌های تاریخی به‌جا مانده از عصر باستان است؛ هرچند وی به دلیل یونانی و طرفدار یونان بودنش، عمده‌اً سهواً در گزارش رویدادهای مربوط به ایران، دچار لغزش‌ها و بعضاً غرض‌ورزی‌هایی شده است.

پس از هرودت، دیگر نویسندگان یونانی و سایر ملل نیز، تاریخ‌نگاری را ادامه دادند و فن تاریخ‌نویسی را تکامل بخشیدند. از این مورخان، آثار برجسته‌ای درباره موضوع‌های تاریخی به‌جا مانده است.

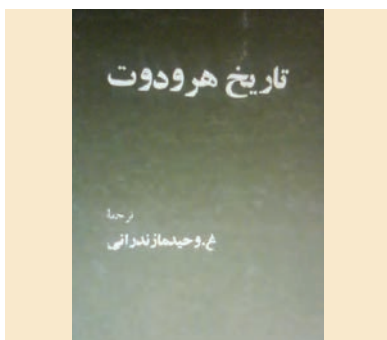
در دوران اسلامی، به دلیل اهمیت ویژه تاریخ در نگاه قرآن و اولیای دین و همچنین فراگیری شدن دانش در ممالک اسلامی تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان رواج و گسترش چشمگیری یافت و کتاب‌های تاریخی ارزشمندی توسط مورخان مسلمان نوشته شد. شمار زیادی از این مورخان مانند طبری، بیهقی و... ایرانی بودند.



سنگ پالمو، تکه‌ای بزرگ از یک ستون سنگی یادبود به نام «سالنامه شاهی» مربوط به پادشاهی کهن مصر است. موزه شهر پالمو - ایتالیا



سردیس هرودت



در آن دوران مورخان که اغلب از طبقه منشیان بودند و در جریان همه مسائل و حوادث دربار و کشور قرار داشتند، بیشتر به تنظیم و ثبت وقایع می پرداختند و توجه چندانی به بررسی علل، آثار و نتایج رویدادهای تاریخی نداشتند. علاوه بر آن، عمده تمرکز این مورخان بر بیان حوادث سیاسی و نظامی و شرح حال فرمانروایان بود و به مسائل و موضوعهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیتی نمی دادند. این نوع بیان حوادث را، «تاریخ نگاری توصیفی» می گویند. گرچه برخی نویسندگان در همان دوره نیز به «تاریخ نگاری تحلیلی» روی آوردند که در آن به علل و نتایج رویدادهای تاریخی توجه می شد.

به دنبال پیشرفت های فکری و علمی مسلمانان و پس از آن، پیشرفت اروپاییان از دوره رنسانس (قرن های ۱۳ تا ۱۷م) به بعد، به تدریج علم تاریخ نیز متحول شد و شیوه نوینی در تاریخ نگاری پدید آمد. اساس این شیوه بر سنجش دقیق منابع، استناد به اسناد و مدارک معتبر و دوری از داستان پردازی بود.

تاریخ نگاری نوین، دارای ویژگی هایی است که آن را از تاریخ نویسی و وقایع نگاری های پیشین متمایز می سازد. این ویژگی ها عبارت اند از :

- ۱ علم تاریخ صرفاً به توصیف و شرح زندگانی و اقدامات فرمانروایان و امور سیاسی و نظامی محدود نمی شود؛ بلکه همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و... جوامع گذشته را دربرمی گیرد، به همین دلیل در پژوهش های نوین تاریخی، تمام جنبه های زندگی مردمان و جوامع گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد.
- ۲ علم تاریخ صرفاً به ثبت و نقل رویدادهای گذشته بسنده نمی کند، بلکه زمینه ها، علت ها، نتایج و آثار گوناگون حوادث تاریخی را نیز بررسی و تجزیه و تحلیل می نماید؛ برای مثال امروزه پژوهشگران تاریخ، برای بررسی واقعه مهمی مانند سقوط ساسانیان، فقط به توصیف ماجرای جنگ هایی که میان سپاه ساسانی و اعراب مسلمان رخ داد، اکتفا نمی کنند، بلکه در ابعادی وسیع تر، زمینه ها و علت های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی این واقعه را به همراه آثار و پیامدهای گوناگون آن، بررسی و تحلیل می کنند. علاوه بر اینها، در پژوهش های علمی تاریخ، از یافته های علوم و فنون مختلف مانند باستان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه، جغرافیا، اقتصاد، زبان شناسی و گاه شماری استفاده می شود.

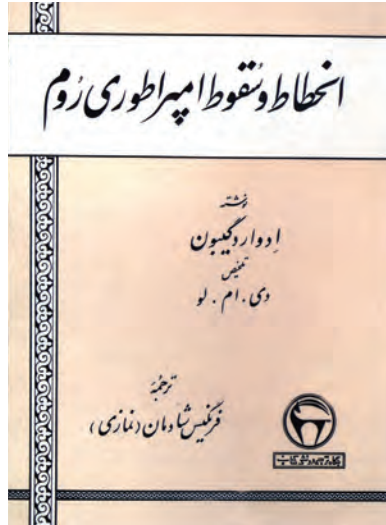
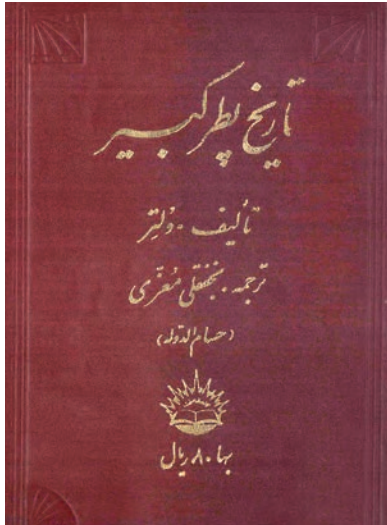
درباره تصویری که شاهنامه از ایران ارائه می دهد و تصویر ارائه شده از ایران در تاریخ نگاری معاصر تحقیق کنید و گزاره هایی از هر کدام را در جدول زیر جای دهید :

تاریخ نگاری نوین	تاریخ ایران در شاهنامه
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.
۵.	۵.

تاریخ‌نگاری جدید در ایران

در دوره معاصر شکل جدیدی از تاریخ‌نگاری در ایران رواج یافت که از نظر بینش و روش با تاریخ‌نویسی سنتی متفاوت بود. جنگ‌های ایران و روسیه در دوران پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار، توجه زمامداران و نخبگان ایران را به دنیای غرب جلب کرد. آنان با مقایسه وضعیت ایران در دوره قاجار و پهلوی با غرب، در جست‌وجوی درک علل پیشرفت جوامع غربی و عقب‌ماندگی جامعه ایران برآمدند. در نتیجه چنین عواملی بود که از زمان عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی‌شاه) ترجمه آثار اروپایی به تدریج آغاز شد و سپس با تأسیس مدرسه دارالفنون و ایجاد دارالطباعه دولتی و دارالترجمه همایونی در زمان ناصرالدین‌شاه گسترش یافت. در دوره ریاست اعتمادالسلطنه، مورخ مشهور عصر ناصرالدین‌شاه، بر دارالطباعه

دولتی و دارالترجمه همایونی، آثار فراوانی به فارسی ترجمه شد. نوشته‌های تاریخی بخش قابل توجهی از نخستین آثار ترجمه شده از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی را تشکیل می‌دادند و ترجمه آنها تأثیر بسزایی در آشنایی نویسندگان و مورخان ایرانی با بینش و روش مورخان اروپایی داشت. در اثر این عوامل، اندک اندک شیوه تاریخ‌نگاری سنتی مورد انتقاد متفکران و مورخان این عهد قرار گرفت و زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری جدید را فراهم کرد.



میرزا حسن‌خان مشیرالدوله پیرنیا

علاوه بر آن، با گسترش فعالیت علمی باستان‌شناسان اروپایی، کتیبه‌های بیستون و طاق‌بستان رمزگشایی شد و اطلاعات جدیدی درباره تاریخ ایران به دست آمد. فعالیت‌های باستان‌شناسان و شرق‌شناسان در برخی موارد از اعتبار و صحت کافی برخوردار نبود و از طرف دیگر، زمینه غارت آثار باستانی و استعمار ملت‌ها را فراهم کرد. گسترش کشفیات باستان‌شناسی در ایران منابع نوینی را پیش روی مورخان قرار داد و زمینه تحولی عمیق و اساسی را در تاریخ‌نگاری سنتی ایران فراهم آورد. مثلاً میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده (۱۲۲۸-۱۲۹۵ ق)، یکی از متفکران دوره قاجار، با اینکه مورخ نبود، تاریخ‌نویسی سنتی را به شیوه علمی نقد کرد. میرزا آقاخان کرمانی، دیگر مورخ عصر قاجار هم در رواج تاریخ‌نگاری جدید گام‌های مؤثری برداشت. او معتقد بود که مورخان جدید اروپایی با بررسی سیر حوادث و مطالعه علل و نتایج رویدادها به قوانینی دست یافته‌اند که آن را «حکمت تاریخی» می‌نامند.

روش و بینش تاریخ‌نگاری جدید

در شیوه تاریخ‌نگاری نوین، تاریخ‌نویسان و پژوهشگران با استفاده از روش تحقیق علمی، بهره‌برداری از منابع و اسناد و مدارک معتبر و گزینش و نقد آنها، رویدادهای تاریخی را ارزیابی می‌کنند و یافته‌های علمی خود را به زبانی ساده می‌نویسند. تاریخ‌نگاران جدید همچنین تلاش می‌کنند از نتایج تحقیقات علوم چون باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی و اسطوره‌شناسی در مطالعه تاریخ بهره‌مند شوند.

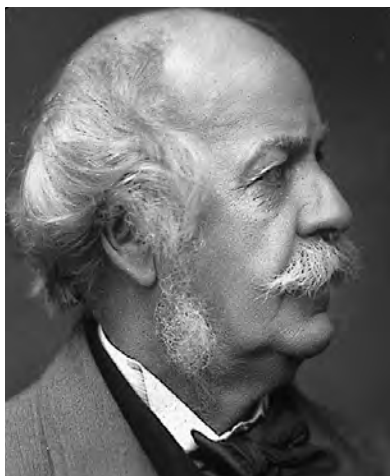


محمد ابراهیم باستانی پاریزی



عباس اقبال آشتیانی

گسترش مدارس جدید، تأسیس دانشگاه و رواج آموزش تاریخ به عنوان یک رشته علمی در دوره معاصر، به ترویج و توسعه روش پژوهش علمی تاریخ در ایران کمک شایانی کرد. علاوه بر این، ایجاد مراکز تحقیقاتی و نشریات تخصصی در حوزه مطالعات تاریخی و نیز تألیف، ترجمه و نشر کتاب‌ها و مقاله‌های علمی فراوان، تأثیر بسزایی در گسترش و ارتقای روش تاریخ‌نگاری جدید در ایران داشته است.



سر هنری راولینسون، سیاستمدار انگلیسی در عصر قاجار، نخستین شرق‌شناسی بود که با مطالعه کتیبه بیستون موفق به خواندن خط میخی شد.

در جدول صفحه بعد، برخی از نمایندگان تاریخ‌نگاری جدید ایران ذکر شده است. برخی از این افراد، دارای گرایش‌هایی متضاد با فرهنگ ملی و دینی در ایران بودند که در آثار آنها منعکس شده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران نیز، محققانی با نگاه انتقادی به تاریخ‌نگاری رسمی، آثار مهمی در این زمینه نگاشته‌اند.

برخی از نمایندگان تاریخ‌نگاری جدید ایران

مورخ / پژوهشگر	اثر و تألیف
حسن پیرنیا (مشیرالدوله) (۱۲۵۱-۱۳۱۴ ش. تهران)	سیاستمدار و تاریخ‌نگار؛ مؤلف تاریخ ایران باستان در سه جلد
احمد کسروی (۱۲۶۹ ش. تبریز-۱۳۲۴ ش. تهران)	تاریخ‌نگار، زبان‌شناس و حقوق‌دان؛ نویسنده تاریخ مشروطه ایران، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تاریخ پانصدساله خوزستان
محمد قزوینی (علامه قزوینی) (۱۲۵۶ ش. تهران-۱۳۲۸ ش. تهران)	ادیب، مصحح و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران؛ از جمله آثار مهم وی تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی و مجموعه مقالات و یادداشت‌های تاریخی در چندین جلد است.
غلامرضا رشید یاسمی (۱۲۷۵ ش. دالاهو کرمانشاه-۱۳۳۰ ش. تهران)	مؤلف، مصحح و مترجم آثاری در موضوع تاریخ و ادبیات؛ نویسنده تاریخ ملل و نحل و تاریخ مختصر ایران، مترجم چندین اثر مهم تاریخی مانند ایران در زمان ساسانیان اثر کریستن سن و تاریخ قرن هجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون نوشته آلبر ماله و ژول ایزاک
عباس اقبال آشتیانی (۱۲۷۵ ش. آشتیان-۱۳۳۴ ش. رم)	مورخ، ادیب، استاد دانشگاه و نویسنده آثاری مانند تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، تاریخ مغول، خاندان نوبختی و دیگر آثار تاریخی به صورت تألیف، ترجمه و تصحیح متون؛ مؤلف کتاب‌های درسی تاریخ در دوران پهلوی
سعید نفیسی (۱۲۷۴ ش. تهران-۱۳۴۵ ش. تهران)	ادیب، تاریخ‌نگار، مترجم و شاعر، استاد دانشگاه؛ مؤلف تاریخ تمدن ساسانی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر و ده‌ها اثر دیگر در موضوع تاریخ و ادبیات
نصرالله فلسفی (۱۲۸۰ ش. تهران-۱۳۶۰ ش. تهران)	مورخ، ادیب، مترجم و نویسنده آثاری چون زندگانی شاه عباس اول در پنج جلد و آثار متعدد دیگر در تاریخ ایران و جهان؛ مؤلف کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا در دوران پهلوی
عبدالحسین زرین کوب (۱۳۰۱ ش. بروجرد-۱۳۷۸ ش. تهران)	ادیب، تاریخ‌نگار، مترجم و استاد دانشگاه؛ نویسنده و مترجم آثار متعدد در تاریخ و ادبیات از جمله تاریخ مردم ایران، روزگاران، دو قرن سکوت، بامداد اسلام، کارنامه اسلام و تاریخ در ترازو
فریدون آدمیت (۱۲۹۹ ش. تهران-۱۳۸۷ ش. تهران)	تاریخ‌نگار؛ مؤلف آثار تاریخی متعدد که از جمله آنهاست: امیرکبیر و ایران، اندیشه‌های طالبوف، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران
محمد ابراهیم باستانی باریزی (۱۳۰۴ ش. باریز سیرجان-۱۳۹۳ ش. تهران)	تاریخ‌نگار، استاد دانشگاه؛ مؤلف و مصحح ده‌ها اثر تاریخی و ادبی، از جمله تاریخ کرمان، فرماندهان کرمان، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، یعقوب لیث و...

فواید و کارکردهای مطالعه تاریخ

در اینجا برخی از فایده‌ها و کارکردهای علم تاریخ که موجب عبرت‌آموزی می‌شود، بیان می‌گردد.

الف) منبع شناخت و تفکر: مطالعه سرگذشت انسان‌ها و جوامع گذشته، منبع و گنجینه ارزشمندی برای تقویت و پرورش قوه شناخت و تفکر به حساب می‌آید. با کاوش در گذشته می‌توان از تجربیات و اندیشه‌های مردمان گذشته برای تقویت قدرت شناخت و تفکر بهره گرفت. علاوه بر این، جست‌وجوی شواهد و مدارک تاریخی و تحلیل و تفسیر علت‌ها، آثار و نتایج رویدادها، قوه درک و مهارت اندیشه‌ورزی را افزایش می‌دهد.

در قرآن، آیات بسیاری است که انسان‌ها را به مطالعه سرگذشت اقوام گذشته دعوت کرده و تاریخ را به‌عنوان یک منبع معتبر برای کسب شناخت و تفکر معرفی می‌کند.

به گفته شهید استاد مطهری: «از نظر قرآن، تاریخ بشر و تحولات آن، بر طبق یک سلسله سنن و نوامیس صورت می‌گیرد و عزت‌ها، ذلت‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها، خوشبختی‌ها و بدبختی‌های تاریخی حساب‌هایی دقیق و منظم دارد و با شناختن آن حساب‌ها و قانون‌ها می‌توان تاریخ حاضر را تحت فرمان درآورد و به سود سعادت خود و مردم از آن بهره‌گیری کرد». (مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۷۰)

«فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۷۶). «قصه گذشتگان با ایشان بگوی باشد که تفکر کنند».



پیشوایان دینی نیز بر نقش و اهمیت تاریخ به عنوان منبع شناخت و تفکر تأکید کرده اند.

سفارش امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام درباره اهمیت مطالعه تاریخ

«فرزندم، هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده اند نزیسته ام، اما در کارهاشان نگرسته ام و در سرگذشت هاشان اندیشیده و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده ام تا چون یکی از ایشان گردیده ام، بلکه با آگاهی که از کارهاشان به دست آورده ام گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده ام. پس از آنچه دیدم، روشن را از تاریک و سودمند را از زیان بار باز شناختم و برای تو از هر چیز زبده آن را جدا ساختم و نیکویی آن را برایت جست و جو کردم و آن را که شناخته نبود از دسترس تو به دور انداختم». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

بلکه نسل‌های متمادی بشر را تا به امروز تحت تأثیر قرار داده و بر آیندگان نیز تأثیرگذار خواهد بود.

مطالعه تاریخ به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که فرهنگ‌ها و جوامع بشری چگونه و تحت تأثیر چه عوامل و شرایطی به وجود آمده، پیشرفت کرده و به وضعیت امروزی رسیده اند. بدین گونه، علم تاریخ می‌تواند ما را در ارزیابی و شناخت درست اوضاع و شرایط کنونی جامعه خویش و سایر جوامع و نیز ترسیم افق آینده، کمک کند.

پ) تقویت حس میهن‌دوستی و هویت ملی: مردمانی که برای نسل‌های متوالی، سرگذشت مشترکی داشته و سالیان طولانی در شادی‌ها و تلخ‌کامی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های هم شریک بوده‌اند، به طور طبیعی نسبت به سرزمین و گذشته خود، نوعی احساس علاقه و دلبستگی خاص پیدا می‌کنند. از این رو، آگاهی افراد یک جامعه نسبت به گذشته مشترکشان، باعث خودآگاهی و یگانگی بیشتر آنان می‌شود.

ب) بهره‌گیری از گذشته برای حال و آینده: دامنه شناخت و آگاهی تاریخی فقط محدود به گذشته نمی‌شود، بلکه به درک زمان حال و ترسیم مسیر آینده نیز کمک می‌کند؛ زیرا رویدادهای تاریخی اگرچه در زمان معینی در گذشته به وقوع پیوسته‌اند، اما آثار، نتایج و پیامدهای این رویدادها، گذشته، حال و آینده را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برای مثال، نتایج و تأثیرات برخی حوادث عظیم تاریخی مانند تأسیس سلسله بزرگ هخامنشیان، ظهور و گسترش اسلام، جنگ‌های صلیبی، نهضت رنسانس، کشفیات جغرافیایی و انقلاب‌های بزرگ معاصر، فقط محدود به زمان وقوع این حوادث نبوده، بلکه دوران پس از آن حوادث را نیز به طرز چشمگیری متأثر کرده است. همچنین تحولی که پیامبران الهی و یا شخصیت‌های مهم تاریخی همچون افلاطون، ارسطو، کورس، ابن‌سینا، شاه اسماعیل صفوی، ناپلئون، امیرکبیر، امام خمینی علیه السلام و امثال آنان ایجاد کردند، نه تنها مردمان و جوامع عصر خویش،



اگر هنگام تعطیلات نوروز به شیراز مسافرت کنید، انبوهی از گردشگران از اقوام مختلف ایرانی را که از اقصی نقاط کشور به آن شهر آمده‌اند، مشاهده می‌کنید که علاوه بر زیارت بارگاه حضرت شاهچراغ، با افتخار، به بقایای کاخ‌های کورس، داریوش و خشایارشاى هخامنشی در باسارگاد و تخت جمشید نیز می‌نگرند. چه چیزی، جز دلبستگی به میراث تاریخی و دینی می‌تواند این‌گونه موجب همدلی و همبستگی اقوام و قشرهای مختلف مردم شود؟

شناخت گذشته و مطالعه و بررسی زندگی مردمان در زمان‌ها و مکان‌های دیگر، به ما کمک می‌کند که درک درستی از هویت و کیستی خود پیدا کنیم و بدانیم، که بوده‌ایم و چگونه به جایگاهی که هم‌اکنون هستیم، رسیده‌ایم. آگاهی تاریخی ایرانیان به میراث گذشته خود، به همراه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی، نقش زیادی در حفظ موجودیت و هویت آنان در طول تاریخ داشته است. نیاکان ما به اتکای چنین آگاهی و دلبستگی به دین، زبان و فرهنگ خویش بوده است که توانسته‌اند در برابر حوادث عظیمی همچون حمله اسکندر مقدونی، تهاجم ویرانگر مغولان و نظایر آن، دوام بیاورند و مانع فروپاشی جامعه و فرهنگ ایرانی شوند.

مطالعه و بررسی گذشته، همچنین ارزش و اهمیت میراث فرهنگی را به ما نشان می‌دهد و کمک می‌کند که میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی از هویت و شناسنامه ملی خویش بدانیم و در حفظ و نگهداری آن کوشا و سهیم باشیم.

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی معلم خود درباره «فلسفه تاریخ» و مسائلی که در آن مطرح می‌شود گفت‌وگو کنید.



ساعت آفتابی



ساعت شنی



اسطرلاب

تاریخ؛ زمان و گاه‌شماری

رویدادهای تاریخی در زمان معینی در گذشته روی داده‌اند و بدون آگاهی از زمان روی دادن آنها، نمی‌توان به درکی منطقی و درستی از تاریخ دست یافت.

ابداع گاه‌شماری: یکی از دستاوردهای مهم بشر، اندازه‌گیری زمان و ابداع گاه‌شماری یا تقویم، به‌شمار می‌رود.

گاه‌شماری، نظامی است که انسان برای اندازه‌گیری دقیق زمان (ماه و سال) ابداع کرده است. دانش و مهارت اندازه‌گیری زمان، ارتباط نزدیکی با علومی مانند ریاضیات، نجوم و فیزیک دارد و ابداع تقویم، نتیجه تلاش مشترک دانشمندان این علوم به حساب می‌آید. در نتیجه نیاز به زمان‌سنجی بود که بشر موفق شد ابزارهایی مانند ساعت‌های آفتابی، آبی و شنی و همچنین وسیله پیچیده‌تری مثل اُسطرلاب را برای رصد خورشید، ماه و دیگر سیارگان و ستارگان اختراع نماید.

یکی از اقدامات ضروری در تنظیم و تدوین گاه‌شماری، انتخاب یک مبدأ معین است. مهم‌ترین مبدأهای گاه‌شماری عبارت‌اند از:

۱ مبدأ دینی: این مبدأ از رایج‌ترین مبدأهای گاه‌شماری در جهان است. یهودیان مبدأ گاه‌شماری خود را براساس پیدایش و آفرینش انسان؛ مسیحیان بر مبنای تولد حضرت مسیح علیه السلام و مسلمانان بر پایه هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه تنظیم کرده‌اند.

۲ مبدأ ملی و قومی: رویدادهای ویژه‌ای که برای قوم، جامعه و ملّتی، جنبه ملی و افتخارآمیز دارد می‌تواند به‌عنوان آغاز گاه‌شماری و تاریخ آنها قرار گیرد؛ مثل پیروزی در یک نبرد بزرگ و ملی، رهایی از ظلم و ستم زورگویان، برتخت نشستن یک پادشاه و کسب استقلال و آزادی. در گاه‌شماری‌های مصری، بابلی و اوستایی مبدأ گاه‌شماری، جلوس پادشاهان بود.

۳ مبدأ مبتنی بر حوادث طبیعی: برخی جوامع، رویدادهای بزرگ طبیعی مانند وقوع یک آتشفشان یا طوفانی عظیم و امثال اینها را به‌عنوان مبدأ گاه‌شماری خود قرار می‌دادند؛ به‌عنوان مثال سومری‌ها، گاه‌شماری و تاریخ خود را به قبل و بعد از طوفان تقسیم می‌کردند.

تاریخچه گاه‌شماری در جهان

مردمان بین‌النهرین (منطقه میان دو رود دجله و فرات) و مصریان باستان، در تنظیم و تدوین گاه‌شماری پیشگام بودند. در بین‌النهرین و به‌خصوص در میان بابلی‌ها، گاه‌شماری «خورشیدی - قمری» رایج بود. مصریان نیز گاه‌شماری خورشیدی دقیق و منظمی داشتند. آنان سال را ۳۶۵ و یک چهارم شبانه‌روز محاسبه می‌کردند. در گاه‌شماری مصری، سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می‌شد و پنج روز اضافی، به آخر ماه دوازدهم افزوده می‌گردید. همچنین برای محاسبه یک چهارم شبانه‌روز اضافی، هر چهار سال یک روز به سال می‌افزودند و به قولی کیسه می‌گرفتند. رومیان در آغاز، گاه‌شماری دقیقی نداشتند، به همین دلیل در سال ۴۶ ق.م. امپراتور روم (ژولیوس سزار) دستور داد گاه‌شماری رومی براساس گاه‌شماری مصری اصلاح شود. حدود دو قرن پس از آنکه امپراتوری روم دین مسیحیت را رسمیت بخشید، در سال ۵۲۵ م. تولّد حضرت مسیح صلی الله علیه و آله به‌عنوان مبدأ گاه‌شماری رومیان (مسیحیان) تعیین شد. گاه‌شماری هجری قمری که تقویم رایج بیشتر کشورهای اسلامی به شمار می‌رود، بر پایه گردش ماه به دور زمین تنظیم شده است و مبدأ آن، اول محرم سالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه هجرت کرد.

اسامی ماه‌ها و معانی آن در گاه‌شماری اوستایی							
نام ماه	معنی	نام ماه	معنی	نام ماه	معنی	نام ماه	معنی
فروردین	نیروی پیش برنده	تیر	ستاره باران	مهر	محبت	دی	آفریدگار
اردیبهشت	راستی و پاکی	آمرداد	جاودانگی	آبان	آب	بهمن	نیک اندیشی
خرداد	کمال و خرمی	شهریور	شهریاری نیرومند	آذر	آتش	اسفند	فروتنی مقدّس

تاریخچه گاه‌شماری در ایران

محتوای سنگ‌نوشته‌های بیستون و تخت جمشید نشان می‌دهند که گاه‌شماری خورشیدی - قمری بابلی در قلمرو هخامنشیان رواج داشته است، اما ماه‌ها براساس فرهنگ و آیین ایرانی نام‌گذاری شده بودند. در دوره اشکانیان، گاه‌شماری‌های بابلی، سلوکی و اوستایی متداول بود.

در دوره ساسانیان، گاه‌شماری اوستایی که گاه‌شماری دینی زرتشتیان (زردشتیان) محسوب می‌شد، در ایران رایج گردید. در این گاه‌شماری، سال به ۱۲ ماه خورشیدی ۳۰ روزه تقسیم می‌شد. سپس پنج روز اضافی را به نام «اندرگاه» (پتجه) به آخر ماه دوازدهم

می‌افزودند. مبدأ گاه‌شماری اوستایی به تخت نشستن هر پادشاه بود. از آنجایی که در این گاه‌شماری، سال را ۳۶۵ شبانه‌روز می‌گرفتند، در هر ۴ سال یک شبانه‌روز و در هر ۱۲۰ سال ۳۰ شبانه‌روز از سال حقیقی عقب می‌افتاد. برای رفع این مشکل بعد از هر ۱۲۰ سال، یک ماه به دوازده ماه سال اضافه می‌کردند. در گاه‌شماری اوستایی ماه‌ها و روزهای هر ماه با اسامی ایزدان و فرشتگان نام‌گذاری شده بود.

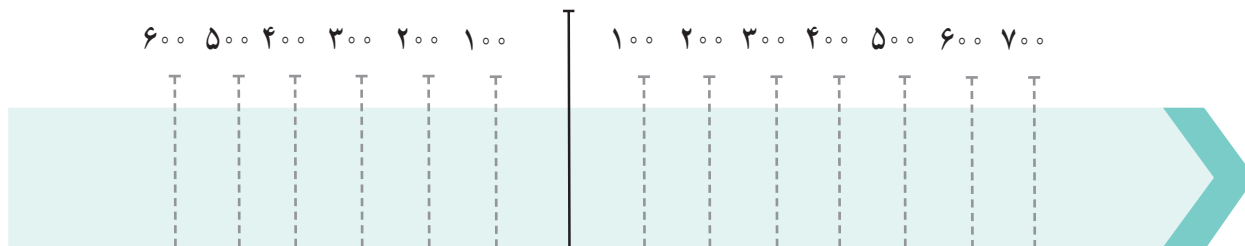
در ایران دوران اسلامی گاه‌شماری هجری قمری رایج گردید، اما در کنار آن گاه‌شماری‌های دیگری مانند یزدگردی، جلالی، دوازده حیوانی و هجری خورشیدی نیز رواج یافت. گاه‌شماری جلالی یکی از دقیق‌ترین گاه‌شماری‌های جهان است و گاه‌شماری هجری خورشیدی که از سال ۱۳۰۴ ش. در ایران رسمیت یافت، بر اساس آن تنظیم شده است.



خط زمان

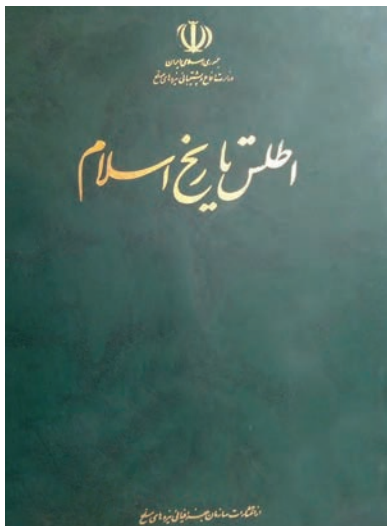
در درس پیش خواندید که رویدادهای تاریخی در زمان معینی به وقوع پیوسته‌اند و مورخان می‌کوشند که این رویدادها را براساس زمان وقوع آنها توصیف و تحلیل کنند. بنابراین، نظم و ترتیب رویدادها که به آن گاه‌شماری (کرونولوژی) می‌گویند، در مطالعه و پژوهش تاریخ، اهمیت فراوانی دارد. «خط زمان»، ابزار مناسبی است که به وسیله آن می‌توان رویدادهای یک دوره یا دوران‌های مختلف تاریخی را به ترتیب زمان وقوع آنها، بر روی نمودار نشان داد. مطالعه تطبیقی خط زمان بین مناطق مختلف جهان یا موضوعات متفاوت می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را نصیب مورخان و محققان سازد.

هجرت حضرت رسول ﷺ از مکه به مدینه



تأثیر جغرافیا بر رویدادهای تاریخی

نقش و تأثیر عوامل و پدیده‌های طبیعی و اقلیمی (آب و هوا) در شکل دادن به رویدادها و تحولات تاریخی، از دیرباز مورد توجه مورخان بوده است؛ برای مثال هرودت مورخ مشهور یونانی، به منظور نگارش کتاب تاریخ خود به مصر، فینیقیه و جاهای دیگر مسافرت کرده و از نزدیک شرایط طبیعی و اقلیمی آن سرزمین‌ها را بررسی نموده است. این خلدون، اندیشمند و مورخ مسلمان تونس قرن هشتم هجری نیز بخشی از مقدمه کتاب العبر خود را به تأثیر جغرافیا و اقلیم بر تاریخ، اخلاق و رفتار آدمیان اختصاص داده است.



در چند دهه اخیر، ارتباط تاریخ و جغرافیا بیشتر از گذشته مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و دانش جغرافیای تاریخی گسترش بیشتری یافته است. جغرافیای تاریخی به مطالعه مناطق و سرزمین‌های مختلف در گذشته می‌پردازد و تأثیر محیط طبیعی و عوامل جغرافیایی را بر رویدادهای تاریخی مانند شکل‌گیری تمدن‌ها، مهاجرت‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، برپایی سکونتگاه‌ها و شهرها و ایجاد و گسترش راه‌ها و... مطالعه می‌کند.

تکمیل

خلیج فارس یکی از کانون‌های مهم مبادله تجاری و فرهنگی در دوره باستان بود. در کنیه‌ای که از داریوش یکم هخامنشی در مصر بر جای مانده، از خلیج فارس به عنوان دریایی که از پارس آید، نام برده شده است. در دوره ساسانیان، خلیج فارس را دریای پارس می‌گفتند. مورخان و جغرافی‌دانان یونانی و رومی در عهد باستان در آثار خود از آب‌های نیلگون جنوب فلات ایران با عناوینی مانند پرسیکوس سینوس^۱ و آقاریوم پرسیکو^۲ یاد کرده‌اند که ترجمه آنها «خلیج فارس» و «آبگیر فارس» است. مورخان و جغرافی‌دانان مشهور مسلمان نیز خلیج فارس را با نام‌های «بحر فارس»، «البحر الفارسی» و «الخلیج الفارسی» ذکر کرده‌اند.

روز ملی خلیج فارس

۱۰ اردیبهشت، در تقویم ایران، به عنوان روز ملی خلیج فارس نام گرفته است. تلاش برخی کشورها برای تحریف نام تاریخی خلیج فارس عامل مهمی بود تا شورای عالی انقلاب فرهنگی در تیرماه ۱۳۸۴ به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی، روز اخراج یرغالی‌ها - ۱۰ اردیبهشت - از تنگه هرمز در زمان صفویه را به عنوان روز ملی خلیج فارس نام‌گذاری کند.

مستند جغرافیای تاریخی خلیج فارس

جست‌وجو و کاوش

عوامل طبیعی و جغرافیایی بر سرنوشت برخی از رویدادهای مهم تاریخی، تأثیر چشمگیری داشته‌اند. به سه گروه تقسیم شوید و هر گروه بر روی تأثیر عوامل طبیعی بر رویدادهای تاریخی زیر، تحقیق کند و نتایج آن را به صورت روزنامه دیواری ارائه نمایید.

- ۱ مهاجرت و سفرهای بازرگانی مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان، به آفریقا، هند و شرق آسیا؛
- ۲ نبرد دریایی سالامیس میان ایرانیان و یونانیان در زمان خشایارشای هخامنشی؛
- ۳ مقاومت آریو برزن در برابر سپاه اسکندر مقدونی.

۱. Persicus Sinus

۲. Aqururum persico



باستان‌شناسی و تاریخ

باستان‌شناسی، علمی است که آثار باستانی و تاریخی را به منظور شناخت فرهنگ و شیوه زندگی انسان‌ها و جوامع گذشته، مطالعه و بررسی می‌کند. بنابراین، باستان‌شناس، کسی است که بر اساس آثار باقی‌مانده از بشر، گذشته انسان‌ها و جوامع انسانی و به ویژه تغییرات فرهنگی آنها را در طول زمان، بررسی و تحلیل می‌نماید. از این رو، برخی از صاحب‌نظران، باستان‌شناسی را علمی می‌شمارند که هدف آن، شناخت انسان و پژوهش در فرهنگ او است.



توضیح

در دوران رنسانس توجه جهانگردان و پژوهشگران به بقایای آثار متعلق به گذشته، بیشتر شد. در آن زمان، برخی از اشراف و حتی پاپ‌ها به گردآوری آثار هنری کهن پرداختند و خانه‌های خود را با آنها آراستند. این افراد حتی برای دستیابی به آثار نفیس کهن، اقدام به کاوش کردند. در قرن ۱۸ م. وینکلمان^۱، مورخ آلمانی با نگارش کتاب تاریخ هنر یونان باستان، گامی مهم در جهت آغاز مطالعات باستان‌شناسی برداشت. با کاوش شهرهای رومی مانند پمپئی در همان قرن، باستان‌شناسی علمی رو به تکامل نهاد. در قرن ۱۹ م. فناوری‌های جدید کاوش، موجب پیشرفت تدریجی فنون علمی باستان‌شناسی گردید. در قرن ۲۰ م. فعالیت‌های باستان‌شناسان در مناطق وسیعی از جهان گسترش یافت. در بین‌النهرین که کاوش‌های باستان‌شناسی نخست به امید یافتن گنج و دستیابی به آثار هنری آغاز شده بود، در اواسط این قرن به کاوش‌های برنامه‌ریزی شده تغییر یافت و سرانجام منجر به کشف تمدنی بزرگ شد که تا پیش از آن، ناشناخته بود. در دهه‌های اخیر، باستان‌شناسی با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و استفاده از دستاوردهای سایر علوم، به پیشرفت‌های زیادی دست یافته

۱. Winckelmann

است. باستان‌شناسی به رغم آنکه علم جوانی است، اما تا بدان حد پیش رفته است که امروزه باستان‌شناسان می‌توانند بقایای اجساد انسان‌ها، جانوران و گیاهان مربوط به هزاران سال پیش را در آزمایشگاه‌های مجهز بررسی کرده و اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ تغذیه، بیماری‌ها، وضعیت محیط زیست و پوشش گیاهی و جانوری گذشته‌های دور کسب نمایند.

باستان‌شناسی و علم تاریخ، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. از یک سو، باستان‌شناسان از نوشته‌های مورخان برای شناسایی، کشف و مطالعه آثار و مکان‌های باستانی بهره می‌برند و از سوی دیگر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسان، منبع ارزشمندی برای تحقیقات مورخان به‌شمار می‌رود. مطالعه و شناخت دوران بسیار طولانی پیش از تاریخ، عمدتاً متکی به کاوش‌های باستان‌شناسی است. از این رو، بخشی از آگاهی و اطلاعاتی که تاکنون دربارهٔ زندگی انسان‌ها و جوامع دوران پیش از تاریخ به‌دست آمده، حاصل تحقیقات علمی باستان‌شناسان است. بخشی از آگاهی در این باره نیز، از کتب تاریخ اسطوره‌ای و تاریخ دینی و کتب مقدس به‌دست می‌آید. بیوند منابع فوق و مقایسه آنها با همدیگر می‌تواند به محققان تاریخ اطلاعات ارزشمندی دهد.



ابزارهای کشاورزی ساخته شده از شاخ گوزن، شرق اروپا، دوران نوسنگی



ابزارهای سنگی صیقل یافته مربوط به دوره نوسنگی - موزه تولوز فرانسه

با راهنمایی دبیر خود دربارهٔ دلایل اهمیت کاوش‌های باستان‌شناسی در مطالعه و شناخت دوران پیش از تاریخ، گفت‌وگو نمایید.

فعالیت ۳

باستان‌شناسی همچنین کمک شایانی به مطالعه دوره تاریخی کرده است. منابع نوشتاری (مکتوب) برای شناخت کامل این دوره، مخصوصاً اوایل آن، کافی نیستند. از سوی دیگر، عمدهٔ اطلاعات منابع نوشتاری، مربوط به رویدادهای سیاسی و نظامی و شرح اقدامات فرمانروایان است. بنابراین، کاوش‌های باستان‌شناسی و یافته‌های علمی باستان‌شناسان به مورخان کمک زیادی می‌کند که ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی مردمان و جوامع دوره تاریخی را بهتر بشناسند. به طور کلی، باستان‌شناسی علاوه بر آنکه میراث فرهنگی بشر را کشف و معرفی کرده است، نقش مهم‌تری در مرمت و نگهداری این میراث گران‌بها دارد.

تعیین سن آثار باستانی

امروزه باستان‌شناسان برای تاریخ‌گذاری و تعیین سن آثار باستانی، از روش‌های علمی پیشرفته‌ای مانند روش رادیوکربن و شیوه پیشرفته‌تری موسوم به «پتاسیم - آرگون» استفاده می‌کنند. در این روش‌ها از دانش‌هایی چون شیمی، فیزیک، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و غیره کمک گرفته می‌شود.



قدمت آثار باستانی از طریق روش‌های مختلفی تخمین زده می‌شود. استفاده از رادیوکربن متداول‌ترین شیوه تاریخ‌گذاری تقریبی در باستان‌شناسی است. روش‌های دیگری مانند «پتاسیم-آرگون، تشعشع حرارتی و شمارش حلقه‌های تنه درخت نیز، در تعیین سن احتمالی نمونه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هر یک از حلقه‌های تنه بریده شده درخت، بیانگر یک سال است.



موزه ایران باستان



سردر موزه ایران باستان

موزه‌ها، گنجینه‌های آثار باستانی

موزه‌ها، مهم‌ترین مکان گردآوری، نگهداری، مرمت، مطالعه و نمایش آثار باستانی هستند. موزه ایران باستان از جمله بزرگ‌ترین موزه‌های ایران است که آثار باستانی ارزشمندی در آن حفظ و به نمایش گذارده شده است. همچنین بسیاری از آثار باستانی گران‌بهای ایران، در موزه‌های متعددی در کشورهای مختلف جهان به خصوص موزه‌های لوور در پاریس، بریتانیا در لندن، آرمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه و متروپولیتن در نیویورک نگهداری می‌شوند که بسیاری از آنها، در اواخر دوره قاجار و همچنین در دوره پهلوی، از ایران به سرقت رفته‌اند.

به تصویر سردر موزه ملی ایران باستان با دقت نگاه کنید و بگویید معماری آن با الگوگیری از کدام بنای تاریخی، طراحی شده است؟

پرسش‌های نمونه

- ۱ قلمرو و هدف علم تاریخ را بیان نمایید.
- ۲ تاریخ چگونه به فهم زمان حال و درک مسائل پیش روی انسان‌ها و جوامع کمک می‌کند؟
- ۳ چرا زمان و مکان، دو رکن علم تاریخ به شمار می‌روند؟
- ۴ سه مورد از عوامل جغرافیایی و محیطی را که بر رویدادهای تاریخی اثرگذار بوده‌اند، فهرست کنید.
- ۵ موضوع و هدف علم باستان‌شناسی چیست؟
- ۶ زمینه‌های پیدایش تاریخ‌نگاری نوین ایران چگونه فراهم شد؟
- ۷ ویژگی‌های تاریخ‌نگاری نوین را بیان کنید و تفاوت آن را با روش تاریخ‌نگاری سنتی توضیح دهید.

منابع تاریخ اسلام و ایران

آثار و نوشته‌هایی که مورخان برای پژوهش در تاریخ اسلام و ایران در دوران اسلامی استفاده می‌کنند دارای گونه‌های مختلفی هستند. شما در این درس، انواع مختلفی از این آثار و نوشته‌ها را که برای شناخت تاریخ اسلام و ایران لازم‌اند، شناسایی و ویژگی‌های هر دسته را بررسی و مقایسه خواهید کرد.

یک کارآگاه پلیس برای بررسی جرم و روشن کردن ابعاد مختلف آن، نیازمند به چه چیزهایی است؟ آیا او بدون دسترسی به شواهد و مدارک لازم، می‌تواند در مورد چگونگی وقوع جرم نظر بدهد؟ قاضی چگونه؟ آیا او هم، بدون داشتن اسناد و مدارک لازم، می‌تواند حکمی صادر کند؟ با راهنمایی دبیر درباره این موضوع بحث کنید و کار کارآگاه و قاضی را با کار مورخان، به رغم تفاوت‌های بنیادینی که با یکدیگر دارند، مقایسه کنید.

منابع و مآخذ پژوهش در تاریخ

منابع و مآخذ پژوهش تاریخی به دو دسته تقسیم می‌شوند. الف) منابع: به همه نوشته‌هایی گفته می‌شود که در زمان وقوع یک رویداد یا نزدیک‌ترین زمان به وقوع آن به ثبت و ضبط آن رویداد پرداخته‌اند؛ به عبارت دیگر، نویسندگان این نوع منابع، خود ناظر رویدادها بوده‌اند و یا اینکه شرح ماجرا را از شاهدان واقعه شنیده‌اند. علاوه بر منابع مکتوب، تمامی آثار باستانی و تاریخی، شامل بناها، ابزارها، اشیاء، سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها و هر وسیله‌ای که از گذشته به جای مانده است، «منابع» تاریخی محسوب می‌شوند.



منشور کورش — موزه بریتانیا در لندن



طاق بستان — کرمانشاه

ب) مآخذ (تحقیقات): به همه تحقیقات و آثاری گفته می‌شود که مدت‌ها پس از وقوع رویدادها و با استفاده از منابع پدید آمده‌اند. منابعی که مورخان برای فهم زندگی اجتماعی انسان در گذشته از آن استفاده می‌کنند، دارای گونه‌های مختلفی هستند. شما در این درس، انواع مختلف منابعی را که برای شناخت تاریخ اسلام و ایران دوران اسلامی مناسب هستند، شناسایی و ویژگی‌های هر دسته را بررسی و مقایسه خواهید کرد.

گونه‌های منابع تاریخی از ظهور اسلام تا پایان عصر صفوی

مورخان، برای آگاهی از چگونگی وقوع رویدادهای گذشته، به منابع و مآخذ مختلفی رجوع می‌کنند. در اینجا، به اختصار، با گونه‌های مختلف منابع تاریخ ایران دوره اسلامی تا پایان عصر صفوی، آشنا می‌شوید.

۱ منابع نوشتاری

از برجسته‌ترین متون و منابع راجع به تاریخ صدر اسلام و قرون نخستین اسلامی می‌توان به دو مرجع مهم اشاره کرد:

الف) قرآن کریم

قرآن کریم منشأ اصلی و یکی از مؤثرترین و الهام‌بخش‌ترین سرمشق‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است. در قرآن کریم بر بررسی احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از سرگذشت افراد و اقوام پیشین تأکید فراوان شده است. قرآن کریم با تشویق به سیر و سفر^۱ و تفکر و تدبّر در سرگذشت اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آن، زمینه را برای سفرهای دانشمندان مسلمان، از جمله مورخان، فراهم ساخت. از این گذشته، قرآن سند دست اول زندگانی رسول خدا و چگونگی روابط ایشان با افراد و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در عربستان، خصوصاً مکه و مدینه است.

ب) حدیث و سیره نبوی

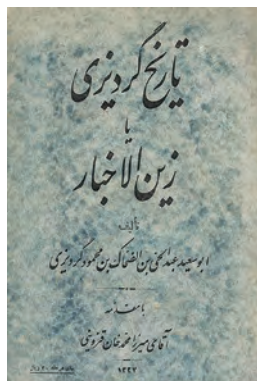
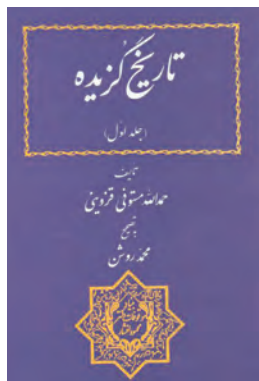
این آثار اطلاعات بسیار مهمی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جنگ‌ها و حوادث تاریخی زندگی ایشان و صحابه ارائه می‌کنند. در احادیث فراوانی که در منابع حدیثی شیعیه و اهل سنت گرد آمده است، اطلاعات تاریخی قابل توجهی درباره تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیده می‌شود که به کار پژوهندگان تاریخ اسلام می‌آید. در میان کتاب‌هایی که راجع به زندگانی پیامبر اکرم نوشته شده، سیره محمد بن اسحاق^۲ مهم‌ترین اثر است. تنها بخشی از این اثر باقی مانده و به چاپ رسیده است. بعدها عبدالملک بن هشام^۳ دست به تلخیص و بازنگاری آن زد که تحت عنوان سیره ابن هشام شهرت یافت. اثر مهم دیگر در این زمینه، متعلق به محمد بن عمر واقدی (۱۳۰ - ۲۰۹ ق) یکی از برجسته‌ترین مورخان و سیره‌نویسان سده دوم و اوایل سده سوم هجری است. اثر او به نام «المغازی» (غزوه‌ها) به ۱۰ سال پایان زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است.

۱. «آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن ببینند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیستند، اما چشم باطن و دیده دلشان کور است.» (سوره حج، آیه ۴۶)
۲. متولد ۸۵ ق و متوفای ۱۴۴ یا ۱۵۱ یا ۱۵۲ ق است.
۳. متوفای ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق در مصر

الف) کتاب‌های تاریخی

از جمله مهم‌ترین منابع پژوهش در گذشته، کتاب‌هایی هستند که مورخان دوره‌های مختلف نوشته‌اند. کتاب‌های تاریخی تألیف شده در دوران اسلامی تنوع خاصی دارند. در ادامه با برخی از انواع کتاب‌های تاریخی آشنا می‌شوید.

۱ تاریخ‌های عمومی: تاریخ‌نگاری عمومی یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری در ایران است که از قرن سوم هجری قمری آغاز شد و تا اواخر عصر قاجار تداوم یافت. مؤلفان این دسته از آثار، نگارش تاریخ جهان را از آغاز آفرینش عالم آغاز می‌کردند و سپس به شرح زندگی حضرت آدم و دیگر پیامبران می‌پرداختند. پس از آن، تاریخ اساطیری ایران را از کیومرث آغاز و به پایان دوره ساسانیان ختم می‌کردند. در ادامه، رویدادهای تاریخ اسلام و سلسله‌های ایرانی را تا زمان حیات خود ثبت و ضبط می‌کردند.



فعالیت ۱

بررسی شواهد و مدارک

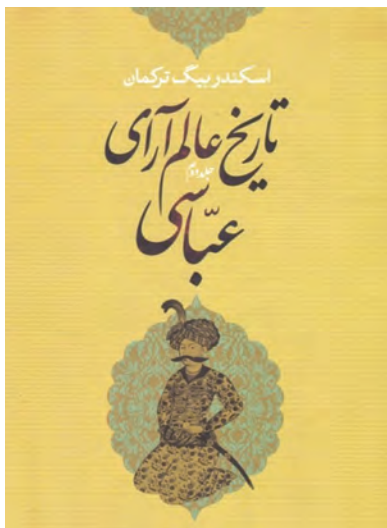
متن زیر دربارهٔ شیخ حسن جوری، رهبر مذهبی سربرداران از کتاب روضة الصفا، تألیف میرخواند انتخاب شده است. متن را به دقت بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«شیخ خلیفه را بامدادی از ستون مسجد به حلق آویخته یافتند و خستی چند در زیر ستون بر یکدیگر چیده دیدند، چنانچه شخصی خود را به ریسمان آویخته باشد و بعد از این واقعه، مریدان شیخ خلیفه دست ارادت به شیخ حسن دادند و خدمتش به طرف نیشابور رفته، اهالی آن دیار را به طریق شیخ خلیفه دعوت کرد و اکثر مردم کوهپایهٔ نیشابور قدم در دایرهٔ ارادت و متابعت او نهادند و هر که مرید می‌شد نام او نوشته، می‌گفت که حالا وقت اختفاست، و می‌فرمود که آلات حرب داشته موقوف اشاعت باشند... مردم چنان معتقد او شدند که اگر جان می‌طلبیدی، روان می‌دادند. فقها با امیر ارغون شاه... گفته که شیخ حسن اهل تشیع و سرخروج دارد. امیر ارغون شاه، امیر محمد باسق را فرستاد احوال او نماید و امیر محمد به مشهد آمده شیخ حسن و اتباع او را مردم نیک معاش یافت که به کسب علم و حرفت انتعاش می‌نمودند...» (روضه الصفا، ج ۵، ص ۴۵۰).

۱ اطلاعات ارائه شده در متن فوق بیشتر در بررسی کدام حوزه از تاریخ کاربرد دارد؟

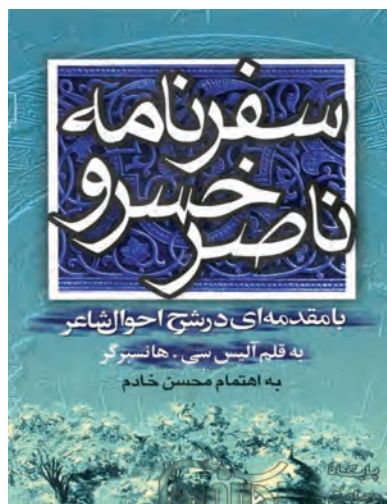
۲ به نظر شما میرخواند چه دیدگاهی نسبت به شیخ حسن جوری دارد؟

۳ با توجه به متن فوق، آیا می‌توان گفت میرخواند نسبت به مغولان با دیدگاه انتقادی قلم زده است؟



۲ تاریخ‌های محلی: تاریخ‌های محلی یکی از مهم‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری و یکی از گنجینه‌های مهم اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و نیز جغرافیایی شهرها و مناطق ایران است. انگیزه اصلی نویسندگان این دسته از کتاب‌های تاریخی، ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی، بیان ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی و نگارش زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر محلی بوده است.

۲ تاریخ‌های سلسله‌ای: یکی دیگر از گونه‌های تاریخ‌نگاری که در دوره اسلامی در ایران رواج یافت، تاریخ‌های سلسله‌ای بود. فرمانروایان بزرگ و کوچک، به منظور ثبت و ضبط رویدادهای دوران خود، معمولاً آدیبان و دانشمندان را تشویق و مأمور به تدوین این رویدادها می‌کردند. بعدها با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.



ب) سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها اطلاعات مفیدی از زندگانی اجتماعی مردم ایران ارائه می‌کنند که در دیگر منابع کمتر دیده می‌شود. بسیاری از جهان‌گردان گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی و جغرافیای تاریخی سرزمین‌هایی را که دیده‌اند از جمله ایران به صورت سفرنامه ارائه داده‌اند.

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را که از سفرنامه‌های ناصر خسرو و بیترو دل‌واله برگزیده شده است، بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: «نهم محرم^۱ به قزوین رسیدیم. باغستان بسیار داشت، بی دیوار و خار و هیچ مانعی از دخول در باغات نبود و قزوین را شهری نیکو دیدم. بارویی^۲ حصین^۳ و کنگره بر آن نهاده و بازارهایی خوب، مگر آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها^۴ در زیرزمین و رئیس آن مردی علوی بود و از همه صنّاع^۵ که در آن شهر بود کفشگر بیشتر بود» (سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، ص ۵).

فعالیت ۳

۱. سال ۴۳۸
۲. دیوار قلعه
۳. محکم، قلعه محکم
۴. قنات‌ها
۵. صنعتگران

متن ۲: «به محض رسیدن به ایران، هر کس متوجه برتری شایانی که این سرزمین (ایران) از لحاظ خوبی و صفای مردم و تمدن و فرهنگ و هرگونه کیفیات دیگر... دارد، می‌شود و من به جرئت می‌توانم بگویم این خطه به هیچ وجه کمتر از سرزمین‌های مسیحی نیست» (سفرنامهٔ پیترو دل‌واله، ص ۱۶).

در مورد باغ‌های چهارباغ اصفهان می‌نویسد:

«این باغ‌ها متعلق به شاه هستند، ولی مردم با آزادی کامل از آن استفاده می‌کنند و آن قدر میوه در آن وجود دارد که برای تمام شهر کافی و حتی زیاد است. در طول باغ، راهروهای زیادی وجود دارد که اطراف آن را درخت‌های سرو کاشته‌اند... خیابان‌های متعددی که چهارباغ را قطع می‌کنند، گرچه در زیبایی به آن نمی‌رسند، ولی چندان دست کمی نیز از آن ندارند؛ زیرا آب به اندازه‌ای فراوان است که از وسط همهٔ آنها نه‌ری می‌گذرد... روی هم رفته به دلیل اینکه چهارباغ به شاه تعلق دارد، واقعاً دارای عظمتی بی‌نظیر است و باید با طیب خاطر اعتراف کنیم که خیابان پوپولو^۱ در رم و خیابان پوجورئال^۲ در ناپل و خیابان خارج از شهر ژن و خیابان مونرال^۳ در شهر پالمو^۴ هیچ کدام به پای آن نمی‌رسند...» (سفرنامهٔ پیترو دل‌واله، ص ۳۴)

۱ از متن‌های فوق برای تحقیق در چه موضوع یا موضوع‌هایی از تاریخ ایران می‌توان استفاده کرد؟

۲ چه تفاوت یا شباهتی میان اطلاعات ارائه شده در متن ۱ و ۲ وجود دارد؟



خیابان چهارباغ اصفهان (از آثار دورهٔ صفوی)

۱. Popolo
۲. Poggio Reale
۳. Monreale
۴. Palermo

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه یک سفرنامه انتخاب کنید و در مورد موضوعی خاص مثلاً آداب و رسوم، تجارت، معماری و اوضاع فرهنگی و دینی، اطلاعاتی از آن استخراج و در کلاس ارائه کنید.

پ) نوشته‌های جغرافیایی

بررسی و مطالعه محیط جغرافیایی رویدادها، در پژوهش‌های تاریخی اهمیت زیادی دارد. نوشته‌های جغرافیایی اطلاعات بسیار با اهمیتی درباره آداب و رسوم، فرهنگ، نوع معیشت، آب و هوا، وضعیت اقتصادی، وضعیت نظامی، راه‌ها، کالاهای، قلعه‌ها، برج‌ها، بندرها، رودها و دریاها، پایتخت‌ها، ادیان و اعتقادات، نژاد و زبان و حدود و سرحدات و مرزهای سرزمین‌ها و حکومت‌های محلی ارائه می‌دهند.



فعالیت ۴

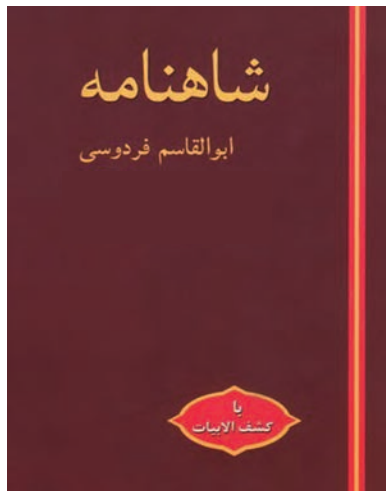
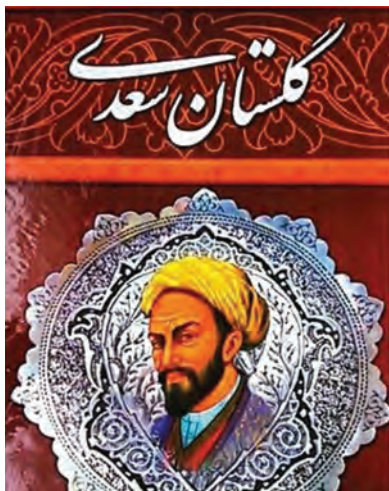
احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی از مورخان برجسته در تاریخ‌نگاری اسلامی است. او در کتاب «تاریخ یعقوبی» علاوه بر ذکر تاریخ افراد و حکومت‌ها، به معرفی جغرافیای شهرها و اقوام مختلف پرداخته است. وی سفرهای متعددی به نقاط مختلف جهان (از هند تا بغداد و مصر) داشت و توجه ویژه‌ای به فرهنگ، اقتصاد، کشاورزی و مردم‌نگاری هر دیار می‌کرد.

چند کتاب دیگر از نویسندگان مسلمان که آثاری درباره نقاط مختلف جغرافیایی و ویژگی‌های هر یک نوشته‌اند در کلاس معرفی کنید.



بحث و گفت‌وگو

آیا اقلیم‌های گوناگون در کشور ما در ایجاد تنوع فرهنگی و آداب و رسوم ویژه محلی تأثیر داشته است؟ در این باره بحث و گفت‌وگو کنید و برای نظرات خود شواهدی ارائه و استدلال کنید.



ت) ادبیات و متون ادبی

متون نظم و نثر ادبی، گونه‌ی مهمی از منابع تاریخی محسوب می‌شوند؛ زیرا اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز عقاید دینی و فلسفی رایج در هر عصری، کم و بیش، در شعر شاعران و نویسندگان آن عصر انعکاس می‌یابند.

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر از گلستان سعدی نوشته شده در سال ۶۵۶ ق است. آن را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده و خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش درآورد. همه شب نیارمید از سخنان پریشان گفتن، که فلان انبازم^۱ به ترکستان و فلان بضاعت به هندوستان است و این قبالة^۲ فلان زمین است و فلان چیز را فلان، ضمین^۳. گاه گفתי خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است. باز گفתי نه [که] دریا(ی) مغرب مشوش است. سعدیا، سفر دیگر [م] در پیش است، اگر آن کرده شود، بقیت عمر خویش به گوشه‌ای بنشینم. گفتم آن کدام سفر است؟ گفت گوگرد پاریسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم [آورم] و دیبای^۴ رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی^۵ به یمن و بُرد یمانی^۶ به پارس و زان پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم. . . . انصاف از این ماخولیا^۷، چندان فروگفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت: [ای سعدی]، تو هم سخن بگوی از آنها که دیده‌ای و شنیده. گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور بارسالاری بیفتاد از سُتور
گفت چشم‌تنگ دنیا دوست را یا قناعت پُر کند یا خاک گور
(گلستان، صص ۳۷۰-۳۷۳)

۱. به نظر شما اطلاعات مندرج در این متن در کدام حوزه تاریخی کاربرد دارد؟
۲. به نظر شما بر اساس چه استدلالی می‌توان به این متن به عنوان یک شاهد و مدرک تاریخی استناد کرد؟
۳. برداشت آزاد شما از متن چیست؟ استدلال کنید.

۱. شریک. در برخی از نسخه‌ها انبار آمده به معنی جای ذخیره کردن کالا
۲. سند
۳. ضامن
۴. پارچه ابریشمی ساخت روم
۵. آینه و شیشه ساخت حلب
۶. جامه نگارین خط‌دار
۷. سودا، خیال خام

انواع منابع تاریخی ایران اسلامی

دوره معاصر	قرون میانه	قرون نخستین ایران دوره اسلامی	تاریخ های عمومی
تاریخ التواریخ (محمد تقی سپهر) تاریخ مستظم ناصری (اعتماد السلطنه)	مجله التواریخ و القصص (۴)، جامع التواریخ (رشیدالدین فضل الله)، روضة الصفا (میرزا آند)، مُلّد برین (محمد یوسف) و آله اصفهانی، زبدة التواریخ (محمد حسن مستوفی)	تاریخ طبری (محمد بن جریر طبری) تاریخ بلعمی (ابو علی بلعمی)	تاریخ های سلسله ای (دو دهانی)
روضه الصفاي ناصری (رضاقلی خان هدایت)	ظفرنامه (شرف الدین علی زدی)، تاریخ عالم آرای عباسی (اسکندریگ منشی)، تاریخ عالم آرای نادری (محمد کاظم مروی)	تاریخ بیهقی (ابوالفضل بیهقی)، التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیه (ابو اسحاق صابی)	تاریخ های محلی
فارسنامه ناصری (حاج میرزا حسن فسائی) تاریخ و جغرافیای تبریز (نادر میرزا) تذکره شوشتر (سید عبدالله جزایری) تاریخ کرمان (احمد علی خان وزیری)	تاریخ سیستان (۴)، تاریخ قم (حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی)، فارسنامه (ابن بلخی)، تاریخ رویان (ارباب الله آملی)، تاریخ بیهق (علی بن زید بیهقی)، تاریخ جعفری (محمد بن حسن جعفری)، شرفنامه (شرف الدین بدلیسی)	اخبار اصفهان (ابو نعیم اصفهانی) تاریخ نیشابور (حاکم نیشابوری)	کتاب های جغرافیایی
جغرافیای کرمان (احمد علی خان وزیری)	مُعجم البلدان (یاقوت حنوی) آثار البلاد (زکریا بن محمد قزوینی) جغرافیای حافظ ابرو نزهة القلوب (احمد الله مستوفی)	المسالك و المسالك (ابن خردادبه)، صورة الارض (ابن حوقل)، حدود العالم من المشرق الى المغرب (۴)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (مقدسی)	اندرز نامه ها، سیاست نامه ها و کتاب های ادبی
سفرنامه های متعدد داخلی و خارجی ناصرالدین شاه، سفرنامه های خارجی مظفرالدین شاه، مطلع الشمس (اعتماد السلطنه)، سفرنامه رضاقلی میرزا نوه فتحعلی شاه، حیرت نامه (میرزا ابوالحسن خان تبریزی)، سفرنامه میرزا فتح خان گرمردی به اروپا، تحفة العالم (میرزا عبداللطیف شوشتری)، سفرنامه دکتر بولاک، سفرنامه حکمتون، سفرنامه مازندران و استرآباد (لوی رابینو)	سیاست نامه (خواجہ نظام الملک توسی)، نصیحة الملوک (غزالی)، قابوس نامه (عنصر المعالی)، جوامع الحکایات (عوفی)، گلستان سعدی، دیوان امیر معزی، دیوان حافظ		سفر نامه ها
روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، خاطرات سیاسی امین الدوله، شرح زندگانی من (عبدالله مستوفی)، خاطرات سلیمان بهودی (رئیس دفتر رضا شاه)، خاطرات محمدعلی قزوینی، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، یادداشت های عَلم (نخست وزیر و وزیر دربار محمد رضا شاه پهلوی)، خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی، خاطرات آیت الله محمد رضا مهدوی کی (شخصیت برجسته سیاسی و مذهبی در دوران جمهوری اسلامی)، نورالدین پسر ایران (خاطرات سید نورالدین عافی، رزمندة دوران دفاع مقدس)	سفرنامه ناصر خسرو، سفرنامه ابن بطوطه، سفرنامه کلاویخو، سفرنامه تیاردن، سفرنامه پیترو دلواله، سفرنامه کسپر، نامه های طبیب نادرشاه (رته بارزن)		خاطرات

ث) سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها: کتاب‌های سیاست‌نامه‌ای حاوی موضوعاتی دربارهٔ شیوهٔ کشورداری و مناسبات حکومت و مردم‌اند. این آثار اطلاعات سودمندی در خصوص چگونگی ادارهٔ کشور و تشکیلات و نهادهای اداری، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ارائه می‌دهند.



فعالیت ۶

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر از کتاب سیاست‌نامهٔ خواجہ نظام‌الملک توسی است. بعد از مطالعهٔ دقیق آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

اندر تعظیم داشتن فرمان‌های عالی

«نامه‌ها که از درگاه نویسند بسیارند و هرچه بسیار شد حرمتش برود. باید که تا مهمی نشود از مجلس عالی چیزی نویسند و چون نویسند باید که حشمتش چنان باشد که کس را زهرهٔ آن نباشد که آن را از دست بنهد تا فرمان را پیش نبرد. اگر معلوم گردد که کسی به فرمان به چشم حقارت نگریسته است و اندر قیام کردن به سمع و طاعت، کاهلی کرده است او را مالش بلیغ دهند، اگر چه از نزدیکان بود...» (سیاست‌نامه، ص ۱۰۱).

۱ اطلاعات مندرج در این متن برای بازشناسی کدام حوزه از تاریخ سلجوقیان مفید است؟

۲ از دیدگاه شما چرا باید سیاست‌نامه را یک منبع تاریخی بدانیم؟

در عصر ما حداقل دو منبع جدید به منابع تاریخی افزوده شده است که در اینجا به اختصار به معرفی آنها می‌پردازیم.

ج) نشریات

نشریه (روزنامه) به‌عنوان رسانهٔ گروهی، یکی از ابداعات تأثیرگذار تمدن جدید غربی بود که در دورهٔ فاجار به ایران راه یافت. نشریات از طریق آگاهی‌بخشی عمومی، تأثیرات فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیادی بر جامعهٔ ایرانی گذاشتند. اولین روزنامهٔ ایران را میرزا صالح شیرازی، یکی از دانشجویان اعزامی به انگلستان با عنوان کاغذ اخبار^۱ در تهران منتشر کرد (۱۲۵۳ق). چند سال بعد، امیرکبیر

۱. عنوان کاغذ اخبار ترجمهٔ تحت‌اللفظی واژه انگلیسی Newspaper است.



صفحه اول روزنامه وقایع اتفاقیه

برای رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم و توسعه فکری و فرهنگی جامعه، روزنامه وقایع اتفاقیه را منتشر کرد که بعداً به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد. پس از آن روزنامه‌های دولتی و غیردولتی دیگری در ایران انتشار یافت. به دلیل استبداد در حکومت قاجار و پهلوی و نبود آزادی بیان، برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور اقدام به نشر روزنامه‌هایی به زبان فارسی کردند^۱ که نسخه‌هایی از آنها به صورت مخفیانه به داخل ایران می‌رسید. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، نشریات رشد سریعی پیدا کردند. در دوران پهلوی اگرچه شاهد وجود برخی مجلات تخصصی هستیم^۲، اما در مجموع، تعداد مطبوعات و شمار نشریات، نسبت به عصر احمدشاه قاجار، کاهش قابل توجهی کرده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کنار رشد بالای مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی مختلف، کتب و نشریات عمومی و تخصصی تاریخی نیز از تنوع و عمق بسیار بالایی برخوردار شدند.^۳



تصویر روی جلد مجله یادگار

نشریات قدیمی منبع پژوهشی ارزشمندی در مطالعات تاریخ معاصر محسوب می‌شوند. بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی نشریات مخصوص به خود را منتشر کرده‌اند و پژوهشگران با مراجعه به این منابع سودمند می‌توانند دیدگاه‌ها و مواضع آنان را بررسی کنند.

چ) اسناد^۴ و منابع آرشیوی

اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع پژوهش تاریخی به شمار می‌آیند و شامل کلیه مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نامه‌های شخصی و اداری، اسناد مالی و قضایی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و حقوقی می‌شوند. با توجه به اهمیت اسناد در پژوهش‌های تاریخی، در بسیاری از کشورهای جهان محلی برای نگهداری، حفاظت، مرمت، طبقه‌بندی و آماده‌سازی آنها و استفاده محققان ایجاد شده است که به آن «آرشیو»

۱. روزنامه‌های قانون و حبل‌المتین از جمله روزنامه‌های فارسی‌زبان معروف بودند که در دوران قبل از انقلاب مشروطه در خارج از ایران منتشر می‌شدند. روزنامه قانون را میرزا ملکم از سال ۱۳۰۷ق در لندن منتشر می‌کرد و در آن حکومت قاجار را به تندی مورد انتقاد قرار می‌داد. روزنامه حبل‌المتین به صورت هفتگی به همت سیدجمال‌الدین کاشانی در کلکته هندوستان منتشر می‌شد و نقش مؤثری در بیداری افکار ایران و ترویج اندیشه آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی داشت.
 ۲. مجله یادگار (۱۳۲۸-۱۳۴۲ش) به مدیریت و سردبیری عباس اقبال آشتیانی، مجله وحید (۱۳۴۲-۱۳۵۷ش) به مدیریت سیف‌الله وحیدنیا و نشریه بررسی‌های تاریخی (۱۳۴۵-۱۳۵۷ش) از جمله قدیمی‌ترین نشریات تخصصی تاریخی به‌شمار می‌روند.
 ۳. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISD) به ابتکار جمهوری اسلامی ایران و همراهی برخی کشورهای اسلامی، در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسید و در همان سال این مؤسسه در شهر شیراز آغاز به کار کرد. هم‌اکنون نزدیک به ۳۰۰۰ نشریه علمی و بیش از ۲۵۰ دانشگاه در این نظام استنادی و رتبه‌بندی علمی حضور دارند.
 ۴. منظور از سند تاریخی، اوراق یا برگ‌نوشته‌هایی است که ارزش اداری و روزمره ندارند اما به دلیل اهمیت محتوایی‌شان، در پژوهش‌های تاریخی به آنها استناد می‌شود و قابلیت نگهداری دائمی دارند.
- * دبیر محترم در صورت امکان دانش‌آموزان را به بازدید یکی از مراکز اسنادی و آرشیوی ببرد.

گفته می‌شود. آرشیو ملی هر کشور محل نگهداری اسناد و مدارک با ارزش و معتبر مربوط به آن کشور است. اسناد حاوی اطلاعاتی بسیار ارزشمند و منحصر به فرد درباره مسائل و موضوع‌های سیاسی، اداری، اقتصادی (مالی، ملکی و معاملات) و فرهنگی، دیدگاه و عملکرد افراد، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی است.

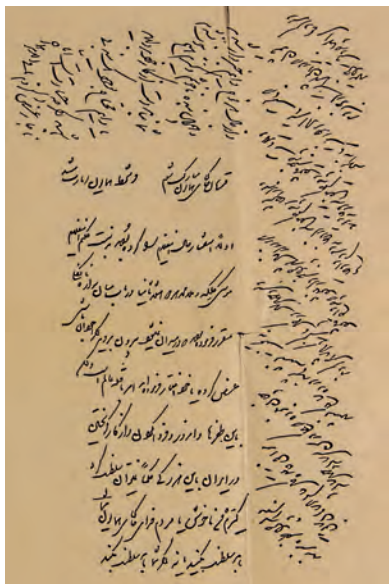


آرشیو ملی ایران (سازمان اسناد ملی) در سال ۱۳۴۹ ش با تصویب «قانون آرشیو»، تأسیس شد.

انواع آرشیوهای اسنادی

اسناد، فقط شامل اسناد مکتوب نیست بلکه هر نوع اطلاعات ثبت شده را که به اشکال نوشتاری، دیداری، شنیداری، مغناطیسی، الکترونیکی و غیره تنظیم شده باشد و بتوان از آن در مطالعات تاریخی بهره‌برداری کرد، شامل می‌شوند. به همین سبب، آرشیوهای گوناگونی در هر کشور وجود دارد؛ برای مثال:

- آرشیو مکتوب: محل نگهداری انواع سندهای مکتوب و از قدیمی‌ترین نوع آرشیوهای جهان است؛
 - آرشیو سمعی: محلی است که نوارهای صوتی در آنجا جمع‌آوری شده‌اند؛ مانند آرشیو صدای جمهوری اسلامی ایران؛
 - آرشیو فیلم: محلی است که انواع گوناگون فیلم در آن نگهداری می‌شوند؛ مانند فیلم‌خانه ملی ایران، آرشیو فیلم ملی ایران و آرشیو فیلم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛
 - آرشیو عکس: امروزه عکس و تصویر در مطالعات تاریخی اهمیت ممتازی دارند. در آرشیو عکس، عکس‌های قدیمی درباره رویدادهای مهم تاریخی و شخصیت‌ها و مردم عادی حفظ و نگهداری می‌شود.
- آرشیوهای پوستر و نقشه و سکه را نیز می‌توان به این مجموعه‌ها اضافه کرد. امروزه بسیاری از وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها آرشیوهای مجزا ایجاد کرده‌اند؛ نظیر آرشیو وزارت امور خارجه، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و مرکز آرشیو اسناد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.



نامهٔ سرزنش آمیز امیرکبیر به ناصرالدین شاه، ۱۲۶۷ق



ایرج افشار

با رواج تاریخ‌نگاری جدید و اهمیت یافتن اسناد به‌عنوان منبعی مهم در مطالعات تاریخی، بسیاری از پژوهشگران و مؤسسات علمی و تحقیقاتی به انتشار اسناد اهتمام نشان دادند. از جمله برجسته‌ترین سندپژوهان و نسخه‌شناسان می‌توان به ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹ش) اشاره کرد.

کاوش خارج از کلاس

با تهیه چند عکس قدیمی از حوادث دوران معاصر و تکیه بر آنچه در این عکس‌ها آمده است، رویداد یا رویدادهایی را گزارش کنید و گزارش خود را در کلاس ارائه دهید.

۲ منابع غیر نوشتاری

الف) مَحْوُطَه‌ها و بناهای تاریخی: آثار و بناهای برجای مانده از دورهٔ تاریخی مورد مطالعه، به مورخان این امکان را می‌دهند تا از اوضاع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی دوران گذشته آگاهی یابند. مکان‌های تاریخی؛ مثل غار جِرا، کوه اُحد و یادشت چالدران، هریک بستر وقوع یک رویداد تاریخی به‌شمار می‌روند. آثار و بناهای تاریخی مانند میدان نقش جهان، مسجد گوهرشاد و به‌طور کلی آثار ساختمانی و معماری نظیر کاخ‌ها، کاروان سراها، قلعه‌ها و برج‌ها، زیارتگاه‌ها، مقبره‌ها، پل‌ها و جاده‌ها، آب‌انبارها، مساجد و کلیساها، معابد و خانقاه‌ها، بنادر، روستاها و شهرهای قدیمی از مهم‌ترین منابع و مراجع پژوهش دربارهٔ گذشته‌های دور و نزدیک محسوب می‌شوند.



مسجد گوهرشاد - مشهد

ب) ابزارها و وسایل دست‌ساخته انسان: این دسته از آثار نیز برای مورخان از منابع بسیار مؤثّق محسوب می‌شوند. انواع پوشاک، جواهرات، ابزارهای کشاورزی، ظروف، وسایل حمل‌ونقل، اشیای هنری مثل مجسمه‌ها، تابلوهای نقاشی، سازهای موسیقی، جنگ‌افزارها، وسایل خانگی و در مجموع، تمام دست‌ساخته‌های انسانی بازمانده از گذشته، گواه روشنی بر نوع فرهنگ و عقاید و آداب و رسوم پیشینیان ما هستند. از این رو، بررسی این آثار که به‌طور خاص در قلمرو دانش‌هایی چون باستان‌شناسی، معماری و هنر قرار می‌گیرند، اطلاعات بسیار مفیدی برای بازآفرینی گذشته، در اختیار مورخان می‌گذارند.



ظرف سفالی — دوره آل بویه



ظرف برنجی — دوره تیموریان

پرسش‌های نمونه

- ۱ منظور از منابع غیرنوشتاری چیست؟ توضیح دهید.
- ۲ تفاوت‌ها و شباهت‌های تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای را بیان کنید.
- ۳ چرا سفرنامه‌ها از منابع مهم تاریخ‌نگاری محسوب می‌شوند؟
- ۴ متون جغرافیایی چه نوع اطلاعاتی از گذشته ارائه می‌دهند؟
- ۵ اهمیت نشریات اعم از روزنامه‌ها و مجلات و اسناد آرشیوی به‌عنوان منابع جدید تاریخی در چیست؟



ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی

از اواخر قرن چهارم تا زمان حمله مغول در اوایل قرن هفتم هجری، سه سلسله غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر بخش‌هایی و گاه بر سراسر ایران حکومت کردند. در این دوران، ایران تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهمی را تجربه کرد. در این درس شما با بررسی شواهد و مدارک مختلف تاریخی، علل، آثار و نتایج تحولات مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهید.

تحولات سیاسی

فکر کنیم و پاسخ دهیم

با راهنمایی دبیر و همفکری، توضیح دهید چه عاملی نقش مهمی در ورود ایران به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان داشت؟

۱ غزنویان

در جریان لشکرکشی‌های مسلمانان به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی رود سیحون در شرق دریای خزر در سده‌های نخست هجری، شماری از ترکان به صورت فردی و یا گروهی به دین اسلام گرویدند و به درون قلمرو اسلامی راه یافتند. عده زیادی از این ترکان به دلیل استعداد خاصی که در امور نظامی داشتند به خدمت دربار عباسیان و امیران مسلمان در مناطق مختلف قلمرو خلافت درآمدند؛ برخی از آنان حتی به مراتب و مناصب بالای نظامی دست یافتند. آلپتگین از جمله این افراد بود که در دربار سامانیان به مقام سپهسالاری رسید. او در میانه قرن چهارم هجری قمری (۳۵۰ق) در شهر غزنه (غزنی/غزین) در کوهستان‌های نواحی شرقی افغانستان کنونی زمینه ایجاد حکومتی محلی را فراهم کرد. در هنگامه ضعف سامانیان، محمود فرزند سبکتگین^۱ که سپهسالار سامانیان در خراسان بود، در شهر غزنه حکومتی مستقل تأسیس کرد که در تاریخ ایران به حکومت غزنویان مشهور است. وی سپس به تدریج بر تمامی نواحی خراسان و بخشی از قلمرو سامانیان سلطه یافت.

۱. سبکتگین، غلامی ترک بود که به خدمت الپتگین درآمد و با ابراز شایستگی ترقی کرد. وی که داماد الپتگین بود از سال ۳۶۶ ق تا هنگام مرگش در ۳۸۷ ق حکومت غزنه را در اختیار داشت و نسبت به امیران سامانی اظهار وفاداری و فرمانبرداری می‌کرد.

محمود همچون بسیاری از فرمانروایان هم‌عصر خود، از ابتدای تأسیس حکومتش در پی کسب حمایت خلیفهٔ عباسی برآمد. او بسیاری از اقدامات سیاسی مذهبی خود را در پوشش جهاد در راه خدا (غزا) و به بهانهٔ مبارزه با مخالفان خلافت عباسی انجام می‌داد. به همین دلیل به ری که تحت حاکمیت آل بویه شیعه مذهب بود، حمله کرد (۴۲۰ق) و پس از تصرف آن، بسیاری از علما و مردم شهر را به بهانهٔ اسماعیلی بودن به قتل رساند و کتابخانهٔ مهم آنجا را، به بهانهٔ وجود کتاب‌های فلسفی، به آتش کشید. از جمله حوادث مهم دوران حکومت محمود غزنوی، لشکرکشی‌های پی‌درپی وی به هند بود. او به بهانهٔ جهاد در راه خدا بارها به هند حمله کرد؛ در حالی که هدف و انگیزه‌اش از این حملات، دستیابی به ثروت فراوان هند از طریق غارت معابد و پرستشگاه‌های آن سرزمین بود. در نتیجهٔ این حملات، دین اسلام و زبان فارسی به شبه‌قارهٔ هند راه یافت و گسترش پیدا کرد.



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

پس از محمود، پسران او، محمد و مسعود بر سر جانشینی پدر با یکدیگر به ستیز پرداختند. مسعود غلبه کرد و به جای پدر نشست. درگیری‌های داخلی و سرگرم شدن مسعود به لشکرکشی به هند، از جمله عواملی بود که سبب شد وی از وضعیت مردم، به خصوص سکنهٔ خراسان که در زیر بار فشار مالیاتی مأموران او به شدت آسیب دیده بودند، غافل بماند. از این‌رو، هنگامی که سلجوقیان، به فرماندهی طغرل، به شهرهای خراسان هجوم آوردند، مردم دروازهٔ شهرها را به روی مهاجمان گشودند. به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان (۴۳۱ق)، سلطهٔ غزنویان بر خراسان به سر رسید، اما حکومت آنان بر مناطقی از سرحدات شرقی ایران (افغانستان کنونی) و شمال غربی هند، تا اواخر قرن ششم هجری ادامه یافت. حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهنامهٔ معروف خود را در دوره دولت غزنوی سرود و به پایداری زبان فارسی، خدمت شایانی کرد.

۲ سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان بودند که پس از گرویدن به اسلام، نخست در ماوراءالنهر و سپس در خراسان مستقر شدند. طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید (۴۲۹ق). او سپس شهرها و مناطق مختلف ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. وی سرانجام به بغداد رفت و خلیفهٔ عباسی را از تسلط آل بویه شیعه‌مذهب درآورد و خود

را مُنجی خلافت معرفی کرد (۴۴۷ق). خلیفه نیز حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زنند. خلیفه همچنین لقب «سلطان رکن الدوله» را به طغرل داد.

در زمان آل بارسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد (۴۶۳ق)، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوران اسلامی بود. توسعه قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد. در زمان ملکشاه، سلسله سلجوقی به اوج قدرت رسید و در نتیجه بیشتر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت سلطان سلجوقی گردن نهادند.

حکومت سلجوقیان، به دنبال مرگ وزیر و پادشاه قدرتمند خود، یعنی خواجه نظام‌الملک و ملکشاه، در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت و جانشینی دچار ضعف شد. همچنین هجوم اقوام مهاجمی همچون قراختائیان^۱ و غُزها^۲ منجر به از دست رفتن ماوراءالنهر و وارد آمدن آسیب‌ها و خسارت‌های فراوان به شهرها و روستاهای خراسان و دیگر مناطق ایران شد. به دنبال این حوادث، قلمرو سلجوقی در ایران بین امیران مختلف تقسیم شد و رقابت و کشمکش بر سر قدرت، حکومت سلجوقی را بیش از پیش تضعیف کرد. با پیروزی تکتش خوارزمشاه بر آخرین سلطان سلجوقی (۵۹۰ق)، حکومت سلجوقیان منقرض شد و خوارزمشاهیان قدرت را به دست گرفتند. علاوه بر عوامل فوق، مبارزات اسماعیلیان در ایران، ظلم و سخت‌گیری سلجوقیان نسبت به شیعیان و علویان و نیز قدرت گرفتن اتابکان در نواحی زیر سلطه سلجوقیان در ضعف و زوال این حکومت مؤثر بودند.



قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

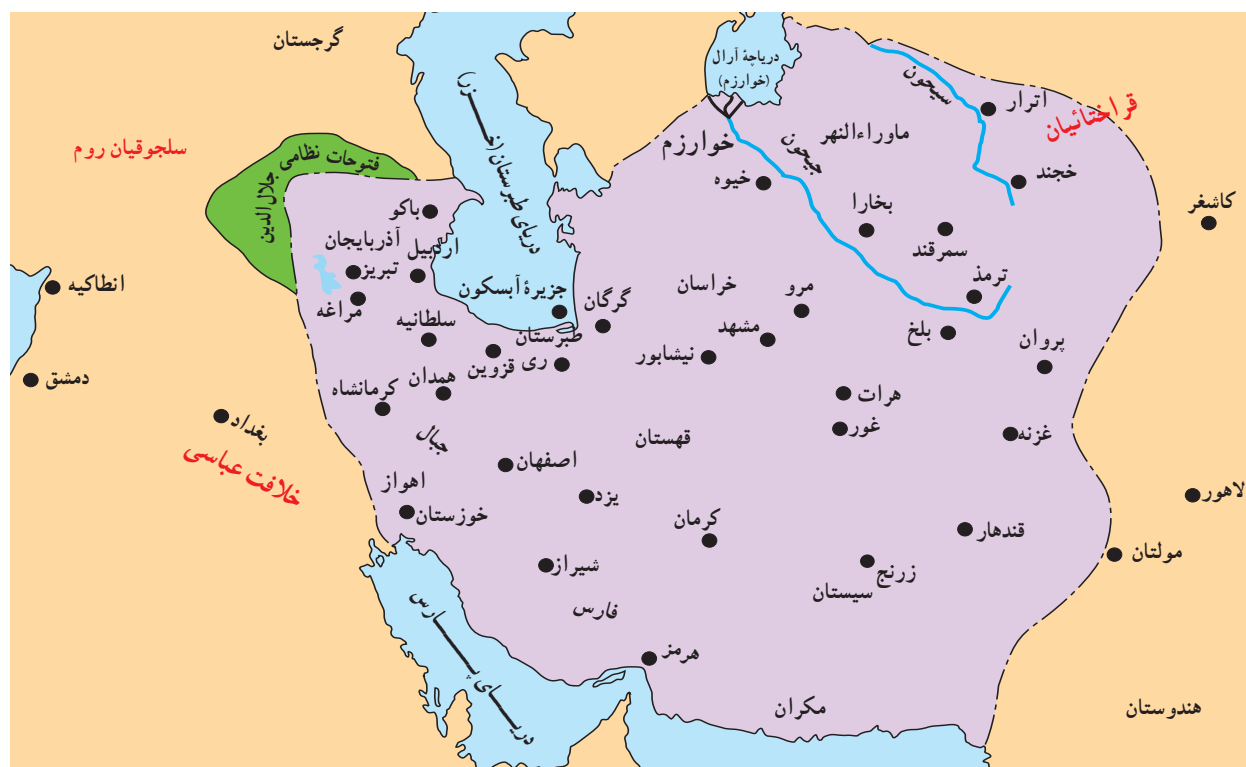
۱. قراختائیان اصل و نسب مغولی داشتند. در قرن چهارم میلادی جذب فرهنگ چین شدند. محل اصلی سکونت آنها در شمال کوه‌های تیان‌شان بود. در حدود سال ۵۱۲-۵۱۸ق حکومت قدرتمندی تشکیل دادند. در ۵۳۱ق به سرزمین‌های اسلامی هجوم آوردند. نزدیکی آنها به ماوراءالنهر سبب حرکت سنجر برای نبرد با آنها شد.
 ۲. غزها دسته‌ای از طوایف ترک بودند که در زمان سلطان سنجر قوت گرفتند و با شکست سنجر و اسارت او، خراسان را برای مدتی تصرف و غارت کردند.

«اتابک» در ترکی به معنای پدربزرگ و سرپرست است. سلاطین سلجوقی شاهزادگان خردسال خود را برای اداره نواحی تازه فتح شده با گروهی از امیران و بزرگان که به آنها اتابک گفته می‌شد و وظیفه سرپرستی آنان را داشتند گسیل می‌کردند. در دوران ضعف سلجوقیان بسیاری از این اتابکان، شاهزادگان را از قدرت برکنار کردند و خود در منطقه تحت سلطه آنان حکومت مستقلی تشکیل دادند.

۳ خوارزمشاهیان

خوارزم، یکی از مناطق آباد ایران زمین در قرون نخستین و میانه اسلامی بود. به حاکمان ناحیه خوارزم، خوارزمشاه گفته می‌شد. خاندان حاکم بر این منطقه با وجود استقلال داخلی، از سلجوقیان اطاعت می‌کردند. پس از آنکه حکومت سلجوقی دچار ضعف و انحطاط شد، آتیز، حاکم خوارزم ادعای استقلال کرد. جانشین او، تکش با شکست دادن طغرل سوم، آخرین سلطان سلجوقی، برخس وسیعی از ایران تسلط یافت. سلطان محمد خوارزمشاه نیز توسعه طلبی را وجهه همت خود قرار داد و با تسلط بر مناطق جدیدی، قلمرو خوارزمشاهیان را گسترش داد.

در زمان سلطان محمد، روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی، به تیرگی گرایید. خلیفه عباسی که در آن زمان در صدد احیای قدرت سیاسی و نظامی خود بود، از تأیید حکومت خوارزمشاهیان خودداری کرد. به همین سبب سلطان محمد خوارزمشاه برای مقابله با عباسیان، یکی از سادات حسینی^۱ را به عنوان خلیفه اعلام کرد و به بغداد لشکر کشید؛ اما سپاه او در گردنه اسدآباد همدان، بر اثر برف و سرمای شدید، متوقف شد.



قلمرو خوارزمشاهیان در زمان سلطان محمد خوارزمشاه

۱. سیدعلاءالملک ترمذی

با راهنمایی دبیر درباره آثار و نتایج دشمنی و درگیری خوارزمشاهیان و خلافت عباسی با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ ایران، یعنی حمله چنگیز خان مغول در زمان سلطان محمد خوارزمشاه اتفاق افتاد (۶۱۶ ق). بر اثر این هجوم بخش‌هایی از ایران در معرض قتل و غارت سپاهیان چنگیز قرار گرفت و در پی آن حکومت خوارزمشاهیان نیز ساقط شد.

ترسیم نمودار خط زمان

نمودار خط زمان تاریخ ایران در دوران حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را ترسیم کنید و رویدادهای مهم سیاسی و نظامی را بر روی آن نشان دهید.

فصل ۱

نظام اداری

فرمانروایان غزنوی به خوبی دریافته بودند که برای اداره قلمرو رو به توسعه خود به تشکیلات دیوانی و دیوان‌سالاران ایرانی نیاز دارند. از همین رو بسیاری از دیوان‌سالاران حکومت سامانی و حتی برخی از دیوان‌سالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند. سلجوقیان نیز از آغاز حکومت با به کارگیری دیوان‌سالارانی همچون عمیدالملک کندی و خواجه نظام‌الملک توسی، نظام اداری ایران را کامل‌تر و گسترده‌تر کردند. در این بین نقش نظام‌الملک در ساختار نظام اداری ایران عصر سلجوقی به اندازه‌ای برجسته است که دوران وزارت وی را می‌توان «عصر نظام‌الملک» نامید. خواجه نظام‌الملک در تلاش بود که با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری مدنظر خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود، ضمن ایجاد ثبات و استمرار، با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود همچنان وفادار بودند، مقابله کند. این چالش مداوم، منجر به تقابل دو نیروی مخالف شد که در تاریخ ایران به نام تقابل اهل قلم (دیوان‌سالاران) و اهل شمشیر (نظامیان) معروف است. نظام اداری سلجوقی، الگوی مطلوبی برای حکومت‌های پس از خود شد.

در عصر سلجوقی، دیوان وزارت که در رأس آن وزیر قرار داشت به شکوهمندی بی‌نظیری رسید. همه دیوان‌های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می‌کردند. با این حال وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود. اگر سلطان بنا به دلایلی از وزیر رنجیده یا از موقعیت وی به هراس می‌افتاد، عزل یا قتل و مصادره اموال در انتظار او بود.

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: «روزی سلطان به وی [نظام الملک] پیغام داد که همانا با من در مُلک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد خود می‌دهی، و هر تصرف که در ملک می‌خواهی بی‌مشورت من می‌کنی، خواهی تا بفرمایم که دوات وزارت از پیش و دستار از سرت بردارند؟ نظام الملک جواب داد که دوات من و تاج تو در هم بسته است و توأمانند، اما فرمان تو را باشد» (رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، بخش سلجوقیان، ص ۳۶).

■ منظور نظام الملک از رابطه بین دوات [نماد اهل قلم] وی و تاج سلطانی چیست؟

متن ۲: «باید که به همه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و داروفروشان و درویشان، و از هر چه می‌شنوند خبر می‌آورند تا هیچ‌گونه از احوال چیزی پوشیده نماند» (نظام الملک، سیاست‌نامه، ص ۹۰).

الف) با توجه به متن فوق، نظام الملک، ایجاد کدام دیوان را برای حکومت سلجوقی ضروری شمرده است؟

ب) به نظر شما اطلاع حاکم از اوضاع مملکت می‌توانست چه فایده‌ای به همراه داشته باشد؟

نظام اداری دوره خوارزمشاهی، تداوم نظام اداری سلجوقی بود، با این تفاوت که اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دوره سلجوقی کم شد، برخی دیگر تغییر نام یافت و برخی دیوان‌های جدید نیز تشکیل گردید؛ به عنوان نمونه، در این دوره، قدرت و نقش وزیر نسبت به دوره سلجوقی به شدت کاهش یافت و حتی در مواردی منصب وزیر حذف شد.

اوضاع اجتماعی و اعتقادی

در دوران حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، بخش عمده جمعیت ایران در این دوران در روستاها به سر می‌بردند. همچون گذشته روابط دوجانبه‌ای بین روستاها و شهرها وجود داشت.



بخشی از شهر نیشابور در دوره سلجوقی که با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای به صورت گرافیکی بازسازی شده است (هفت رخ فرخ ایران، ص ۱۴۴)

در این دوره شهرهایی که مرکز یک ناحیه محسوب می‌شدند، به دلیل وجود نهادهای اداری و نیز به دلیل اهمیت سیاسی و اقتصادی‌شان، بیش از دیگر شهرها، از نظر جغرافیایی، جمعیت و عناصر شهری، توسعه یافتند.

در دوره سلجوقی، به دلیل رشد شهرنشینی و توسعه مناسبات شهری، طبقه بازرگان شهری بیش از پیش اهمیت یافت و بازرگانان به یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی تبدیل شدند. در شهرها مشاغل و حرفه‌های گوناگونی وجود داشت. ری، اصفهان، مرو و نیشابور از جمله شهرهای مهم این دوره بودند. بافت مذهبی جمعیت شهری و روستایی این دوره را عمدتاً



برج طغرل، ری

اهل تسنن تشکیل می‌دادند. به جز پیروان تسنن، شیعیان دوازده امامی (امامیه) نیز در شهرهای ایران پراکنده بودند و در برخی نقاط، اکثریت داشتند. در برخی شهرهای ایران سادات علوی نیز زندگی می‌کردند. بیهق (سبزوار)، ری، گرگان، ساری، کاشان و قم از جمله مهم‌ترین مراکز شیعه‌نشین ایران بودند. پیروان مذهب اسماعیلیه نیز در شهرها و روستاهای ایران پراکنده بودند. این گروه، مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی بودند و به همین دلیل همیشه از سوی این حکومت‌ها مورد تعقیب و آزار قرار داشتند. از وجود پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی در برخی شهرهای ایران نیز گزارش‌هایی در دست است.

در این عصر، گاه اختلافات و منازعاتی میان پیروان بعضی از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در برخی از شهرها و مناطق پیش می‌آمد. دخالت مقام‌های حکومتی به ویژه برخی سلاطین و وزیران غزنوی و سلجوقی در امور مذهبی و جانب داری آنها از یک فرقه و مذهب و دشمنی با فرقه و مذهب دیگر، به این اختلافات و درگیری‌ها دامن می‌زد.

سیاست مذهبی سلجوقیان را با سیاست مذهبی آل بویه مقایسه کنید و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن را بیان نمایید.

اسماعیلیان ایران

اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت تبلیغی خود را در ایران آغاز کردند و در دوران سلجوقیان به یک جریان مذهبی سیاسی نیرومند تبدیل شدند. رهبری اسماعیلیان ایران را در آن زمان حسن صَبَّاح عهده‌دار بود و با خلافت فاطمیان مصر ارتباط داشت. حسن صَبَّاح و جانشینان او با تصرف و یا بنای دژها در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، پایگاه‌های مستحکم و نفوذناپذیر برای خود ایجاد



بقایای قلعه الموت

کردند و با سلجوقیان و خلافت عباسی به مبارزه پرداختند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و دژ گردکوه در حوالی دامغان از جمله مهم‌ترین قلعه‌های آنان بود. اسماعیلیان هم‌زمان با مبارزات نظامی برای تبلیغ آیین خود و جذب مردم، خصوصاً شیعیان، به مذهب اسماعیلی و عقاید سیاسی خود فعالیت‌های فرهنگی زیادی انجام دادند. آنان از افرادی به عنوان «داعی» برای دعوت و جذب مردم به اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند. یکی از داعیان معروف اسماعیلی، شاعر و متفکر بزرگ ایرانی، ناصر خسرو بود که چندین کتاب مهم به زبان فارسی در این زمینه نوشت. خواجه نصیرالدین توسی، دانشمند معروف شیعی قرن هفتم هجری، از کتابخانه بزرگ و غنی اسماعیلیان بهره فراوان برد. مبارزات اسماعیلیان نقش مهمی در تضعیف سلجوقیان داشت. قلعه‌های اسماعیلیان در جریان حمله هلاکوخان به تصرف مغولان درآمد.

اوضاع اقتصادی

کشاورزی و زمین‌داری

در عصر حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی نیز مانند دیگر دوره‌های تاریخی، کشاورزی مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی مردم ایران به شمار می‌رفت.

یکی از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود.

مالکیت زمین در تاریخ ایران همواره یکی از مسائل مهم به شمار می‌رفته است.

در این دوران مالکیت شخصی بر زمین بسیار محدود و ناپایدار بود و چنین املاکی همواره در معرض مصادره فرمانروایان و مأموران آنان قرار داشت.

در عصر سلجوقی، با تدبیر نظام‌الملک، شکلی از زمین‌داری با عنوان اقطاع که در دوره حکومت آل بویه رایج بود، گسترش یافت. اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد. نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلااستفاده، نظام اقطاع را توسعه داد. گرچه این سیاست در ابتدا نتایج و عواید مثبتی برای حکومت داشت، اما پس از نظام‌الملک به دلیل تمایل تدریجی صاحبان اقطاع به استقلال، سبب جدایی مناطقی شد که زمین‌های اقطاعی در آنها قرار داشتند و نهایتاً به ضعف و زوال حکومت سلجوقی کمک کرد. نوع دیگر مالکیت که به تدریج در این دوران در ایران توسعه یافت، زمین‌های وقفی بود.

تجارت و پیشه‌وری

در دوره سلجوقی تجارت داخلی و خارجی ایران به‌طور چشمگیری رشد کرد. گسترش قلمرو، برقراری نظم و امنیت، ایجاد راه‌های جدید و توسعه حمل‌ونقل و وجود نظام دیوانی کارآمد از جمله عواملی بودند که به رشد تجارت کمک کردند. با رونق تجارت، شهر و شهرنشینی نیز رشد یافت. بازارها به عنوان قلب تپنده شهر رو به توسعه گذاشت. سنگ‌های قیمتی، انواع منسوجات، برخی محصولات کشاورزی پرطرفدار، برخی اشیای فلزی، ظروف سفالی و انواع ظروف شیشه‌ای در داخل و خارج از مرزهای ایران مبادله و خرید و فروش می‌شدند. صرافان که وظیفه انجام معاملات پولی و تسهیل مبادله کالاها را به عهده داشتند، نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی ایفا کردند.

با راهنمایی دبیر، درباره تاریخ شهر و یا استان محل زندگی خود در دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

زبان، علم و آموزش

الف) زبان و ادب فارسی

قرن‌های چهارم تا هفتم، دوران توسعه زبان و ادبیات فارسی و ظهور بزرگ‌ترین نویسندگان و شاعران زبان فارسی است. تلاش‌های دیوان‌سالاران ایرانی در تبدیل زبان دستگاه اداری غزنویان از عربی به فارسی که در دوره سلجوقی عملاً رسمیت یافت و تمایل دانشمندان این دوره به نوشتن آثار خود به زبان فارسی نیز در رونق و توسعه زبان و ادبیات فارسی نقش بسزایی داشت. در عصر غزنوی شعر فارسی به اوج خود رسید و حکیم فردوسی شاهنامه را که نماد هویت ایرانی و زبان فارسی است سرود و ابوالفضل بیهقی یکی از برجسته‌ترین آثار زبان فارسی، یعنی تاریخ بیهقی، را نوشت. در همین دوره آثار فراوانی در تاریخ، طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه به زبان فارسی نگاشته شد. در عصر سلجوقی این روند رشد سریع‌تری به خود گرفت. بارشده شهرها، تأسیس و توسعه مراکز آموزشی و نفوذ روزافزون دیوان‌سالاران ایرانی در دستگاه اداری حکومت سلجوقی و جذب شعرا و نویسندگان به دربارهای

مختلف، فرصت مناسب برای توسعه هر چه بیشتر زبان و ادبیات فارسی فراهم آمد. شعر فارسی، به‌ویژه در انتهای دوره سلجوقی، به رونق و شکوفایی فراوانی دست یافت. سنایی، انوری، خاقانی و عطار از مشهورترین شاعران و نویسندگان عصر سلجوقی و خوارزمشاهی بودند.

ب) علم و آموزش

دوران طولانی حکومت سلسله‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، هم‌زمان، شاهد تداوم رشد فلسفه و علوم طبیعی در آغاز و سپس افول تدریجی این علوم بود. در این دوران، دانشمندان بسیار بزرگی فعالیت علمی می‌کردند. در دوره غزنوی ابوریحان بیرونی در نجوم و جغرافیا و در دوره سلجوقی ابوالعباس لوکری و خیام نیشابوری در ریاضیات و نجوم، شهاب الدین شهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و کلام و سید اسماعیل جرجانی در پزشکی از جمله معروف‌ترین این دانشمندان بودند.

حکیم عمر خیام نیشابوری



مجسمه خیام در مقر سازمان ملل متحد در وین

حکیم عمر خیام یکی از برجسته‌ترین دانشمندان در عصر سلجوقی بود. خیام که شهرتش اکنون بیشتر به خاطر رباعیات اوست، در علوم ریاضی و نجوم سرآمد عصر خود محسوب می‌شد. علاوه بر آن در فلسفه نیز تبحر داشت. برخی محققان، عصر خیام را پایان دوره‌ای می‌شمارند که علم در دنیای آن روزگار تقریباً به مسلمانان اختصاص داشت. کتاب او با عنوان «رساله فی الجبر و المقابله» که در تاریخ علم آن را برجسته‌ترین رساله در این زمینه در تمام قرون وسطا خوانده‌اند، شامل حل هندسی و تحقیق منظمی در طبقه‌بندی معادلات جبری درجه اول، درجه دوم و درجه سوم بود. وی همچنین در تحقیق و تنظیم تقویم جلالی نقش اساسی داشت.



میل (مناره) خسروگرد، سبزوار

علوم دینی در قیاس با فلسفه و علوم طبیعی، به دلیل حمایت‌های سلاطین و وزیران و نیز موقعیت علمای مذهبی از جایگاه برتری برخوردار شد. با حمایت حاکمان و دولتمردان غزنوی و سلجوقی مراکز و مؤسسات آموزشی که بیشتر به تعلیم علوم دینی اختصاص داشت گسترش یافت. نظامیه‌ها که به همت خواجه نظام‌الملک توسی در شهرهای مهمی چون بغداد و اصفهان و نیشابور ساخته شدند، از این جمله بودند. این مدارس بعدها الگوی بسیاری از نهادهای آموزشی دینی در دیگر نقاط دنیای اسلام و کشورهای غربی گردیدند. امام محمد غزالی از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی بود که در مدارس نظامیه درس خواند و درس داد. آخرین نظامیه تا حملهٔ هلاکوخان در سال ۶۵۶ ق به بغداد که به نابودی آن انجامید، فعال بود.

هنر و معماری

از عصر غزنوی بعضی کاخ‌ها و بناهای برج مانند که آرامگاه مشاهیر عصر خود بودند، باقی مانده که در خور توجه‌اند. دورهٔ سلجوقی یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی تلقی می‌شود. گسترش قلمرو، حکومت فراگیر، توسعهٔ شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان، در شکوفایی هر چه بیشتر هنر و معماری این دوره تأثیر بسزایی داشت. مسجد، مدرسه، کاروانسرا و نیز مقابر از جمله بناهایی بودند که در آن دوره توسط معماران ایرانی ساخته می‌شدند.

مسجد جمعهٔ اصفهان که اولین مسجد چهار ایوانی در ایران است، الگویی برای معماران مساجد در دوره‌های بعدی شد. کاشی‌ها و گچ‌بری‌ها و تزیینات به‌کار رفته در این مسجد نیز به عنوان نمونه‌ای عالی از هنر این دوره محسوب می‌شوند.



گنبد علویان از بناهای دورهٔ سلجوقی، همدان



فلزکاری در عصر سلجوقی یکی از درخشان‌ترین دوران خود را در تاریخ ایران پشت سر گذاشت. آثار فلزی با تزیینات فراوان به صورت قلم‌زنی و قالب‌ریزی در مقیاس فراوان تولید و گاهی اوقات به خارج از قلمرو سلجوقی صادر می‌شدند. شیوه‌های تولید و تزیین فلزکاری عصر سلجوقی به دلیل غنای خود بعداً به سرزمین‌های غرب قلمرو اسلامی انتقال یافت.

هنر سفالگری گرچه به کیفیت دوره سامانی نرسید اما با استفاده از نقوش جانوری و گیاهی توسعه یافت و مراکز مهم سفالگری عصر سامانی از شرق ایران یعنی نیشابور و سمرقند به تدریج به مناطق مرکزی مانند کاشان انتقال یافت.

هنر کاشی‌کاری نیز در کنار توسعه معماری در این دوره به اوج خود رسید و استفاده از نقوش انسانی، گیاهی، جانوری و نیز نقوش هندسی برای تزیین بناهای مذهبی و غیر مذهبی کاربرد فراوانی یافت.



ظروف دوره سلجوقیان



نمای داخلی گنبد مسجد جمعه اصفهان، دوره سلجوقیان

پرسش‌های نمونه

- ۱ اهداف محمود غزنوی از حمله به هند چه بود؟
- ۲ نظام‌الملک چه اهدافی از تقویت و توسعه نظام اداری در عصر سلجوقی داشت؟
- ۳ شکل‌گیری نظام سلطنت در دوره سلجوقی، چه تأثیری بر جایگاه و قدرت سیاسی نظامی خلفای عباسی داشت؟
- ۴ بافت مذهبی شهرهای ایران را در دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان به اختصار توضیح دهید.
- ۵ چه عواملی در رشد تجارت داخلی و خارجی در دوره سلجوقی نقش داشتند؟

حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول – تیموری

هجوم مغولان به ایران در ابتدای قرن هفتم هجری، آغازگر دوران جدیدی در تاریخ ایران و جهان اسلام بود و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی را در پی داشت که منجر به تغییر و تحولاتی در تاریخ کشور ایران و بلاد اسلامی شد. در این درس شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، علل و نتایج تغییر و تحولات دوران مغول – تیموری را شناسایی و تحلیل خواهید کرد.

الف) اوضاع سیاسی

۱. هجوم مغول به ایران

مغول‌ها، دسته‌هایی از قبایل زردپوست بودند که در پی اقدامات سیاسی، نظامی و حقوقی چنگیز (تموچین) متحد و قدرتمند شدند. شرایط نامساعد طبیعی، پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی آنها نبود و در نتیجه برای تأمین معاش خود به جنگ و هجوم به سرزمین‌های دیگر روی آوردند. بیشتر اقوامی که زیر فرمان چنگیز بودند، از نظر فرهنگی و تمدنی، دارای پیشینه مهمی نبودند و به شهر و شهرنشینی نیز توجهی نداشتند. بنابراین، هجوم آنها به سرزمین ایران، فاقد ماهیت فکری و فرهنگی بود و نتایج زیان‌باری در پی داشت. موج اول حمله مغول به ایران که با فرمان چنگیزخان انجام گرفت، شش سال طول کشید (۶۱۶-۶۲۲ق). اختلاف سیاسی و درگیری حکومت خوارزمشاهی با خلافت عباسی، از یک سو موجب تفرقه و تضعیف قدرت جهان اسلام شد و از سوی دیگر سبب گردید که



مسیر حرکت اقوام مغول به ایران و دیگر کشورها

سلطان محمد خوارزمشاه از تهدیدات قدرت نوظهور مغول‌ها غافل بماند. در چنین شرایطی بود که چنگیزخان مغول به بهانه کشتار بازرگانان اعزامی خود در شهر مرزی اترار، فرمان هجوم به ایران را صادر کرد. این هجوم با کشتار جمعیت، ویرانی شهرها، اسارت صنعتگران و هنرمندان، مهاجرت مردم، زوال اقتصاد کشاورزی و تعطیلی مراکز علمی و آموزشی در بخش وسیعی از ایران همراه بود و باعث نابسامانی اوضاع آن مناطق شد. حدود سی سال بعد، موج دیگری از حملات مغول‌ها به فرماندهی هولاکوخان، نوه چنگیزخان صورت گرفت و به تأسیس حکومت ایلخانان انجامید (۶۵۴ق).

در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی آمده است :

« در میان آن کشمکش ها و تلاطم امواج فتن... مراکز علم و ادب، همگی خراب شد و مخازن صنعت و ثروت، مأوای بوم و غراب گشت. علما و فضلا را همه جا جمیعاً مانند گوسفند ذبح کردند، کتابخوان ها و کتابخانه ها را همگی نیست و نابود کردند و از اقل نتایج و آهون آثار استیلای مغول بر ایران آن بود که علم و ادب در آن سرزمین، در عهد ایشان به منتهای درجه انحطاط و تنزلی که ادبیات یک مملکت ممکن است بدان درجه رسد، رسید و کسانی که اندکی به علوم و ادبیات اسلامی آشنا باشند، تفاوت درجه فاحشی را که مابین کتب و تألیفات قبل از استیلای مغول و کتب و آثار بعد از آن نمایان است البته ملاحظه کرده اند.» (تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۵ مقدمه)

مورخان نوشته اند چنگیز کاروانی شامل پانصد بازرگان با کالاهایی گرانبها را به ماوراءالنهر فرستاد. حاکم شهر مرزی اترار به نام غایرخان، اموال آنان را تصاحب کرد و جز یک تن همه آنها را کشت. منابع تاریخی درباره انگیزه وی اتفاق نظر ندارند. بعضی علت این اقدام را جاسوس بودن آنها دانسته اند، برخی علت آن را به جا نیارودن شرط ادب ذکر کرده اند و بعضی هم این اقدام را با اجازه سلطان محمد خوارزمشاه و ناشی از طمع دستیابی به ثروت کاروانیان شمرده اند. به هر حال، این واقعه بهانه ای شد تا چنگیزخان مغول فرمان هجوم به ایران را صادر نماید.

۲ ایران در عهد ایلخانان

ایلخان به معنی «خان تابع» است و حکومت ایلخانی یا ایلخانان به حکومتی گفته می شود که پس از تسلط مغولان بر ایران به دست هولاکوخان نوه چنگیزخان تشکیل شد. او در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن، به منظور نظم بخشیدن به قلمرو مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا، به ایران لشکرکشی کرد (۶۵۰ق). هولاکو، نخست قدرت اسماعیلیان را با گشودن قلعه های مستحکم آنان از بین برد. او سپس با تسخیر بغداد و کشتن خلیفه عباسی، به حکومت خاندان بنی عباس پایان داد (۶۵۶ق). مغولان پس از فتح بغداد، به شام یورش بردند، اما در عین جالوت^۱ از سپاه حکومت مملوکان مصر شکست خوردند و از ادامه پیشروی بازماندند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

یکی از نتایج مهم لشکرکشی هولاکوخان، فتح بغداد و برانداختن خلافت عباسیان بود (۶۵۶ق). به نظر شما این رویداد از نظر سیاسی و مذهبی چه آثار و پیامدهایی برای ایران داشت؟



هولاکوخان و همسرش دو قوزخاتون، صفحه‌ای از کتاب جامع التواریخ

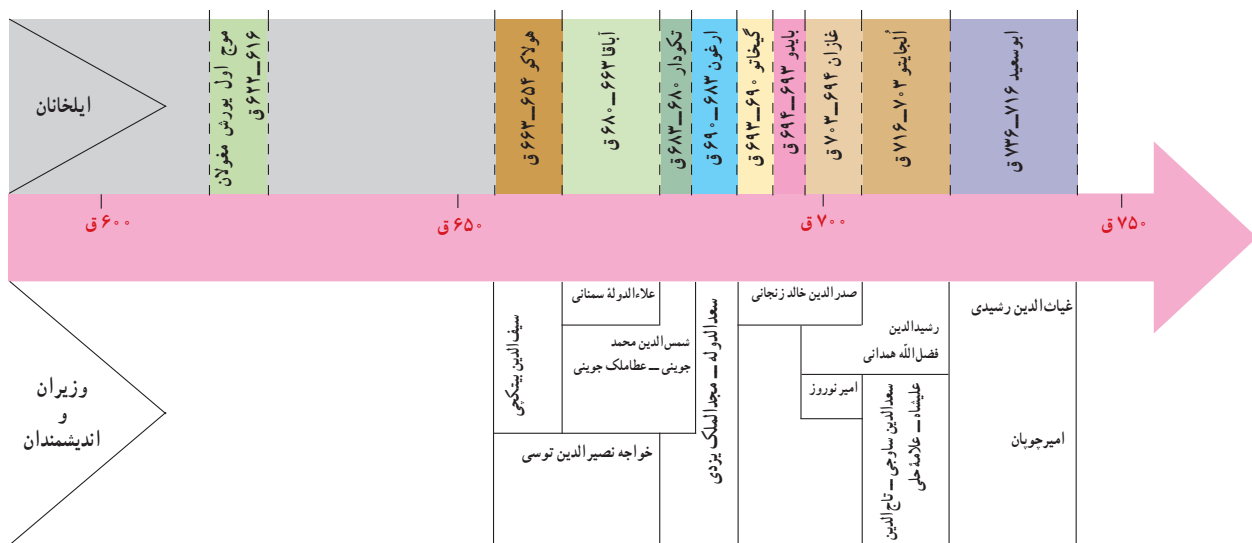
در سراسر دوره حاکمیت ایلخانان (۶۵۴-۷۳۶ق) وضعیت یکسان و یکنواختی وجود نداشت. دوره حاکمیت آنها را می‌توان به دوره نامسلمانی و دوره مسلمانی تقسیم کرد. در دوره نامسلمانی مغول، بزرگان ایرانی برای مهار خشونت و رفتارهای خودسرانه فاتحان بودائی مغول، تلاش‌های بسیاری کردند. دیوان‌سالاران، فلاسفه، شعرا و در رأس آنان کسانی چون خواجه نصیرالدین توسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک جوینی کوشیدند تا مغول‌ها را با فرهنگ ایرانی-اسلامی و آداب کشورداری آشنا کنند و زمینه مسلمان شدن این قوم غالب را فراهم آورند. هنگامی که مغول‌ها زمام امور را در ایران به دست گرفتند، مظاهر تمدنی و فرهنگی ایرانیان مسلمان، توسط وزیران کاردان ایرانی، مجدداً بازآفرینی شد.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان

دوره شاهان مسلمان مغول در ایران از زمان غازان شروع شد. با مسلمان شدن غازان (۶۹۴ق) و بسیاری از شاهزادگان و خوانین، اسلام دین رسمی شد و در پرتوی تلاش تعدادی از وزرا و امیران مسلمان ایرانی و مغول در دربار غازان، اصلاحات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام گرفت. ایران که با سقوط خلافت عباسی و تشکیل حکومت ایلخانی، به لحاظ جغرافیایی و سیاسی، وضعیت منسجم‌تری یافته بود، در عهد سلطنت غازان به استقلال و اقتدار بیشتری رسید.

الجابیتو جانشین غازان و پسرش ابوسعید نیز مسلمان بودند. مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول (۷۳۶ق)، آغازگر چهار دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسبی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بود که تا زمان قدرت‌گیری تیمور ادامه یافت. در این دوره، علاوه بر خان‌زادگانی از خاندان چنگیز و سرداران مغول که بر سر کسب قدرت رقابت و درگیری داشتند، چندین حکومت محلی غیرمغولی نیز در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند. حکومت‌های شیعه مذهب سربداران و سادات مرعشی مازندران و سلسله آل مظفر از جمله آنها بودند.



پیشتر بدانیم

قیام سرداران در سبزوار (بیهق)

در زمان ایلخانان میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی هماهنگی زیادی در جهت مقابله فکری و فرهنگی با مغول وجود داشت. این هماهنگی و وحدت میان مسلمانان، علاوه بر اینکه در اثبات برتری فرهنگ و مدنیت اسلامی مؤثر بود، در تعالی جایگاه مسلمانان در دنیای آن روز تأثیر مناسبی داشت. در این زمان شیعیان تحرک بیشتری داشتند و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی به فعالیت پرداختند. نتیجه این فعالیت‌ها شکل‌گیری نهضت‌ها و حکومت‌های شیعه از قبیل سرداران بود. در اواخر دوره ایلخانان، سرداران مغول در خراسان، ستمگری پیشه کردند. مردم سبزوار که پیرو مذهب شیعه بودند و تحت تأثیر فعالیت و تعالیم برخی مشایخ صوفی مبارز مانند شیخ خلیفه مازندرانی (د ۷۳۶ ق) و شاگردش شیخ حسن جوری (د ۷۴۳ ق) قرار داشتند، آماده مقابله با ظلم و بی‌عدالتی شدند. چون گستاخی و زیاده‌خواهی مأموران حکومت از حد گذشت، ساکنان روستای باشتین به رهبری دو تن از بزرگان آن دیار، با شعار «سر به دار می‌دهیم، تن به ذلت نمی‌دهیم»، قیام کردند و به سرداران معروف شدند. سرداران با شکست سپاه حاکم خراسان، بر سبزوار تسلط یافتند و تأسیس حکومت سرداری را اعلام کردند. آنان سپس با پیروزی بر حکام محلی، قلمرو خود را به نیشابور، بسطام، دامغان و سمنان گسترش دادند. سرداران مدافع و مروّج مذهب شیعه بودند و سرانجام توسط تیمور از بین رفتند.

۳ ایران در عهد تیموریان

تقریباً هم‌زمان با زوال حکومت ایلخانان در ایران، حاکمان مغولی ماوراءالنهر نیز رو به ضعف نهادند و رقابت و درگیری شدیدی میان سران و فرماندهان قبایل برای کسب قدرت به وجود آمد. در این میان، تیمور گورکانی بر رقیبان خود غلبه کرد و حکومت ماوراءالنهر را به دست گرفت (۷۷۱ ق). تیمور سپس طی سه مرحله یورش که همچون هجوم مغول‌ها، با کشتار فراوان همراه بود، سرتاسر ایران را تحت سیطره خود درآورد. پس از مرگ تیمور، شاهرخ، پسر و جانشین او بر سراسر ایران حکومت کرد (حک ۸۰۷-۸۵۰ ق). بعد از مرگ شاهرخ، شاهزادگان تیموری که بر مناطق مختلف حکومت می‌کردند، با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند. در چنین اوضاع و احوالی بود که دو اتحادیه قبایلی متشکل از ترکمانان به نام‌های قراقویونلو^۱ و آق‌قویونلو^۲ به ترتیب با بی‌افکندن حکومت‌هایی، نواحی غربی و مرکزی

۱. به معنای سپاه گوسفندان
۲. به معنای سپیدگوسفندان

ایران را تصرف کردند و حکومت تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد. حکومت نوادگان تیمور بر ایران، در اوایل قرن دهم هجری با به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر به پایان رسید. مدتی بعد بابر، یکی از شاهزادگان تیموری، حکومتی را در هند بنیان گذاشت که به «گورکانیان هند» یا «مغولان کبیر» معروف شد.



قلمرو تیموریان در زمان شاهرخ

ب) نظام اجتماعی و حقوقی

۱ شهر و شهرنشینی

شهر و شهرنشینی در تمدن ایرانی، دارای پیشینه‌ای کهن و جایگاه و اهمیت والایی بود. با هجوم مغول به ایران، زندگی شهری برای مدتی دچار وقفه و افول شد؛ زیرا، از یک طرف در جریان حملات مغول‌ها شهرهای زیادی به ویژه شهرهای بزرگ و آباد در ماوراءالنهر و خراسان ویران شدند و عده زیادی از ساکنان آنها یا کشته شدند و یا به مناطق دیگری مهاجرت کردند. از طرف دیگر، یاسا به عنوان مجموعه قوانینی که چنگیزخان تدوین کرده بود، به مغول‌ها توصیه می‌کرد که از شهر و شهرنشینی دوری گزینند. مغول‌ها حتی پس از تسخیر چین و ایران و تسلط بر شهرهای بزرگ و آباد، همچنان از شهر و شهرنشینی روی گردان بودند. از این رو، سپاهیان و دیگر اعضای قبایل بیابان‌گردی که در زمان هجوم مغول‌ها و پس از آن به ایران آمدند، به اصول و قواعد زندگی یک‌جانشینی پایبند نبودند و شرایط را برای یک‌جانشینان دشوار و غیرقابل تحمل می‌کردند. با این حال، پس از استقرار حکومت ایلخانی و در پی تلاش‌های دیوان‌سالاران و فرهیختگان ایرانی برای مهار رفتار غیرمدنی مغول‌ها، به تدریج شهر و شهرنشینی رونق یافت.

شهر و شهرنشینی در عصر تیموریان برخلاف اوایل دوره مغول، دچار رکود و زوال نشد. تیمور با وجود یورش‌ها و کشتارهای زیادی که انجام داد، به شهرسازی علاقه‌مند بود. او هنرمندان و صنعتگران شهرهایی را که فتح می‌کرد به سمرقند، پایتخت خود می‌فرستاد تا در آبادانی و زیبایی آن شهر بکوشند.

برداشت خود را از این جمله معروف طنزآمیز که «تیمور دنیایی را ویران کرد تا شهری را آباد کند»، بیان نمایید.

جانشینان تیمور، سیاست جنگ و کشورگشایی او را کنار گذاشتند و به عمران و آبادی، علم، فرهنگ و هنر علاقه و توجه زیادی نشان دادند. به همین دلیل در دوره آنان شهر و شهرسازی شکوفا شد و شهرهای هرات، شیراز، مشهد و یزد رشد و رونق چشمگیری یافتند.



مجموعه تاریخی امیرچخماق — یزد

۲ قشرهای اجتماعی

فراوانی برخوردار بودند. اما با مسلمان شدن مغول‌ها، به تدریج، بزرگان ایرانی شامل دیوان‌سالاران، عالمان، اندیشمندان، مشایخ صوفی و فقهای مسلمان تحت حمایت ایلخانان، موقعیت و نفوذ اجتماعی خود را بازیافتند و تلاش کردند که زیاده‌خواهی و خودسری اشرافیت مغول را مهار کنند. بازرگانان و اهل صنعت، حرف و هنر نیز مورد احترام قرار گرفتند و هنر اسلامی دوره ایلخانی و سپس تیموری، مقدمه‌ای بر هنر با نشاط و سبک خاص صفوی شد.

یکی از ویژگی‌های نظام اجتماعی عصر مغول-تیموری، افزایش نفوذ و موقعیت زنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بود و خاتون‌ها در کنار خان‌ها، از جایگاه مهمی در میان گروه‌های فرادست برخوردار شدند. این احتمال وجود دارد که برخی مکاتب عرفان اسلامی در این گرایش تأثیرگذار بوده باشند، چرا که احترام ویژه اسلام مخصوصاً با نگاه عرفانی نسبت به مقام مادری و زنانگی، در میان سایر ادیان بی‌نظیر است.

یکی از ویژگی‌های اجتماعی دوران فرمانروایی مغولان و تیموریان، دگرگونی نسبی در بافت قومی و جمعیتی ایران بود. هجوم مغولان، از نظر اجتماعی و اقتصادی، پیامدهای مختلفی به دنبال داشت و موجب کاهش جمعیت، مهاجرت‌های گسترده، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی و زوال موقعیت اجتماعی ملاکین، عالمان، بازرگانان، دیوان‌سالاران و خاندان‌های بانفوذ شد. علاوه بر آن، با هجوم مغولان، جمعیت قابل توجهی از اقوام مغول و غیرمغول به ایران وارد شدند و بافت قومی و جمعیتی جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار دادند.

قشربندی اجتماعی ایران در عصر مغول - تیموری نیز مانند گذشته بود. صرف نظر از سه‌گونه تقریباً متفاوت جامعه عشیره‌ای، روستایی و شهری که مبتنی بر شیوه معیشت بود، جامعه دوره مغول - تیموری به دو دسته کلی فرادست و فرودست تقسیم می‌شد. در ابتدای دوره مغول، رؤسای قبایل و فرماندهان سپاه، گروه اشراف نظامی را تشکیل می‌دادند و از امتیازات و اختیارات

گوهرشاد خاتون

گوهرشاد بیگم، معروف به گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ تیموری و دختر امیر غیاث‌الدین ترخان، یکی از امرای تیموری بود. گوهرشاد بیگم، زنی نیکوکار، ثروتمند، ادب دوست، خردمند و باسیاست بود. او و همسرش شاهرخ، از طریق حمایت بی‌دریغ از شعرا، نویسندگان، هنرمندان، معماران، دانشمندان و عالمان، نقش مهمی در رونق و شکوفایی زبان و ادب فارسی و هنر و معماری داشتند. از آثار و بناهای خیره‌ای که توسط گوهرشاد آغا ایجاد شد، می‌توان از مسجد گوهرشاد در جوار حرم امام رضا علیه السلام، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات نام برد. پسران او، اُلغ‌بیگ و بایسُنقُر میرزانه تنها حاکمانی سخاوتمند در حمایت از هنرمندان و عالمان بودند، بلکه خود نیز هنرمندانی قابل و دانشمندانی برجسته و کم‌نظیر به‌شمار می‌رفتند.

۲ نظام حقوقی و قضایی

بنیان قوانین جاری در ایران دوران اسلامی، مبتنی بر دو سرچشمه شریعت اسلام و عُرْف بود. محاکم سه گانه شرع، مظالم و حسبیه بر اساس قوانین دینی و عرفی قضاوت می‌کردند. مغول‌ها تا پیش از آنکه مسلمان شوند، بر پایه مجموعه قوانینی موسوم به یاسا عمل می‌کردند و دعاوی حقوقی آنها در دادگاهی موسوم به یَرغو و زیر نظر یَرغوچی حل و فصل می‌شد. پس از مسلمان شدن مغول‌ها، یاسا و سنت‌های مغولی تا حد زیادی از رونق افتاد، اما برخی از این سنن تا زمان تیموریان نیز ادامه داشت و به خصوص در امور سیاسی و لشکری به کار گرفته می‌شد؛ به گونه‌ای که تیمور نیز با وجود مسلمان بودن، به نسب مغولی خود و سنت‌های مغولی افتخار می‌کرد و خود مجموعه قوانینی موسوم به تَروکات را به وجود آورد. با این حال در سراسر عهد تیموریان، قوانین شرعی و عرفی مبنای زندگی اجتماعی و داوری حقوقی ایرانیان بود.

ب) وضعیت اقتصادی

کشاورزی و تجارت

بخش عمده اقتصاد ایران در دوران اسلامی همچون عصر باستان، بر کشاورزی و تجارت استوار بود. هجوم مغولان و سیل بیابان‌گردانی که در زمان این هجوم و پس از آن به سوی ایران سرازیر شدند، آسیب جدی به فعالیت‌های کشاورزی و نظام آبیاری وارد آورد، به گونه‌ای که از تولید محصولات زراعی و درآمدهای حاصل از کشاورزی، بسیار کاسته شد. مناطق ماوراءالنهر و خراسان که در جریان تهاجم مغولان بیشترین خسارت را تحمل کردند، از جمله حاصل‌خیزترین و آبادترین مناطق ایران به‌شمار می‌رفتند. علاوه بر آن، بیگانگی مغولان با قواعد زندگی یک جانشینی و از جمله امور کشاورزی، نیز در بروز این وضعیت، مؤثر بود. پس از آنکه مغولان جذب اسلام و فرهنگ ایرانی شدند و دیوان‌سالاران ایرانی نقش فعالی در اداره امور حکومت به عهده گرفتند، وضعیت کشاورزی و کشاورزان بهبود یافت. بخش عمده‌ای از اصلاحات غازان‌خان، از جمله اصلاح قوانین مالیاتی، بازسازی قنات‌ها و شبکه‌های آبیاری و اصلاح نظام زمین‌داری، به منظور پیشرفت و رونق فعالیت‌های بخش کشاورزی انجام گرفت. برخلاف اقتصاد کشاورزی، اقتصاد شهری و تجاری در عصر مغول و تیموری وضعیت به مراتب بهتری داشت. کشورگشایی‌های چنگیز و تیمور موجب شد که سرزمین‌های وسیعی در قاره پهناور آسیا به لحاظ سیاسی یکپارچه و متحد شوند و زمینه توسعه تجارت بین‌المللی فراهم آید. در سراسر عهد مغول - تیموری کاروان‌های تجاری در مسیرهای زمینی و دریایی در حال تردد بودند. در آن دوره، تجارت در مسیر جاده ابریشم و راه‌های دریایی که از بندر و جزایر ایرانی در خلیج فارس و دریای مکران (عمان) به هند و چین می‌رفت، پررونق بود. در مقایسه با مردم غیرشهری، بازاریان و صنعتگران از زندگی به مراتب بهتری برخوردار بودند.

بررسی شواهد و مدارک

با راهنمایی دبیر متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«و این هرمز که آن را جَرون گویند در میان دریا بندری است که در روی زمین بَدَل ندارد.

تجّار اقالیم سبعه از مصر و شام و روم و آذربایجان و عراق عرب و عجم و ممالک فارس و خراسان و ماوراءالنهر و ترکستان و مملکت دشت قبیحاق^۱ و نواحی قَلماق و تمام بلاد شرق و چین و ماچین و خان بالیق^۲، روی توجه به آن بندر دارند و مردم دریابار از حدود چین و جاوه و بنگاله و سیلان و... جزایر دیوه محل تا دیار بلیبار^۳ و حبش [حبشه] و زنگبار و بندرهای بیجانگر و گلبرگه و گجرات و کنبات^۴ (کنبایت) و سواحل بَرّ عرب تا عدن و جدّه و ینبوع^۵ نفایس و ظرایف، که ماه و آفتاب و فیض سحاب آن را آب و تاب داده و بر روی دریا توان آورد، به آن بلده آرند و مسافران عالم از هر جا آیند و هر چه آرند در برابر هر چه خواهند بی زیادتِ جست و جوی، در آن شهر یابند. هم نقد دهند و هم معاوضه کنند و دیوانیان از همه چیز، غیر از نقود زر و نقره، عُشّرتانند و اصحاب ادیان مختلفه بل کفار در آن شهر بسیارند و بیرون از عدل با هیچ آفریده معامله‌ای ندارند و به این سبب آن بلده را دارالامان گویند» (سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد ۳، صص ۵۱۳-۵۱۴).

۱ متن بالا بیانگر چه اطلاعاتی دربارهٔ وضعیت تجارت خارجی ایران و سُرکای بین‌المللی آن در عصر تیموری است؟

۲ از متن بالا چه برداشتی می‌توان در خصوص شرایط بنادر و حمل و نقل دریایی ایران در دورهٔ تیموری کرد؟

۳ متن بالا دلالت بر آن دارد که تجار ایرانی در زمان تیموریان با چه کشور و سرزمین‌هایی روابط تجاری داشته‌اند؟

(۵ کشور یا سرزمین را نام ببرید).



سکه ایلخان غازان

۱. دشتی در مغرب کشور کنونی قزاقستان

۲. نام قدیمی پکن

۳. احتمالاً مالابار باشد که ناحیه‌ای در جنوب غربی هندوستان است.

۴. از بلاد معروف هند

۵. بندری در ساحل دریای سرخ در حجاز

▶ (ت) دین و اعتقادات در عصر مغول — تیموری (اسلام پذیری مغولان)

بود؛ زیرا در نتیجه هم‌نوایی دین و دولت و برتری شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی، حکومت ایلخانی ماهیت ایرانی — اسلامی یافت و موجب شد که مردم نسبت به آن احساس بیگانگی کمتری بکنند. همچنین با مسلمان شدن مغول‌ها، نفوذ و قدرت ایرانیان در دربار ایلخانان و اداره حکومت بیش از پیش افزایش یافت و زمینه برای بازسازی ایران و انجام اصلاحاتی در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آمد.

در دوره ایلخانان به ویژه به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی و علامه حلّی، تشیع در ایران گسترش یافت. در آن زمان، نفوذ مذهب شیعه به حدی رسید که ایلخان‌الجایتو، جانشین غازان به این مذهب گروید.

تیمور و جانشینان او مسلمان بودند و اصحاب دین را مورد احترام قرار می‌دادند. در عصر تیموری، مدارس، مساجد و خانقاه‌های بسیاری ساخته شد. سلاطین تیموری پیرو مذهب تسنن بودند. در دوران حکومت آنان همچون عصر ایلخانان، شیعیان و صوفیان با محدودیت و سخت‌گیری خاصی مواجه نبودند و آزادانه فعالیت می‌کردند. اتحاد و زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب و فرق اسلامی و معتقدان به دین‌های دیگر، از ویژگی‌های شاخص عصر مغول — تیموری بود.

برخی مغولان در آغاز، پیرو آیینی ساده موسوم به شَمَنی بودند که زیر نظر روحانیانی با عنوان شَمَن اداره می‌شد. پیروان این آیین، مجموعه‌ای از مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند و هرچند به خدای بزرگ اعتقاد داشتند، اما خداپرستی آنان ناقص بود. برخی از مغولان نیز بودائی و اندکی مسیحی بودند.

اقوام مغول در مسائل دینی چندان تعصبی نداشتند و با پیروان دین‌های دیگر با ملایمت برخورد می‌کردند. این مدارای اعتقادی (تسامح و تساهل)، هر چند از روی آگاهی نبود و بیشتر متأثر از شرایط زندگی آنها بود، اما در پذیرش دین‌های مختلف از سوی فرمانروایان و بزرگان مغولی تأثیر بسزایی داشت. تسامح و تساهل دینی مغولان باعث شد که پیروان دین‌های گوناگون در میان آنان به تبلیغ دین خود بپردازند. بزرگان ایرانی، شامل دیوان‌سالاران، عالمان و مشایخ صوفی به خوبی از این موقعیت برای مسلمان کردن ایلخانان و امیران مغول بهره بردند.

در دوران پس از هجوم مغول به ایران، پیروان مذاهب و فرق اسلامی، به خصوص اهل تسنن، شیعیان و صوفیان، اختلاف و رقابت گذشته خود را کنار گذاشتند و متحد و یکدل برای مسلمان شدن مغول‌ها تلاش کردند.

اسلام آوردن مغولان، یکی از رویدادهای مهم دوره ایلخانان

استنباط تاریخی

با راهنمایی دبیر و همفکری، چند دلیل برای اتحاد و یگانگی پیروان مذاهب و فرق اسلامی و زندگی مسالمت‌آمیز آنان در عصر ایلخانان و تیموریان ذکر کنید.

گسترش تصوف

یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی‌ای که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به عرفان و تصوف داشت. از این رو، در عصر ایلخانان و تیموریان طریقت‌های صوفیانه بزرگی همچون صفویه، نعمت‌اللهیه، حروفیه، نوربخشیه، نقش‌بندیه، مشعشعیه...

ثروت هنگفت، کتابخانه‌های بزرگ و هنرمندان نامدار به یکی از کانون‌های بزرگ علمی، فرهنگی و هنری جهان اسلام تبدیل شد. نامورترین نقاش عصر تیموری کمال‌الدین بهزاد بود که آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به شمار می‌آید.



برگی از شاهنامه دموت - بهرام گور در حال شکار، موزه هنر دانشگاه هاروارد



خمسۀ نظامی (ساختن کاخ خورتق) اثر کمال‌الدین بهزاد نقاش مکتب هرات سال ۸۹۹ ق

ظهور کردند و یا فعالیت خود را گسترش بخشیدند. کثرت پیروان و مریدان طریقت‌های صوفیانه، موجب افزایش نفوذ و موقعیت اجتماعی رهبران و مشایخ آن طریقت‌ها شد. فرمانروایان و مقام‌های سیاسی و نظامی نیز مشایخ صوفی را مورد تکریم و احترام قرار می‌دادند. علاوه بر آن، اموال و املاک فراوانی که نذر و وقف خانقاه‌ها شد، تمکن مالی و قدرت اقتصادی مناسبی برای رهبران طریقت‌های صوفی پدید آورد.

احترامی که بزرگان عرفان به حضرات معصومین علیهم‌السلام روا داشتند، از مقدمات قدرت گرفتن صفویه در دوره بعدی بود.

ت) هنر و معماری

قلمرو پهناوری که مغول‌ها در بخش وسیعی از آسیا از چین تا دریای مدیترانه فتح کردند، دارای پیشینه فرهنگی و هنری عظیم و پیشرفته‌ای بود. در نتیجه فتوحات مغول، تجارب و سنت‌های هنری و هنرمندان سرزمین‌های فتح شده با یکدیگر پیوند خوردند و زمینه مناسبی برای شکوفایی هنر در دوران ایلخانان و تیموریان فراهم شد. پیدایش مراکز بزرگ فرهنگی و هنری در شهرهای مختلف، به خصوص مراغه، تبریز، شیراز، یزد، هرات و سمرقند و تأسیس کتابخانه‌های عظیم در این شهرها، تأثیر ژرفی بر رونق فرهنگ و هنر در این دوران نهاد.

۱) نگارگری و خوشنویسی

هنر نگارگری و نقاشی و کتاب‌آرایی در عصر ایلخانی و تیموری رونق و رشد بسزایی داشت. در عصر ایلخانان، هنر نگارگری که تلفیقی از سنت‌های نقاشی ایرانی و چینی بود، بیشتر در کتاب‌آرایی و مصور ساختن کتاب‌های تاریخی و متون ادبی و نیز کتاب‌های پزشکی، جانورشناسی و نجوم جلوه‌گر شد. ایلخانان مغول از مشوقان پدید آوردن شاهنامه‌های مصور به‌شمار می‌روند. نمونه باقی‌مانده آن، شاهنامه بزرگ ایلخانی^۱ است.

هنر نقاشی نیز در این دوره رشد قابل توجهی یافت. همچنین شهر هرات در زمان شاهرخ تیموری و جانشینانش به خاطر داشتن

۱. این شاهنامه، به شاهنامه دموت نیز معروف است. دموت، نام دلال و فروشنده این اثر فاخر هنری در قرن بیستم بود. از شاهنامه معروف به دموت، ۵۸ نگاره باقی مانده که در موزه‌های مختلف جهان پراکنده‌اند.

۲ معماری

هجوم ویرانگر چنگیزخان مغول به ایران که با ویرانی شهرها و نابودی بسیاری از آثار فرهنگی و هنری همراه بود، برای مدتی فعالیت‌های معماری را متوقف و یا کند کرد؛ اما دیری نپایید که جانشینان او تحت تأثیر فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و بارانمایی و تشویق فرهیختگان ایرانی به هنر و معماری تمایل نشان دادند و به بازسازی ویرانی‌ها، برپا ساختن شهرها و پدید آوردن آثار هنری پرداختند. تیمور نیز گرچه در کشتار مردم دست کمی از مغولان نداشت، اما در ویرانگری به پای آنان نمی‌رسید. او با گرد آوردن هنرمندان و معماران بزرگ سرزمین‌های فتح شده در سمرقند، به عمران و آبادانی پایتخت خود همت گماشت. معماری ایرانی در دوره جانشینان تیمور به ویژه در عصر شاهرخ و همسرش گوهرشاد بیگم به عظمت و شکوفایی کم‌نظیری دست یافت. سرشناس‌ترین معماران این دوره، قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی و محمد بن محمود اصفهانی بودند که استادانی بی‌همتا در فنون معماری به شمار می‌روند.

برجسته‌ترین آثار معماری دوران ایلخانان و تیموریان

هولاکو خان	کاخ و معبدی بودایی در خوی؛ رصدخانه مراغه	دوره ایلخانان
غازان خان	شَنب یا شام غازان در تبریز شامل ۱۲ بنای مهم از قبیل مسجد، کاخ، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و جز آن؛ مسجدی بزرگ و گرمابه‌ای وابسته به آن در شهرهای مختلف	
الجایتو	گنبد سلطانیه؛ محراب مسجد جامع اصفهان	
ابوسعید	ارگ علیشاه در تبریز؛ گنبد غفاری در مراغه	
تیمور	مسجد بی‌بی خانم سمرقند	
شاهرخ میرزا	مجموعه تاریخی امیرچخماق یزد شامل بازار، تکیه، مسجد و آب‌انبار؛ سردر و مناره‌های مسجد جامع یزد؛ مدرسه دو در مشهد؛ مدرسه غیاثیه خرگرد خواف	دوره تیموریان
گوهرشاد بیگم	مسجد گوهرشاد مشهد؛ مسجد، مدرسه و خانقاه گوهرشاد در هرات	
سلطان حسین میرزا بایقرا	مدرسه سلطان حسین میرزا بایقرا در هرات	
الغ بیگ میرزا	رصدخانه سمرقند؛ مدرسه الغ بیگ میرزا در بخارا	



بازسازی گرافیکی مجموعه تاریخی شنب غازان - مأخذ: هفت رخ فرخ ایران



سردر و مناره‌های مسجد جامع یزد



محراب مسجد جامع اصفهان

آثار و نتایج هجوم مغولان همچون قتل و مهاجرت اندیشمندان و عالمان، تخریب و تعطیلی مدارس، کتابخانه‌ها و مساجد، برای مدتی سرزمین ما را با رکود علمی و ادبی مواجه کرد. با این حال، به دنبال تشکیل حکومت ایلخانان و گرایش مغولان به اسلام و نیز با افزایش قدرت سیاسی وزیران ایرانی و مسلمان، به تدریج شرایط برای احیای فعالیت‌های علمی و آموزشی در ایران فراهم آمد.

منظومه‌های حماسی تاریخی عصر مغول – تیموری

احمد تبریزی	جنگیزنامه یا شهنشاہنامه
نوری اژدری	غازان‌نامه
حمدالله مستوفی	ظفرنامه
ابن حسام خوسفی	خاوران‌نامه (درباره جنگ‌های علی <small>علیه السلام</small>)

۱ ادبیات و تاریخ‌نگاری

در دوره فرمانروایی ایلخانان، زبان فارسی در قلمرو نظم و نثر رو به رشد گذاشت و به احیا و تقویت هویت ایرانی کمک کرد. در این دوره، شعر حماسی و شاهنامه سرایی متداول بود. در عصر تیموری، شعر و شاعری رواج بیشتری یافت. شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوایی، وزیر شاعر او به زبان و ادب فارسی توجه جدی داشتند و شاعران و ادیبان را همه گونه پشتیبانی و تشویق می‌کردند. در این دوره، شعر و شاعری گسترش فراوانی در میان مردم عادی داشت و بسیاری از شاعران از میان قشرهای مختلف مردم برخاستند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما دلیل توجه به منظومه‌های حماسی تاریخی در دوران ایلخانی و تیموری چه بوده است؟

تاریخ، از جمله علمی بود که در عصر ایلخانان و تا حدودی دوره تیموریان رواج و پیشرفت چشمگیری داشت و کتاب‌های تاریخی به جا مانده از دوران مذکور به زبان فارسی، در زمره بهترین تاریخ‌نگاری‌های جهان اسلام تا آن زمان به حساب می‌آیند. علاقه‌مندی ایلخانان و فرمانروایان تیموری به جاودانه ساختن کشورگشایی و موفقیت‌های سیاسی و نظامی خود و خودآگاهی رجال ایرانی، تأثیر بسزایی بر رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری در آن عصر نهاد.

از آثار تاریخی مهم این روزگار می‌توان تاریخ جهانگشا، نوشته عظاملک جوینی (تألیف: ۶۵۸ق)، جامع‌التواریخ، اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ – ۷۱۷ق)، تاریخ‌گزیده، تألیف حمدالله مستوفی (تألیف: ۷۳۰ق) را نام برد. دیگر آثار تاریخی این دوره را در جدول صفحه بعد مطالعه کنید.

دیگر آثار و نوشته‌های برجسته تاریخی عصر ایلخانان و تیموریان

تاریخ و صَاف	شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی، مشهور به وِصَاف (۶۶۳-۷۲۸ق)
تاریخ بناکتی	فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل بناکتی (د ۷۳۱ق)، مورخ و شاعر
مجمع الانساب	محمدبن علی شبانکاره‌ای؛ وی تألیف این کتاب را که در تاریخ عمومی ایران است در سال ۷۳۳ ق آغاز و در ۷۳۶ ق به پایان رسانید و تقدیم سلطان ابوسعید مغول کرد.
ظفرنامه شامی یا تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی	نظام‌الدین عبدالواسع شامی، از مورخان و شاعران سده‌های هشتم و نهم هجری
ظفرنامه	شرف‌الدین علی یزدی در ۸۳۱ ق نگارش ظفرنامه را که اختصاص به تاریخ زندگانی تیمور دارد، به پایان رسانید.
زبدة التواریخ	شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله خوافی، مشهور به حافظ ابرو (د ۸۳۳ق)، تاریخ‌نگار و جغرافیایوس عصر تیموری
مطلع سعیدین و مجمع بحرین	کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۷۷ق)؛ موضوع کتاب حوادث تاریخ ایران از ۷۰۴ تا ۸۷۳ ق را در برمی‌گیرد.
روضة الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك والخلفاء	محمدبن خاوندشاه، مشهور به میرخواند (۸۳۷-۹۰۳ یا ۹۰۴ق)؛ کتاب روضة الصفا یک نوع تاریخ عمومی و ایران است.



برگی از جامع‌التواریخ، نقلاتی با ابرنگ و آب طلا



برگی از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی

۲ دانش‌های دیگر

برخی علوم مورد نیاز ایلخانان از قبیل ریاضیات، نجوم، پزشکی و علوم دیگری از قبیل فلسفه، عرفان و فقه از رونق خاصی برخوردار بودند و آثار مهمی در این رشته‌ها تدوین شد. نقش خواجه نصیرالدین توسی در این عرصه بسیار مهم بود. وی بسیاری از دانشمندان متواری در برابر هجوم مغولان را به ایران برگرداند و با تجمع ایشان در مرکز علمی رصدخانه مراغه زمینه فعالیت‌های علمی آنها را هموار کرد. در عصر تیموریان نیز علوم مختلف رونق داشتند و به‌ویژه معارف دینی از اقبال بیشتری برخوردار بودند. مراکز علمی و کتابخانه‌های شهرهای هرات و سمرقند در زمان جانشینان تیمور بسیار فعال بودند و طالبان علم را از سراسر ایران و جهان اسلام به خود جذب می‌کردند. وجود شمار قابل توجه دانشمندانی که در رشته‌های مختلف علمی تبحر داشتند، نشانه‌ای از رشد و رونق علوم مختلف در دوره تیموری است.



خواجه نصیرالدین توسی و دانشمندان دیگر هنگام کار در رصدخانه مراغه

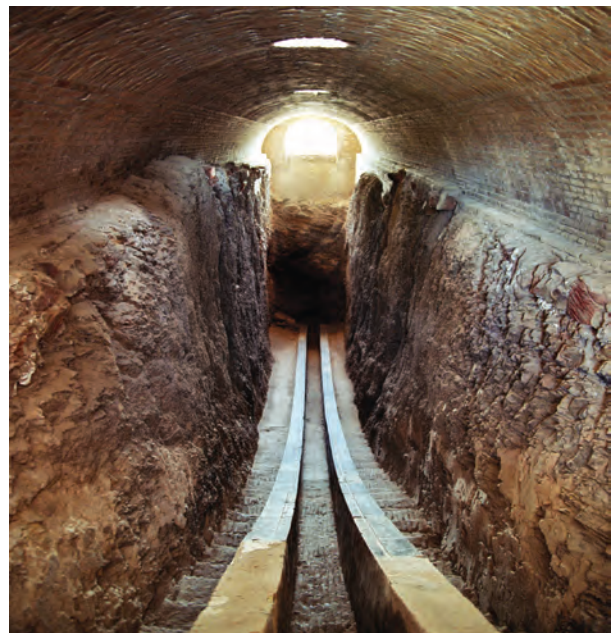
پیشتر بدانیم

غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ریاضی‌دان و منجم بزرگ عصر تیموری

غیاث‌الدین جمشید کاشانی (۷۹۰-۸۳۲ق)، زبردست‌ترین ریاضی‌دان و مدیر رصدخانه سمرقند بود. او کتاب زیج خاقانی را در تکمیل زیج ایلخانی نوشت و ابزاری رصدی به نام «طبّی المناطی» اختراع کرد. وی در دو رساله مهم خود، «محیطیه» و «وتر و جیب»، به ترتیب عدد پی را با دقتی کم‌نظیر و نیز مقدار بسیار دقیقی برای سینوس یک درجه حساب کرد. کسره‌های دهگانی را که نخستین بار اقلیدس به آنها اشاره کرده بود، در قیاس با کسره‌های شصتگانی دوباره رایج کرد. روش‌های محاسباتی وی بسیار پیشرفته‌تر از زمان خودش بود و می‌توان آن را با روشی که مدت‌ها بعد فرانسوا ویت (ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی در قرن ۱۶م) پدید آورد، مقایسه کرد. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، مدخل ایران، ص ۶۶۹).



صفحه آخر رساله محیطیه - کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۲۲۹



رصدخانه الغیگ - سمرقند

- ۱ موج اول حمله مغول به ایران چه پیامدهایی داشت؟
- ۲ مهم‌ترین رسالتی که دیوان‌سالاران و عالمان ایرانی در دوره نامسلمانی مغول‌ها به عهده گرفتند چه بود؟ توضیح دهید.
- ۳ فراز و فرود شهر و شهرنشینی را در دوره ایلخانان بررسی و تحلیل کنید.
- ۴ قشربندی اجتماعی ایران در عصر ایلخانی چه وضعیتی داشت؟
- ۵ وضعیت تجارت ایران در عصر ایلخانان و عوامل مؤثر بر آن را شرح دهید.
- ۶ تسامح و تساهل دینی مغول‌ها چه تأثیری بر اسلام‌پذیری آنها داشت؟
- ۷ علل رشد تصوف را در دوران مغولان و تیموریان شرح دهید.
- ۸ چرا تاریخ‌نگاری به زبان فارسی در عهد ایلخانان رشد کرد؟



تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی

تأسیس حکومت صفوی در تاریخ ایران دوره اسلامی، رویدادی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز محسوب می‌شود. صفویان موفق شدند ایران را از جهات سیاسی، جغرافیایی و اجتماعی، یکپارچه و متحد کنند، مذهب شیعه را رسمیت بخشند و رونق اقتصادی به وجود آورند. در دوره حکومت صفوی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای میان ایران و همسایگان و دولت‌های اروپایی به وجود آمد که آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی داشت. شما در این درس با تکیه بر منابع و مآخذ این دوره، فراز و فرود حکومت صفوی و نیز علل و نتایج تحولات روابط خارجی آن را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

زمینه‌های تشکیل حکومت صفویان

بحث و گفت‌وگو

به نظر شما برای ایجاد یک نظام سیاسی چه علل و عواملی ضروری است؟ با راهنمایی دبیر در این باره بحث و گفت‌وگو کنید و دیدگاه‌های خود را مستدل بیان نمایید.

هجوم مغولان به ایران، علاوه بر آثار و نتایج سیاسی، پیامدهای اجتماعی و مذهبی مختلفی نیز داشت که مهم‌ترین آن گسترش تصوف و تشیع و پیوند روزافزون آنها با یکدیگر بود. در دوران مغولان و تیموریان، فعالیت طریقت‌های صوفیانه در ایران به طور چشمگیری افزایش یافت و گرایش مردم به مشایخ و رهبران طریقت‌های صوفی بیشتر شد. مذهب شیعه نیز که با آغاز ورود اسلام به سرزمین ما راه یافته بود، پس از سقوط خلافت عباسی، به طور محسوسی گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در سده‌های هشتم و نهم هجری، شیعیان در مناطقی از ایران به حکومت رسیدند. یکی از طریقت‌های صوفیانه که در دوره ایلخانان شکل گرفت، طریقت صفوی بود. بنیانگذار و رهبر معنوی این طریقت که صفویان نام خود را از او گرفته‌اند، شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۰ق) بود. طریقت صفوی در زمان جانشینان شیخ صفی در سرتاسر ایران و آسیای صغیر گسترش یافت و مریدان بسیاری را به ویژه از میان قبایل ترک، آذری و فارس جذب کرد.

مشایخ صفوی به واسطه مقام معنوی و نفوذ اجتماعی، مورد احترام و تکریم فرمانروایان بودند. البته در مواردی نیز مورد غضب و حسادت آنان قرار می‌گرفتند.

طریقت صفویان در قرن نهم هجری تحت تأثیر شرایط فکری و فرهنگی جامعه ایران، نخست به مذهب تشیع گرایش یافت و سپس به جنبشی سیاسی و مذهبی تبدیل شد. با اینکه در تصوف عزلت‌جویی و دوری از امور دنیوی ترویج می‌شود، اما رهبران طریقت صفوی به فعالیت‌های سیاسی و نظامی روی آوردند. این فعالیت‌ها، مشایخ طریقت صفوی را درگیر رقابت سیاسی و دشمنی با حاکمان سلسله‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو کرد. در نتیجه این درگیری و رقابت‌ها، اگرچه چندی از رهبران طریقت کشته شدند، اما تجربه مفید و مناسبی برای صفویان در راه کسب قدرت سیاسی به دست آمد.

مشایخ طریقت صفوی از آغاز تا تشکیل حکومت



بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی — اردبیل

۶۵۰ - ۷۳۵ ق	شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۷۰۴ - ۷۹۳ ق	شیخ صدرالدین موسی
د ۸۳۰ ق	خواجه علی
د ۸۵۱ ق	شیخ ابراهیم
د ۸۶۰ یا ۸۶۴ ق	شیخ جنید
د ۸۹۳ ق	شیخ حیدر
۸۹۲ - ۹۳۰ ق	اسماعیل اول

فکر کنیم و پاسخ دهیم

در آستانه تأسیس حکومت صفوی، حکومت مرکزی نیرومندی در ایران وجود نداشت و بر هر قسمت از کشور افراد و خاندان‌های مختلف که رقیب و دشمن یکدیگر بودند، حکومت می‌کردند. به نظر شما این وضعیت سیاسی چه تأثیری بر به قدرت رسیدن صفویان در ایران داشته است؟

تأسیس حکومت صفوی

در آغاز سده دهم هجری اوضاع سیاسی میهن ما دچار آشفتگی و تفرقه زیاد شده بود. سلسله آق‌قویونلو که بر قسمت‌هایی از غرب و جنوب ایران حکومت می‌کرد به نهایت ضعف و انحطاط رسیده بود. در چنین شرایطی اسماعیل پسر شیخ حیدر، با سپاهی متشکل از ایلات و طوایف مختلف قزلباش، آق‌قویونلوها را شکست داد و پس از تصرف تبریز، در آن شهر به عنوان پادشاه ایران تاج‌گذاری کرد (۹۰۷ ق). مهم‌ترین اقدام شاه اسماعیل صفوی، پس از نشستن بر تخت شاهی، رسمی کردن مذهب شیعه دوازده امامی بود. این اقدام دو پیامد مهم داشت: نخست، اینکه بسیاری از شیعیان در خدمت دولت نوپای صفوی قرار گرفتند و در سایه این دولت متشکل، منسجم و متحد شدند. دوم، آنکه این اقدام سبب تمایز آشکار ایران از همسایگان مسلمان خود، به ویژه امپراتوری عثمانی در غرب و ازبکان و گورکانیان هند در شرق، شد.

شاه اسماعیل طی لشکرکشی و جنگ‌های مختلف مدعیان داخلی، به ویژه حکام محلی را از میان برداشت و موجبات وحدت سیاسی و جغرافیایی ایران را فراهم آورد. او سپس به مقابله با دشمنان خارجی شتافت. ابتدا ازبکان را که به خراسان یورش آورده و



شاه اسماعیل اول

مشغول قتل و غارت مردم آنجا بودند، شکست داد و سرکرده آنان، شییک خان، را کشت (۹۱۶ق). به دنبال این پیروزی، بخش وسیعی از سرزمین‌های شرق ایران تا رود جیحون (آمویه) تحت حاکمیت صفویان درآمد.

شاه اسماعیل و سپاهیان در گام بعدی مہتای نبرد با سلطان سلیم، پادشاه عثمانی شدند که با لشکری پرشمار به سوی ایران در حرکت بود. اگرچه سلطان سلیم فعالیت مردان طریقت صفوی را در قلمرو خود بهانه جنین لشکرکشی گسترده‌ای قرار داد، اما علت واقعی آن، نگرانی و ترسی بود که او از ایجاد حکومت قدرتمند صفوی در دل داشت. در جنگ شدیدی که میان دو سپاه در دشت چالدران^۱ در گرفت، سپاهیان شاه اسماعیل، با وجود شجاعت و رشادتی که از خود نشان دادند، در برابر آتش توپخانه و دیگر جنگ‌افزارهای آتشین دشمن کاری از پیش نبردند و شکست خوردند (۹۲۰ق) و تبریز، پایتخت صفویان برای مدتی به اشغال عثمانی‌ها درآمد.

▶ دوران تثبیت (۹۳۰-۹۸۴ق)



شاه تهماسب

پس از مرگ شاه اسماعیل اول، پسرش تهماسب، در ده‌سالگی به تخت شاهی نشست. در سال‌های آغازین پادشاهی او، اوضاع حکومت صفوی بسیار آشفته و نابسامان بود؛ از یک سو، سران ایلات قزلباش به خودسری و نافرمانی پرداختند و با یکدیگر به نزاع برخاستند و از سوی دیگر، ازبکان از شرق و عثمانی‌ها از غرب به مرزهای ایران هجوم آوردند. شاه تهماسب به تدریج زمام امور را به دست گرفت و با گردن نهادن به ولایت و شریعت به سرکشی سران قزلباش پایان داد. او سپس ازبکان را شکست داد و آنان را از خراسان عقب راند. وی همچنین با اتخاذ تدابیر مناسب، تهاجمات پیاپی ارتش عثمانی را به خاک ایران دفع کرد. بدین‌گونه شاه تهماسب در طول دوران ۵۴ ساله پادشاهی خود، با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب داخلی و خارجی، توانست پایه‌های حکومت صفوی را تثبیت و تحکیم نماید. از جمله اقدامات مهم شاه تهماسب، پذیرش حکم حکومتی فقهای شیعه و همراهی با مردم در مسیر حاکمیت خود بود.

بحث و گفت‌وگو

از جمله تدبیرهای شاه تهماسب در برابر حملات سپاه عثمانی به ایران، انتقال پایتخت از تبریز به قزوین و به کار گرفتن سیاست زمین‌سوخته بود. با راهنمایی دبیر، درباره علل اتخاذ این تدبیر و نتایج آن گفت‌وگو نمایید.

۱. دشتی واقع در نزدیکی شهر خوی در استان آذربایجان غربی

عصر اقتدار و شکوفایی (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)

پس از مرگ شاه تهماسب، در دوران کوتاه پادشاهی شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده، دوباره حکومت صفوی دچار هرج و مرج و بی ثباتی سیاسی شد. از این رو، هنگامی که شاهزاده جوانی از خاندان صفوی به نام عباس اول به پادشاهی رسید (۹۹۶ ق)، اوضاع داخلی و خارجی ایران ما به شدت نابسامان بود. از یک سو، سران قزلباش به جان هم افتاده و شاه را بازیچه اهداف و اغراض طایفه و ایل خود قرار داده بودند و از سوی دیگر در غرب، ارتش عثمانی مناطق وسیعی از خاک ایران را اشغال کرده بود و در شرق نیز ولایت خراسان هدف تهاجم و تخریب شدید از بکان قرار داشت.

شاه عباس اول برای نجات کشور از مسائل و مشکلات داخلی و خارجی، اقدام‌ها و اصلاحات زیادی انجام داد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱ ایجاد ثبات سیاسی و برقراری نظم و امنیت در داخل کشور؛ او برای تحقق این هدف امرای سرکش و طغیانگر قزلباش را سرکوب کرد و قدرت سیاسی و نظامی آنان را به طور چشمگیری کاهش داد.



نمونه‌ای از سلاح‌های دوره صفوی

۲ نوسازی تشکیلات و تجهیزات سپاه؛ تا زمان شاه عباس اول، سپاه صفوی متشکل از جنگاوران ایلات مختلف (قزلباشان) بود و سران ایلات به اتکای نیروهای ایل خود هرگاه فرصت می‌یافتند، اقدام به سرکشی و خودسری می‌کردند. شاه عباس اول به منظور تقویت قدرت سیاسی و نظامی دولت مرکزی و کاهش توان سیاسی و نظامی امیران و ایلات قزلباش، اقدام به ایجاد سپاهی دائمی و حرفه‌ای کرد که کاملاً مطیع و وفادار به شخص او بود. بیشتر افراد این سپاه از میان جوانان گرجی، ارمنی و چرکسی تازه مسلمان برگزیده شدند. دسته‌های تفنگچی و توپخانه نیز به سپاه جدید افزوده شد. افرادی از میان جنگاوران این سپاه برکشیده شدند و به فرماندهی کل یا هریک از واحدهای مختلف آن رسیدند. از جمله آنان الله‌وردی خان گرجی بود که به بالاترین مقامات نظامی و سیاسی دست یافت. شاه عباس برای پرداخت حقوق و تأمین تدارکات و تجهیزات سپاه جدید، زمین‌های فراوانی را به املاک خاصه پادشاهی تبدیل کرد.



سکه شاه عباس اول

۳ توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ شاه عباس اول به منظور بهبود وضع مردم و رفاه و آسایش عمومی، اصلاحات زیادی انجام داد. انجام کارهای عمرانی بزرگ مانند ایجاد کارگاه‌های بافندگی، جاده‌سازی و ساخت بناهای مختلف از قبیل پل‌ها، مسجدها، کاروانسراها، مدرسه‌ها، سدها، قنات‌ها و...، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای اروپایی و همسایگان و توسعه تجارت خارجی از جمله این اقدامات بودند.



سنگ قبر منسوب به شاه عباس اول - آرامگاه حبیب بن موسی - کاشان

۴ انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان؛ شاه عباس اول به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و با استفاده از اصول مهندسی و شهرسازی، این شهر را به یکی از زیباترین و آبادترین شهرهای جهان تبدیل کرد. افزون بر این، وی گروهی از آرامنه را در اصفهان مستقر کرد و از دانش‌ها و تجارب فنی، اقتصادی و تجاری آنها به نفع کشور بهره برد.

۵ بیرون راندن نیروهای بیگانه از خاک ایران؛ شاه عباس اول پس از پایان دادن به سرکشی امرای قزلباش و سامان دادن به اوضاع داخلی، آمادهٔ مقابله با دشمنان خارجی شد. او به خوبی تشخیص داده بود که درگیری هم‌زمان با مهاجمان از یک در شرق و ارتش قدرتمند عثمانی در غرب، احتمال موفقیت را کاهش می‌دهد. به همین دلیل با عثمانی صلح کرد و به خراسان لشکر کشید و با وارد آوردن ضربه‌ای سنگین بر ازبکان، آنان را عقب راند. وی، سپس برق‌آسا سپاه صفوی را به آذربایجان برد و با حمله‌ای غافل‌گیرانه، نیروهای عثمانی را شکست داد و مناطق اشغالی شمال غرب ایران را آزاد کرد و علاوه بر آن، عراق و عتبات عالیات را به قلمرو صفوی افزود. یکی دیگر از موفقیت‌های نظامی صفویان در عصر شاه عباس اول، بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس بود. ایران در آن زمان فاقد نیروی دریایی بود، اما سپاه صفوی با کمک کشتی‌های انگلیسی توانست سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس را که بیش از یک قرن در اشغال پرتغالی‌ها بود، آزاد کند.

شاه عباس اول طی ۴۲ سال زمامداری، با اقدامات خردمندانه و بهره‌گیری از مشاوران آگاه، ایران را به یکی از کانون‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی جهان آن روز تبدیل کرد. به همین روی بسیاری از محققان و مورخان عصر شاه عباس را عصر اقتدار و شکوفایی سلسلهٔ صفوی قلمداد کرده‌اند.



قلمرو حکومت صفوی در زمان شاه عباس بزرگ

بعضی از شاهان صفوی، از جمله شاه عباس اول، دستور به زندانی کردن و کشتن برخی از شاهزادگان دادند. الف) به نظر شما زمینه‌ها و دلایل این اقدام‌ها چه بود؟ ب) نتایج و پیامدهای این اقدام‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بحث و استدلال نمایید.

دوران ضعف و انحطاط (۱۰۳۸-۱۱۳۵ق)

شاه صفی، نوه و جانشین شاه عباس اول، از تعادل روحی و سلامت عقل بهره‌کافی نداشت. او دستور به قتل سردار باکفایتی مانند امام‌قلی خان، حاکم فارس داد. در زمان همین شاه بود که قندهار توسط گورکانیان هند از ایران جدا شد. شاه عباس دوم، پسر و جانشین شاه صفی، اگرچه نسبت به پدر شجاعت و لیاقت بیشتری داشت و قندهار را پس گرفت، اما نتوانست روند ضعف و انحطاط حکومت صفویان را متوقف سازد.

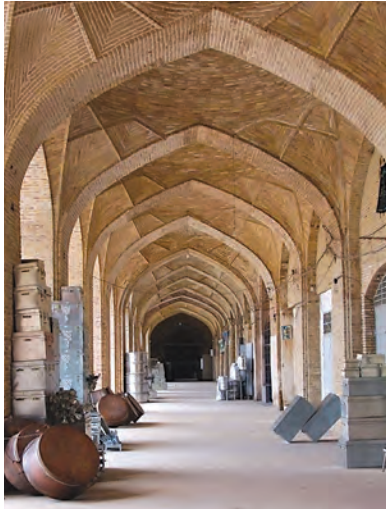
با به تخت نشستن شاه سلیمان، روند انحطاط و زوال صفویان شدت گرفت. این پادشاه با امور و اصول کشورداری بیگانه بود و در زمان او اعضای حرم‌سرا نفوذ زیادی داشتند و در اداره امور حکومت دخالت می‌کردند. در نتیجه نفوذ و دخالت حرم‌سرا بود که شاهزاده بی‌کفایت و بی‌لیاقتی همچون حسین میرزا به عنوان جانشین شاه سلیمان انتخاب شد. در دوران شاه سلطان حسین، حکومت صفوی به نهایت ضعف و انحطاط رسید. او شاهی ضعیف و بی‌اراده بود و نسبت به امور مملکت توجه لازم را نداشت و به شدت تحت نفوذ درباریان و مشاوران خرافه‌پرست و نالایق بود. از این رو، در زمان زمامداری او اختلاف و درگیری میان مقام‌های کشوری (اهل قلم) و لشکری (اهل شمشیر) افزایش یافت و اداره امور حکومت با بی‌نظمی و اخلال مواجه شد. کشاورزی، صنعت و تجارت دچار رکود و سستی شد. تعصبات مذهبی و فشار بر اقلیت‌های دینی افزایش یافت و اسباب نارضایتی گروه‌هایی از مردم ایران را فراهم آورد. در چنین شرایطی بود که طایفه‌ای از افغان‌های شهر قندهار با تحریک انگلیسی‌ها سر به شورش برداشتند. شورشیان با آگاهی از وضعیت آشفته و نابسامان حکومت صفوی به سوی اصفهان حرکت کردند و با تسخیر پایتخت صفویان، به حیات آن حکومت پایان دادند. شورش افغان‌ها و تسخیر اصفهان یک تهاجم خارجی محسوب نمی‌شود؛ زیرا قندهار بخشی از قلمرو صفوی به‌شمار می‌رفت و بعدها از ایران جدا شد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا حکومتی که دو قرن در برابر امپراتوری قدرتمند عثمانی ایستادگی کرد، در سال ۱۱۳۵ق نتوانست در برابر شورش گروهی کوچک از اتباع خود مقاومت کند؟

اوضاع اقتصادی

کشاورزی و دامداری، رکن مهم فعالیت‌های اقتصادی در عصر صفوی بود. ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی، موجب رونق اقتصادی در شهرها و روستاهای ایران شده بود.



بازار گنجعلی‌خان کرمان از بناهای دوره صفوی

دولت برای اداره امور از کشاورزان و دامداران مالیات می‌گرفت. دامداران مبالغی مالیات تحت عنوان چوپان‌بیگی می‌پرداختند. قلب اقتصاد شهری، بازار بود. گروه‌های مختلف اصناف و پیشه‌وران و صنعتگران در بازار فعالیت می‌کردند و کالاهای خود را در معرض فروش می‌گذاشتند و در قبال حفظ امنیت به دولت مالیات می‌پرداختند. بازارهای عصر صفوی از زنده‌ترین و زیباترین بازارهای جهان بود. در هر بازار راسته‌هایی وجود داشت و در هر یک، صنفی فعالیت می‌کرد، مثل راسته زرگرها، تفنگ‌سازها، آهنگران، کلاه‌دوزان و... بازارهای اصفهان و کرمان از جمله شکوهمندترین بازارهای ایران بودند. تجارت خارجی و بین‌المللی در این دوره رشد فراوانی داشت و ایران به یکی از کانون‌های مهم تجارت در آسیا تبدیل شد. مردم در دوره صفوی در معاملات و دادوستدهای خود از سکه‌های گوناگونی استفاده می‌کردند که با توجه به ارزش آنها عبارت بودند از: عباسی، محمودی، شاهی، بیستی و سکه‌های مسی به نام غازیکه.

روابط خارجی

تأسیس حکومت صفوی از منظر روابط خارجی، نقطه عطفی در تاریخ ایران اسلامی به شمار می‌آید، زیرا قبل از آن هرگز ایران شاهد چنین دیپلماسی فعالی در عرصه بین‌الملل نبود. به اجمال و مختصر می‌توان تاریخ روابط خارجی ایران عصر صفوی را در دو بخش مورد بررسی قرار داد.

الف) روابط با همسایگان

هنگامی که حکومت صفوی در ایران روی کار آمد، قدرت امپراتوری عثمانی در حال اوج گرفتن بود. سلاطین عثمانی که خود را خلیفه و فرمانروای تمامی مسلمانان قلمداد می‌کردند، در پی تسلط کامل بر جهان اسلام بودند. همچنین در آن زمان، ارتش عثمانی با سرعت در خاک اروپا پیش می‌رفت. عثمانی‌ها، شکل‌گیری حکومت قدرتمند صفوی در ایران را تهدید و مانع جدی برای توسعه طلبی سیاسی و نظامی خود تلقی کرده و با آن به دشمنی و ستیز برخاستند. چند سال پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول، سلطان سلیم عثمانی با لشکری بزرگ و به قصد نابودی حکومت نوپای صفوی به سوی ایران حرکت کرد. این سپاه علاوه بر قتل عام شیعیان و مریدان طریقت صفوی در آسیای صغیر، در چالدران ایرانیان را شکست داد. دیگر سلاطین عثمانی نیز بارها به ایران لشکرکشی کردند، اما صفویان با درک شرایط، به شیوه‌های مختلف در برابر دشمن ایستادگی کردند. در نتیجه چنین مقاومتی بود که برخی از فرمانروایان عثمانی به ناچار از جنگ با ایران دست برداشتند و عهدنامه‌های صلحی میان دو کشور بسته شد. علاوه بر این توانستند از بکان که از اعقاب پسر چنگیزخان مغول بودند و در تعامل دائم با حکومت عثمانی قرار داشتند را در جنگ مرو شکست دهند و با تیموریان (گورکانیان) هند روابط حسنه‌ای در زمینه‌های فرهنگی، تجاری و... برقرار سازند.

به نظر شما، اگر میان دو کشور همسایه و مسلمان ایران و عثمانی در دوره صفوی، به جای دشمنی و جنگ، صلح و دوستی پایدار برقرار بود، چه تغییری در وضعیت جهان اسلام ایجاد می‌شد؟ بحث و استدلال کنید.

ب) روابط با اروپا

روابط ایران با کشورهای اروپایی در عصر صفوی وارد مرحله تازه‌ای شد و ابعاد وسیعی یافت. دو عامل نقش بسزایی در توسعه روابط صفویان با اروپاییان داشت:

نخست، تهاجم گسترده ارتش عثمانی به خاک اروپا کشورهای اروپایی را تشویق کرد که در پی دوستی و اتحاد با رقیبان و دشمنان عثمانی برآیند. از این رو، دولت‌های اروپایی برای کاستن از حملات عثمانی‌ها به سرزمین‌های خود، تلاش کردند که با دولت صفوی روابط دوستانه برقرار کنند و با آن علیه عثمانی متحد شوند.

دومین عامل در گسترش روابط ایران و اروپا در دوره صفوی، انگیزه و اهداف اقتصادی و تجاری بود. هنگامی که صفویان حکومت خود را تأسیس کردند، اروپاییان به تازگی مسیرهای دریایی جدیدی را برای رسیدن به ایران، هند و کشورهای شرق آسیا کشف کرده بودند. به دنبال اکتشافات جغرافیایی، فعالیت استعماری کشورهای اروپایی آغاز شد.

پرتغالی‌ها، نخستین اروپاییانی بودند که از طریق راه‌های دریایی جدید به اقیانوس هند و خلیج فارس رسیدند. پس از آنها انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و هلندی‌ها نیز از راه رسیدند. شاه عباس اول به انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و هلندی‌ها اجازه داد در خلیج فارس برای خود پایگاه‌های تجاری برپا کنند. وی به انگیزه بهره‌برداری از دانش نظامی و فنی اروپاییان و نیز به منظور توسعه تجارت خارجی، کوشید تا مناسبات دوستانه‌ای را با کشورهای اروپایی برقرار کند. یکی از منابع عمده درآمد خزانه سلطنتی در زمان شاه عباس اول تجارت ابریشم بود که توسط تجار ایرانی ارمنی زیر نظر شاه عباس انجام می‌شد. تجار اروپایی و کمپانی‌های مختلف هند شرقی، مشتری اصلی ابریشم ایران بودند.

اروپاییان در عصر صفوی قادر به تحمیل اهداف خود به این دولت نبودند و صفویان با اقتدار از روابط با اروپا در جهت اهداف خود سود می‌بردند. در اواخر عصر صفوی روابط فرهنگی ایران و اروپا توسعه یافت. وجود تعداد زیاد سیاحان اروپایی و سفرای این کشورها در ایران، خود، نشانی از گستردگی این روابط در عصر صفوی است.

تعلیم و تربیت و مراکز آموزشی

علوم و معارف

از آنجا که در زمان تأسیس حکومت صفوی، تعداد عالمان و مراکز علمی شیعی در ایران کم بود، شاهان صفوی به منظور ترویج معارف شیعه و رفع نیازهای مذهبی و حقوقی جامعه، عده‌ای از علمای شیعه جبل عامل لبنان، عراق، بحرین و علمای ایرانی را که به دلیل فشار حکومت‌های قبلی به عراق و لبنان مهاجرت کرده بودند به ایران دعوت کردند. با ورود این گروه از علما، آموزش علوم دینی، به ویژه معارف شیعی، در ایران گسترش یافت. در این دوره، آموزش ادبیات، حکمت، فلسفه، نجوم، طب، فیزیک، تاریخ و فقه و اصول در مراکز مختلفی صورت می‌گرفت، اگرچه اهتمام به علوم تجربی در مقایسه با دوران طلایی تمدن اسلامی (قرون ۴-۷ هجری قمری) کمتر بود.

برخی از محققان ایرانی و اروپایی، عصر صفوی را دوران افول شعر و ادبیات فارسی دانسته‌اند، اما تحقیقات جدید، قطعیت این نظر را مورد تردید قرار داده است. برخی از شاهان صفوی شاعر و حامیان جدی شعرا بودند. از شاعران شاخص عصر صفوی می‌توان وحشی بافقی (د ۹۹۱ق)، محتشم کاشانی (د ۹۹۶ق) و صائب تبریزی (د ۱۰۸۶ق) را نام برد.

علاقه مندی ایرانیان به شعر و شاعری

آدام اولتاریوس آلمانی، سفیر فریدریک سوم، می‌نویسد: «... ایرانی‌ها علاقه زیادی به شعر دارند و به جرئت می‌توانم بگویم که در دنیا ملتی وجود ندارد که بیش از ایرانی‌ها عاشق شعر و ادبیات باشند. در میان مردم عادی، افراد بسیاری را می‌توان یافت که طبع شعر دارند و درباره هر چیزی شعر می‌گویند... و در مجالس و گذرگاه‌ها برای سرگرمی و تفریح مردم خوانده و از آنها پولی بابت گذران خود می‌گیرند... کسانی که اشعار ادیبانه و فاضلانه می‌گویند معمولاً به دربار و محافل رجال راه دارند» (اولتاریوس، سفرنامه، صص ۶۶۷-۶۶۸).

مراکز علمی و آموزشی



مدرسه چهارباغ - اصفهان

مدرسه: مدرسه در عصر صفوی مرکزی برای آموزش معارف دینی و دیگر علوم بود. مدارس توسط مقام‌های حکومتی، شخصیت‌های مذهبی و برخی از ثروتمندان خیر ساخته و حمایت می‌شد. بیشتر مدارس دارای موقوفاتی بودند که درآمد آن صرف مخارج این گونه مدارس می‌شد. پاره‌ای از وقف‌نامه‌های عصر صفوی نشان می‌دهند که زنان ثروتمند، بخش زیادی از ثروت خود را وقف اداره مدارس اصفهان کرده بودند. از مدارس معروف عصر صفوی در اصفهان می‌توان به مدرسه چهارباغ، مشهور به مدرسه مادرشاه و مدرسه شیخ لطف‌الله اشاره کرد.

بررسی شواهد و مدارک

متن ۱: «ایرانیان دارای فکر و اندیشه، سرعت فهم و ادراک، ظرافت و نیروی تمیز و حسن قضاوت و حزم و احتیاط می‌باشند... من تصور نمی‌کنم که در اروپای ما کشوری پیدا شود که در آنجا علوم بیشتر از ایران مورد تجلیل و تکریم و پژوهش و کاوش قرار گیرند» (شاردن، سفرنامه، ج ۹، صص ۱۴-۱۶).

متن ۲: «از نظر شکوه و جلال و طرز ساختمان، مدارس ایرانی سخت بر مدارس عالیه ما برتری دارند، اما مشکلات مدارس و طرز تعلیم و تعلم این مدارس را با اوضاع و احوال حاکم بر مدارس ما نمی‌توان قیاس کرد» (کمپفر، سفرنامه، ص ۱۳۹).

۱ به نظر شما دیدگاه شاردن از چه جهتی دارای اهمیت است؟

۲ نویسنده در متن دوم به چه جنبه‌ای از مدارس عصر صفوی تأکید می‌کند؟ از نظر شما چه تفاوتی بین مدارس ایران و آلمان با توجه به این متن وجود داشت؟

مکتب‌خانه

مکتب‌خانه از قدیمی‌ترین مراکز آموزش مقدماتی در ایران به شمار می‌رود. در مکتب‌خانه‌ها کودکان آموزش‌های دینی و اخلاقی و ادبی می‌دیدند. معلمان مکتب‌خانه اطلاعات اولیه‌ای در زمینه زبان عربی و قرآن داشتند و به آموزش احکام، روخوانی قرآن، صرف و نحو مقدماتی عربی و برخی از آثار ادبی نظیر گلستان و بوستان سعدی و خمسه نظامی می‌پرداختند.



نگاره مکتب‌خانه

علماء و دانشمندان

در عصر صفوی علاوه بر آنکه صنایعی چون فرش بافی، نساجی، کاشی کاری و هنرهای همچون مینیاتور و معماری تقویت شدند، در علمی چون فقه، کلام و تفسیر نیز، علمای بزرگی پا به عرصه نهادند. دانشمندانی چون محمدتقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق)، فقیه، محدث و مؤلف کتاب‌های مهمی در حدیث و فقه و فرزند دانشمندش محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)، صاحب دائرة المعارف بزرگ حدیثی به نام بحار الانوار، از بزرگان عصر خود محسوب می‌شدند. در حوزه فلسفه و عرفان، میرداماد (۹۶۹-۱۰۴۰ق)، از بنیانگذاران مکتب فلسفی اصفهان، صاحب تألیفات ارزشمند و شهرتی بسیار است. یکی از برجسته‌ترین علمای ایران در عصر صفوی، بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰ق) معروف به شیخ بهایی است که در همه علوم دینی و عقلی و طبیعی عصر صاحب نظر بود. از او تألیفات ارزشمندی به جا مانده است. شاخص‌ترین چهره فلسفی عصر صفوی و دوران بعد تا زمان ما، صدرالدین محمد بن قوام شیرازی (۹۷۹-۱۰۵۰ق)، معروف به صدرالمتألهین و ملاصدرا بود. او که از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد بود در فلسفه، مؤسس مکتب فلسفی «حکمت متعالیه» است. ملاصدرا میراث‌گران قدر چهار جریان فکری بزرگ اسلامی یعنی فلسفه مشاء، اشراق، کلام و عرفان را به هم درآمیخت و نظام فلسفی نوینی به وجود آورد.



دستخط ملاصدرا - نامه او به ملا شمسای گیلانی، کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۲۶۰۲

معماری

عصر صفویان یکی از دوره‌های درخشان معماری ایران است. معماری ایرانی در این دوره، با برخورداری از تجارب معماری فاخر عصر تیموری و نیز در سایه ثبات، امنیت و حمایت پادشاهان به ویژه شاه عباس اول، شکوفا شد. شکوه و عظمت بناهایی که در این عصر در سرتاسر ایران به ویژه در اصفهان و قزوین ساخته شده، اعجاب آور و تحسین برانگیز است؛ مانند مساجد، پل‌ها، کاخ‌ها، باغ‌ها و...^۱ میدان نقش جهان یکی از زیباترین و مهم‌ترین مجموعه‌های تاریخی ایران و جهان و نماد معماری صفوی محسوب می‌شود. این اثر به همت شاه عباس اول ساخته شد و مهم‌ترین ویژگی آن شکوه و عظمت و نیز کاربردهای متنوع بود. از جمله این کاربردها می‌توان به برگزاری جشن‌ها و مسابقات چوگان بازی و تیراندازی، باریابی سفر، سان دیدن از سپاهیان، اجرای نمایش و آتش بازی اشاره کرد. از دیگر ویژگی‌های میدان نقش جهان، ارتباط آن با مراکز پررفت و آمد شهر، یعنی مسجد و بازار بود. کاخ عالی قاپو به عنوان نماد قدرت سیاسی بر این میدان اشراف داشت. میدان نقش جهان متعلق به دولت و مردم بود. به گزارش سیاحان غربی، در شب عید نوروز میدان نقش جهان مملو از مردم و گروه‌های موسیقی و نمایشی می‌شد. مسجد جامع عباسی (مسجد امام) یکی از زیباترین و مهم‌ترین مساجدی است که در عهد شاه عباس، به عنوان بخشی از مجموعه

۱. گرس، سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین، ص ۷۱

میدان نقش جهان طراحی و ساخته شد. هماهنگی در رنگ‌ها و نقش‌های کاشی‌ها و طراحی و معماری بی‌نظیر، این مسجد را به یکی از مجموعه‌های عالی معماری صفوی بدل کرده است. در ضلع دیگر این میدان، مسجد شیخ لطف‌الله طراحی و ساخته شده است. مسجد



کاروان سرای شاه عباسی کرج

شیخ لطف‌الله به لحاظ وسعت و ابعاد، کوچک‌تر از مسجد جامع عباسی است، اما از نظر فن معماری و زیبائشناسی از آثار بی‌نظیر معماری ایران به شمار می‌رود. از ویژگی‌های شاخص هر دو مسجد، کاشی‌کاری هنرمندانه‌ای است که تحسین و شگفتی هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد.

هنر و معماری برجسته صفویه، بر هند و کشورهای دیگر اسلامی، تأثیرگذار بود، مانند بناهایی همچون تاج‌محل در هند و معماری عتبات عالیات در عراق.



بنای زیبای تاج‌محل در هند



مسجد شیخ لطف‌الله، شاهکار هنر کاشی‌کاری ایران



نقاشی یک معمار فرانسوی از میدان نقش جهان در حدود ۱۸۰۰م

نگارگری و خوشنویسی

در دوره صفوی شاهد ظهور برخی مکتب‌های نقاشی و نگارگری و خلق آثار هنری فاخری هستیم که بخشی از آنها امروزه زینت بخش موزه‌های بزرگ جهان است. شاه اسماعیل با فتح هرات، کمال الدین بهزاد، یکی از نوابغ هنر نقاشی دربار تیموری را با خود به تبریز برد و به ریاست کتابخانه دربار تبریز منصوب کرد. در این کتابخانه کارگاهی وجود داشت که کتاب‌های بسیار زیبایی در آن تهیه می‌شد. بهزاد و شاگردانش با خلق آثار بی‌نظیر و ترکیب مکتب هرات با عناصر جدید، مکتب جدیدی به نام مکتب تبریز پایه‌گذاری کردند. یکی از شاهکارهای این عصر، کتابت و تصویرگری شاهنامه بود که در زمان شاه تهماسب به پایان رسید و به شاهنامه تهماسبی معروف شد. در شاهنامه تهماسبی دو بستان و پنجاه نقاشی مینیاتور وجود دارد که توسط هنرمندان برجسته‌ای چون سلطان محمد تبریزی، جلال‌الدین میرک و دیگران به تصویر درآمده‌اند. این اثر همچنین یکی از آثار گران‌قدر در زمینه خوشنویسی نیز محسوب می‌شود که توسط خطاطان هنرمندی به رشته تحریر در آمد.



شاهزاده محمدبیک گرجی، یکی از شاهکارهای نگارگری رضا عباسی

بافندگی

صفویان هنر اصیل فرش بافی ایران را از حالت روستایی و عشایری خارج کردند و به صورت یک صنعت ملی درآوردند. در این دوره کارگاه‌های بزرگ فرش بافی تحت نظارت دولت در سراسر کشور و به ویژه در پایتخت ایجاد شد. از آن دوره قالی‌های زیبا و نفیسی باقی مانده است. فرش اردبیل که به سفارش شاه تهماسب اول برای پیشکش به مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، توسط هنرمندان کاشانی بافته شده است، یکی از شاهکارهای هنری جهان به شمار می‌رود.

برخی از محققان، دوره صفوی را عصر طلایی پارچه بافی در ایران شمرده‌اند. در این دوره پارچه‌های متنوع و گوناگونی مثل ابریشم، مخمل، بافت فلزی (زری بافت)، ترمه و قلمکار در کارگاه‌های کاشان، اصفهان، هرات، مشهد، یزد، کرمان و... بافته می‌شد. هر کدام از این شهرها در تهیه و تولید پارچه‌ای خاص تخصص داشت. اصفهان، یزد و کاشان از مهم‌ترین کانون‌های پارچه‌های زری بافت^۱ بودند و بافندگان کرمان در تولید شمال ترمه مهارت داشتند.



فرش اردبیل - موزه ویکتوریا و آلبرت لندن

۱. به طور کلی به پارچه‌هایی که دارای نخ فلزی یعنی طلا و نقره بودند زری بافت می‌گویند. البته به نوعی نخ ظریف که معمولاً ابریشمی و دارای پوششی از طلا و نقره است، گلابتون نیز گفته می‌شود.



نمونه‌ای از پارچه‌های متعلق به دوره صفویه

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«یادآوری می‌کنیم که سه چیز را در این شهر (کاشان) بهتر از ایتالیا تهیه می‌کنند، یا به هر حال به خوبی آن در ایتالیا ندیده‌ام. یکی از آنها شال است که از پارچه بهن و بلندی بافته شده و مردان آن را تاب می‌دهند و به دور کمر می‌بندند. این پارچه راه‌راه است و احياناً در تار و پود آن طلا به کار رفته و دارای شرابه‌های زیبایی است... شیء دوم پارچه‌ای است به نام میلک که دارای دو رو است و رنگی مخصوص دارد و اشعار ایرانی و نقش زن و مرد در روی آن بافته شده است و واقعاً زیباتر از آن نمی‌توان مجسم کرد. سومین شیء پارچه زربافت... و تفاوتش با پارچه قبلی این است که میلک فقط از ابریشم درست شده، در حالی که در تار و پود این پارچه طلا یا نقره و گاهی هر دو به کار رفته است. این پارچه‌ها در ایران منحصرأ از طرف زنان مصرف می‌شود؛ زیرا لباس مردان فقط از قماش نخی است. این لباس را شاه فعلی ایران (شاه عباس اول) مرسوم کرده و به نظر من علت این است که می‌خواهد ابریشم در مملکت زیاد مصرف نشود و این متاع که پول فراوان عاید خزانه می‌کند، تا حد امکان بیشتر صادر شود» (دلاواله، سفرنامه، صص ۱۱۵-۱۱۶).

۱ با توجه به متن، وضعیت پارچه‌بافی ایران در عصر صفوی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲ سعدی در گلستان می‌گوید که دیبای روم، صاحب شهرتی بود و به شرق صادر می‌شد. به نظر شما، از زمان سعدی در قرن هفتم تا زمان تألیف سفرنامه جهانگرد ایتالیایی در دوره شاه عباس (قرن یازدهم قمری) چه تحولی در پارچه‌بافی ایران قابل مشاهده است؟

عالمان، اندیشمندان و هنرمندان عصر صفویه

نام	رشته علمی و هنری	مکتب	برخی از آثار شاخص
کمال الدین بهزاد	نگارگری (مینیاتور)	هرات - تبریز	«وسوسه یوسف» و «ملاقات شاه و درویش» که اولی در کتابخانه قاهره و دومی در کتابخانه ملی سن پترزبورگ موجود است.
سلطان محمد و فرزندش میرزا علی تبریزی، جلال الدین میرک، سید منصور بدخشانی	مینیاتور	مکتب قزوین	این هنرمندان برای خلق شاهنامه تهماسبی حدود بیست سال زحمت کشیدند.
آقا رضا عباسی	مینیاتور	مکتب اصفهان	«جوانی با ردای آبی» (محل نگهداری موزه هاروارد)، «کتابت» (محل نگهداری موزه لندن) و «درویش و جوان» (در موزه لوور پاریس)
معین مصور	مینیاتور	مکتب اصفهان	«پرتره رضا عباسی» کتابخانه دانشگاه پرینستون، «پیرمرد و جوانان» از مثنوی هفت اورنگ جامی، محفوظ در موزه بریتانیا
میرعماد حسنی قزوینی	خوشنویسی	سبک میرعماد	سیاه مشق نستعلیق
غیاث الدین علی نقشبند یزدی	زری بافی	—	پارچه های زری بافت
مقصود کاشانی	قالی بافی	—	فرش اردبیل (موزه ویکتوریا و آلبرت)
ملاحسن فیض کاشانی	فقه، حدیث، حکمت و عرفان	—	المحجّة البیضاء اصول المعارف الوافی
محمد حسینی نوربخشی	بزشکی	—	خلاصه التجارب
محمد حسین شفاپی	داروسازی	—	تحفة المأمونین
صدرالمتألهین شیرازی	فلسفه	حکمت متعالیه	اسفار اربعه، الشواهد الربوبیه
خواجه دهدار شیرازی	تصوف و عرفان	—	رساله توحید
شیخ بهایی	جامع بسیاری از علوم از جمله ریاضیات	—	خلاصه الحساب، کشکول
عبدالعلی بیرجندی	نجوم و ریاضیات	—	اسطربلاب

پرسش های نمونه

- مهم ترین مسائل و مشکلات نخستین سال های پادشاهی تهماسب و عباس اول را مقایسه کنید.
- روش کشورداری شاه عباس اول را چگونه ارزیابی می کنید؟
- دلایل و نتایج دشمنی و ستیز حکومت عثمانی با دولت صفوی را بررسی و تحلیل نمایید.
- روابط ایران و غرب در عصر صفوی بر چه محورهایی استوار بود؟
- شواهد و مدارک استفاده شده در این درس را نام ببرید و در مورد اهمیت آنها توضیح دهید.
- زمینه های اعتلای فرهنگ و هنر عصر صفوی را ارزیابی کنید.
- با توجه به شواهد و مدارک ارائه شده، وضعیت مدارس عصر صفوی را چگونه ارزیابی می کنید؟
- هنر نگارگری عصر صفوی را چگونه ارزیابی می کنید؟
- وضعیت منسوجات و پارچه بافی ایرانی در عصر صفوی را شرح دهید.
- در تهیه و تدوین این درس از چه منابعی بهره برده شده است؟ فهرست کنید.



ایران و جهان در آستانه دوره معاصر

ایران در فاصله سقوط صفویه تا تأسیس حکومت قاجار (۱۱۳۵- ۱۲۱۰ق) فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. در این دوره، سلسله‌های افشاریه و زندیه مدت کوتاهی حکومت کردند. تا حدودی هم‌زمان با آن، در دیگر کشورها نیز رویدادهای سرنوشت‌سازی به وقوع پیوست که بر تحولات جهان در دوران معاصر تأثیرگذار بود. در این درس علل، آثار و نتایج مهم‌ترین تحولات ایران و جهان در دوره مذکور بررسی و تحلیل می‌شود.

▶▶ ایران از نادرشاه افشار تا آقامحمدخان قاجار

سقوط اصفهان و فروپاشی حکومت صفویان (۱۱۳۵ق/۱۱۰۲ش/۱۷۲۳م) موجب آشفتگی امور و بروز هرج و مرج و آشوب‌های داخلی شد. افغان‌ها به دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری، نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند. روسیه و عثمانی نیز فرصت را مغتنم شمردند و بخش‌هایی از شمال و غرب میهن ما را اشغال کردند. در چنین شرایطی بود که نادر از ایل افشار، پا به عرصه نهاد.

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر دربارهٔ زمینه و علل و عواملی که موجب شد ایلات و عشایر در تاریخ ایران دوران اسلامی، به‌خصوص پس از صفویه، نقش مهمی در تحولات سیاسی و برآمدن و زوال حکومت‌ها داشته باشند، بحث و گفت‌وگو کنید.

▶▶ تأسیس حکومت افشاریه

ایل افشار از ایل‌های قزلباش بود که در به سلطنت رساندن حکومت صفویان نقش داشتند. در عصر صفوی، بخشی از این ایل را برای محافظت از مرزهای خراسان در برابر هجوم ازبکان به نواحی شمال آن دیار کوچاندند.

نادر، سرداری در رکاب شاهزاده صفوی



مجسمه نادرشاه افشار، باغ نادری، مشهد

پس از تسلط افغان‌ها بر اصفهان، یکی از پسران شاه سلطان حسین صفوی به نام تهماسب برای گردآوری نیرو و بازگرداندن حکومت صفویان، از پایتخت گریخت. برخی از سرداران و سران ایل‌ها مانند نادر افشار و فتحعلی خان قاجار (پدر بزرگ آقامحمدخان) به او پیوستند و در نخستین گام، خراسان را تصرف کردند. پس از کشته شدن فتحعلی خان قاجار، نادر که جنگاوری شجاع و متهور بود، ابتکار عمل را به دست گرفت و فرماندهی سپاه تهماسب را عهده‌دار شد. او طی چندین جنگ افغان‌ها را شکست داد. (مسیر لشکرکشی‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی نادر را روی نقشه بررسی کنید.)



نقشه لشکرکشی‌ها و جنگ‌های نادر

نادر سپس مهاباد نبرد با روسیه و عثمانی شد. سپاه تحت فرمان او در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شده ایران را آزاد کرد. روس‌ها نیز با مشاهده توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

پیروزی‌های برق‌آسای نادر در جنگ‌های داخلی و خارجی زمینه‌نشستن او بر تخت شاهی را فراهم آورد. او نخست تهماسب دوم را به بهانه بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱ موروثی شدن سلطنت در خاندان او؛

۲ حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی؛

۳ حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی.

نادر پس از اینکه به سلطنت رسید، برای حل مشکلات سیاسی و مذهبی، به ویژه رفع اختلافات مذهبی با عثمانی، بسیار تلاش کرد. او گاهی با جنگ و زمانی با زبان مصالحه و مذاکره و دادن امتیاز درصدد حل مشکل برآمد. نتیجه این اقدامات به سبب کارشکنی‌های عثمانی و گرفتاری‌های داخلی و خارجی نادر، چندان مطلوب نبود و در عمل، عامل انسجام‌بخش مردم ایران، یعنی مذهب شیعه تضعیف گردید و همین مبارزه با مناسک و اندیشه شیعی، باعث شد که حکومت افشاریان در ایران، دوام زیادی نیابد.

بررسی شواهد و مدارک

نادرشاه از ابتدای حکومت تلاش می‌کرد اختلافات مذهبی میان دو کشور ایران و عثمانی را حل کند. آخرین و مهم‌ترین اقدام او، برپایی شورای نجف در ۱۱۵۵/۱۷۴۳م با شرکت ۷۰ تن از علمای شیعی و سنی ایران و مناطق هم‌جوار بود. در این شورا پس از مباحث گسترده سرانجام بیانیه‌ای تنظیم شد که مواد مهم آن چنین بوده است:

«اولاً آنکه اهل ایران از عقاید سالفه^۱ و سب و رَفْض^۲ نُکُول^۳ و مذهب جعفری را که از مذاهب حقه است قبول نموده و قضات و علما و افندیان^۴ کرام روم اذعان کرده و آن را خامس مذاهب شمارند.

دوم اینکه چون در کعبه معظمه ارکان اربعه مسجدالحرام به ائمه و مذاهب اربعه تعلق دارد، ائمه مذهب جعفری در رکن شافعی با ایشان شریک بوده بعد از ایشان علی حده با امام خود به آیین جعفری نماز گزارند...» (میرزاهدی استرآبادی، جهانگشای نادری، ص ۳۹۱).

متن نقل شده از میرزاهدی استرآبادی را به فارسی روان برگردانید.

درباره متن فوق فکر کنید و به این سوالات پاسخ دهید.

۱ هدف نادر از برپایی شورای نجف چه بود؟

۲ به نظر شما آیا این اقدام نادرشاه در آن زمان درست بوده است؟

۱. عقاید گذشته

۲. لعن و نفرین کردن

۳. روی گرداندن، دست کشیدن

۴. صاحب منصبان عثمانی

نبرد گرنال (۱۱۵۱ق/ ۱۷۳۹م)



الماس دریای نور، موزه جواهرات ملی ایران

یکی از اقدامات نادر، لشکرکشی به هندوستان و جنگ گرنال بود که مورد انتقاد بسیاری از محققان ایرانی است. او به بهانه تعقیب افغان‌ها و اعتراض به اینکه پادشاه گورکانی هند، به آنها پناه داده است، به این کشور لشکرکشی کرد. البته برای این کار انگیزه مالی و اقتصادی نیز داشت؛ چون اداره ارتش بزرگ و پرشمار او بدون منابع مالی کافی ممکن نبود. نادر با پیروزی در جنگ گرنال، دهلی را تصرف کرد و به غنائم گران‌بهای همچون الماس دریای نور، تخت طاووس و گنجینه‌های بزرگ جواهرات و کتب نفیس دست یافت و آنها را به همراه هزاران هنرمند و صنعتگر هندی با خود به ایران آورد، اما این ثروت را خرج مردم و سپاهیان خود نکرد.

نادرشاه افشار سرانجام هنگامی که مشغول سرکوب شورشی در خراسان بود، با توطئه نزدیکان و سردارانش کشته شد (۱۱۶۰ق). او که سرداری بی‌باک و دارای نبوغ نظامی فوق‌العاده بود، در زمانی که آشوب‌های داخلی و هجوم ارتش‌های بیگانه، ایران را به خطر انداخته بود، وارد میدان شد و با طراحی نظامی، توانست بر ایران حاکم شود. با این حال، به عنوان پادشاه توفیق نیافت که زمینه را برای ثبات و امنیت پایدار، انتقال آرام قدرت و تثبیت حکومت افشاریه پس از خود فراهم آورد. از جمله علل و عوامل این ناکامی نادرشاه می‌توان به اشتغال پیوسته او به جنگ، مالیات‌های اضافی که از مردم برای تأمین هزینه‌های جنگ گرفته می‌شد و مهم‌تر از آن بدگمانی وی به نزدیکان و بزرگان کشور و برخورد خشن با آنان در سال‌های پایانی حکومتش اشاره کرد. توجه خاص نادر به تقویت قوای نظامی و غفلت از دیگر عوامل مؤثر بر پایداری حکومت، از علل زوال دوران نادری است.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، نبود وزیران و مشاوران برجسته در کنار نادرشاه چه آثار و پیامدهای سیاسی داشت؟

افشاریان پس از نادر

با مرگ نادر دورانی از رقابت و جنگ برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد. افرادی از خاندان نادر و سرداران و سران برخی ایل‌ها و طایفه‌ها با یکدیگر به ستیز برخاستند که خرابی و کشتار زیادی به بار آورد. به علاوه، افرادی با ادعای انتساب به خاندان صفوی خواهان بازگرداندن حکومت به این خاندان بودند. در چنین شرایطی، دو تن از برادرزادگان نادر (عادل‌شاه و ابراهیم‌شاه) یکی پس از دیگری به عنوان جانشین او برای مدت کوتاهی مدعی حکومت شدند. سپس نوبت به نوه او (شاهرخ) رسید. وی از قلمرو وسیع نادر، به شهر مشهد بسنده کرد و حکومتش تا زمانی که آقا محمدخان قاجار آن را از میان برداشت (۱۲۱۲ق)، ادامه یافت.

به قدرت رسیدن زندیان

پس از کشته شدن نادرشاه، کریم خان زند - رئیس طایفه زند که از طایفه‌های لر بود - برای کسب قدرت، با دو تن از سرداران ایل بختیاری (علی مردان خان و ابوالفتح خان) متحد شد. آنان برخی از مدعیان حکومت از جمله رئیس ایل قاجار (محمدحسن خان) را شکست دادند و مناطق زیادی از ایران را در اختیار گرفتند.



کریم خان در گام بعدی متحدان بختیاری خود را نیز کنار زد و سلسله زندیه را به پایتختی شیراز تأسیس کرد. وی پس از آن و برخلاف نادرشاه با پرهیز از سیاست جنگ و کشورگشایی، موجبات آرامش، آسایش، رونق و رفاه و شکوفایی علمی و فرهنگی نسبی قلمرو خود به ویژه فارس را پس از سال‌ها جنگ و ناامنی فراهم آورد. کریم خان، برخلاف سنت معمول، از پذیرفتن عنوان شاه امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران (وکیل الرعایا)^۱ خواند. بعضی از خصوصیات اخلاقی کریم خان مانند مدارا با دشمنان، همدردی با مردم، ساده‌زیستی و رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی باعث شده است که نام و نشان نیکی از او در تاریخ ایران به جا بماند.

نگاره کریم خان زند هنگام دیدار با فرستاده عثمانی



نقشه ایران در دوران زندیه

۱. کریم خان در آغاز، خود را وکیل‌الدوله خواند که به منزله وکالت از طرف شاهزاده‌ای صفوی بود اما اندکی بعد لقب وکیل‌الرعیایا را که به معنای نماینده مردم ایران بود، برای خود برگزید (سفرنامه نیپور، ص ۲۰۷؛ آصف، رستم‌التواریخ، ص ۲۸۳).

نقشه‌های تاریخی ایران در دوران نادرشاه و عصر زندیه را مقایسه و تفاوت‌های آنان را با ذکر دلیل بیان کنید.

ایران پس از کریم خان

با مرگ کریم خان زند (۱۱۹۳ق/۱۷۷۹م) دوباره آشوب ایران را فراگرفت. جانشینان کریم خان که برای رسیدن به تاج و تخت با هم رقابت می‌کردند و می‌جنگیدند، صفحه خونین دیگری از تاریخ ایران را رقم زدند؛ به گونه‌ای که در کمتر از ۱۵ سال هفت تن از خاندان زند به قدرت رسیدند. نتایج این کشمکش‌ها، فروپاشی سیاسی و اقتصادی و آسیب دیدن توان نظامی و اداری کشور بود. لطفعلی خان، آخرین فرمانروای زند، با وجود شجاعت و لیاقت نتوانست سلسله زند را حفظ کند و به دلیل غرور، اشتباهات نظامی و روی گردانی بزرگانی چون ابراهیم خان کلانتر، از دربارش، از آقامحمدخان قاجار شکست خورد و به اسارت او درآمد. با مرگ لطفعلی خان سلسله زندیه منقرض شد (۱۲۰۹ق/۱۷۹۴م).

لطفعلی خان زند از نگاه مردم

سرهار فورد جوتز انگلیسی که در زمان فتحعلی شاه قاجار سفیر انگلستان در ایران بود، در واپسین روزهای زندگی لطفعلی خان زند به خدمت او رسید تا ترتیب فروش برخی جواهرات سلطنتی را بدهد؛ از جمله دو الماس مشهور دریای نور و تاج ماه را که در اختیار لطفعلی خان بود. توصیف او از لطفعلی خان خواندنی است: «مردم لطفعلی خان را به خاطر صفات شایسته‌اش بسیار دوست داشتند. شهامت، پایداری، شجاعت و کفایتی که او به هنگام بلا و سختی از خود نشان می‌داد، هنوز موضوع ترانه‌هایی است که شاید تا زبان فارسی زنده است، زنده بمانند...» (سرهار فورد جوتز، آخرین روزهای لطفعلی خان زند، ص ۸).

روابط خارجی ایران در دوره افشاریه و زندیه

مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در دوران افشاریه و زندیه به علت درگیری‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی نسبت به عصر صفوی کاهش چشمگیری یافت. مهم‌ترین مسائل خارجی ایران در این دوره، برخوردهای سیاسی - نظامی با همسایگان غربی (عثمانی) و شمالی (روسیه) بود که پیش‌تر درباره آن سخن گفتیم. اختلافات با زمامداران عثمانی با عقد معاهده‌ای میان دو طرف به صلح منجر شد که تا اواخر حکومت کریم خان، که سپاه زندیه بصره را تصرف کرد، دوام آورد.

در دوره افشاریه و زندیه، مناسبات سیاسی و اقتصادی و ارتباطات فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی چندان رونقی نداشت. در این دوره، نمایندگانی از بعضی کشورهای اروپایی به ایران آمدند. نادر برای انگلیسی‌ها معافیت‌های گمرکی در نظر گرفت و درصد درآمد از دانش آنان در زمینه تأسیس نیروی دریایی در دریای مازندران و خلیج فارس استفاده کند. به همین منظور، جان‌التون^۱ انگلیسی را استخدام کرد. در دوره کریم خان زند هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمدند اما چون با او به توافق نرسیدند، گشایشی در روابط صورت نگرفت.

۱. John Elton

نظام اداری و سیاسی

سازمان اداری و دیوانی ایران در عصر افشاریه و زندیه تا حدودی به سبب حاکمیت عناصر ایلی، غلبه تفکر نظامی‌گری، بی‌ثباتی سیاسی و کوتاه بودن دوران استقرار سلسله‌های مذکور، اعتبار و قوت سابق را نداشت. حکومت نادرشاه بر اقتدارگرایی، استبداد مطلق شاه و تمرکز بر امور نظامی و ارتش متکی بود و نهادهای اداری در عصر حکومت او رونق چندانی نداشتند. نادرشاه در امور اداری و اقتصادی، بیشتر از دوستان و نزدیکانش به عنوان مشاور، استفاده می‌کرد و به وزارت و دیوان‌سالاری توجهی نداشت. این بی‌توجهی به نظام اداری تا جایی بود که او شهری را به عنوان پایتخت خود انتخاب نکرد. البته در منابع از مشهد و کلات به عنوان پایتخت او یاد شده است ولی این مراکز بیشتر محل گردآوری خزاین و غنایم نادر بوده‌اند. شیوه اداره ایالات، ولایات، شهرها و روستاها در عصر افشاریه و زندیه همانند دوره صفویه بود و صاحب‌منصبانی با همان عناوین سابق این مراکز را اداره می‌کردند.

اقتصاد، تجارت و کشاورزی

پس از سقوط صفویان، به علت جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و اشغال بخش‌هایی از نواحی غربی و شمالی ایران توسط عثمانی و روسیه، کشاورزی و تجارت ایران دچار ضعف و رکود شدیدی شد. تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه و نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده به کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی انجامید. همچنین، مالیات‌های سنگینی که از مردم برای تأمین هزینه‌های نظامی گرفته می‌شد، نابسامانی‌های اقتصادی را تشدید کرد. در دوره کریم‌خان زند اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند. آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها، دربار کم‌تجمل و تلاش کریم‌خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی این دوره بود.

علم، ادبیات و آموزش

در عصر افشار و زند به سبب آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی، علم و آموزش رونق دوران صفویان را نداشت. در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمیه اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم



مدرسه علمیه خان یزد؛ این مدرسه به همت محمدتقی‌خان، والی خیراندیش یزد در سال ۱۱۸۶ ق بنا شد.

افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند. با این حال در نتیجه آرامش و ثبات نسبی که در زمان کریم‌خان زند به وجود آمد، فعالیت‌های علمی و آموزشی کمی رونق گرفت و مدرسه‌های جدیدی ساخته شد.

شعر و ادب فارسی در دوره زندیه تحول چشمگیری یافت که محققان از آن با عنوان «نهضت بازگشت ادبی» یا «سبک اصفهانی» یاد کرده‌اند. چهره‌های برجسته این سبک ادبی به سبک خراسانی و شیوه شعری چون فرخی، عنصری، سعدی و حافظ شعر می‌سرودند.

آثار و اقدامات علمی	دانشمندان و ادیبان
<p>فقیه و مجتهد بزرگ شیعه و احیاگر مکتب اصولی و صاحب آثار متعددی در فقه و اصول</p> <p>فقیه اصولی و رجال نویس شیعه و صاحب آثاری در فقه و علم رجال</p> <p>فقیه، حکیم و فیلسوف برجسته و صاحب آثاری در تفسیر، حکمت و کلام</p> <p>پزشک کریم خان، عالم به علوم پزشکی، ریاضی، نجوم و حکمت و فنون شعر و موسیقی</p> <p>شاعر بزرگ عهد نادرشاه و از بنیان گذاران نهضت بازگشت ادبی</p> <p>شاعر و تذکره نویس برجسته قرن ۱۲ق و از بنیان گذاران نهضت بازگشت ادبی</p> <p>شاعر نامی ایران در عهد افشاریه و زندیه و از پیشروان نهضت بازگشت ادبی</p>	<p>محمد وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ق)</p> <p>سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۱۵-۱۲۱۲ق)</p> <p>آقامحمد بیدآبادی (د: ۱۱۹۸ق)</p> <p>میرزا محمد نصیر اصفهانی (د: ۱۱۹۱ق)</p> <p>مشتاق اصفهانی (۱۱۰۱-۱۱۷۱ق)</p> <p>لطفعلی خان آذربیکدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ق)</p> <p>هاتف اصفهانی (د: ۱۱۹۸ق)</p>

هنر و معماری



کاخ خورشید، کلات نادری، خراسان رضوی



حمام وکیل، شیراز



نگاره سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹-۱۸۰۷ م) هنگام به حضور پذیرفتن مقام‌های امپراتوری در کاخ توپ‌کابی، استانبول

به علت آشنفنگی سیاسی و اجتماعی کشور پس از صفویان، امکان رشد و ترقی هنر و معماری دور از انتظار بود. با این حال، در زمان حکومت نادر شاه و دوره استقرار کریم خان زند در شیراز اقدامات قابل توجهی صورت گرفت. ورود هنرمندان و صنعتگران هندی پس از فتوحات نادر در هند، موجب تلفیق هنر ایرانی و هندی شد. مدارا و احترام کریم خان نسبت به هنرمندان و علما نیز موجب رونق هنر و معماری در زمان او شد. در دوره نادر شهر اصفهان بازسازی شد و در منطقه کلات که محل نگهداری خزاین نادر بود، بناهای باشکوهی مانند کاخ خورشید ساخته شد.

کریم خان زند علاقه زیادی به ساختن بناهای باشکوه داشت. ساخت مجموعه مسجد و بازار و حمام وکیل، ارگ کریم‌خانی و بازسازی آرامگاه حافظ، سعدی و باغ دلگشا، گوشه‌ای از اقدامات عمرانی او در شیراز است. در دوره زند نوعی از بناها با کاربرد تفریحی گسترش یافت که به کلاه فرنگی معروف بود و آن بنایی کوچک و گاهی تزئینی بود که در وسط باغ‌ها یا تفریحگاه‌ها ساخته می‌شد.

در نقاشی و نگارگری، به ویژه در عصر کریم خان زند، تحولی بزرگ به وجود آمد و نقاشان به تدریج هنر خود را با معیارهای هنری اروپا تطبیق دادند. مکتب نقاشی شیراز که در دوره مغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید و نقاشان برجسته‌ای مانند محمد صادق، اشرف و میرزا بابا آثار زیبایی آفریدند.

الف) حکومت‌های مسلمان در گرداب مشکلات

۲ گورکانیان هند اسیر استعمار غربی؛ حکومت گورکانیان هند یا مغولان کبیر را محمد بابر، نواده تیمور گورکانی، تأسیس کرد (۹۳۲ق/ ۱۵۲۶م). او بر بخش بزرگی از هندوستان حکومت می‌کرد و حکومتش نقش مهمی در گسترش اسلام و زبان فارسی در هندوستان داشت. در قرن ۱۸م، حکومت گورکانی هند همانند امپراتوری عثمانی رو به ضعف نهاد. اختلاف و دشمنی میان هندوها و مسلمانان، سوءمدیریت و ضعف شاهان، دسته‌بندی و توطئه‌های درباریان و ورود استعمارگران به این سرزمین و همچنین ترویج فرهنگ و زبان بیگانه در عین تضعیف زبان بومی از عوامل اصلی ضعف و انحطاط گورکانیان هند بود. پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها نخستین استعمارگرانی بودند که به هند وارد شدند. دولت گورکانی به اروپاییان امتیازات تجاری و گمرکی قابل توجهی داد. در سده ۱۸م، دولت‌های فرانسه، هلند و انگلستان نیز وارد هندوستان شدند و با تأسیس شرکت‌های بزرگ تجاری با نام کمپانی هند شرقی فعالیت‌های استعماری خود را گسترش دادند.



بهادر شاه دوم، آخرین فرمانروای گورکانی هند (۱۸۳۷-۱۸۵۷م) که کمپانی هند شرقی انگلستان او را از قدرت برکنار و به برمه تبعید کرد.

سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی دو سوی عالم وضعیت دوگانه متضادی داشت؛ در جانب شرق سه حکومت مسلمان یعنی ایران، عثمانی و گورکانیان هند دوران ضعف خود را سپری می‌کردند و در جانب غرب، امپراتوری‌ها و دولت‌های روسیه، فرانسه و انگلستان در مسیر قدرت و شکوفایی قرار داشتند. ضعف امپراتوری‌های مسلمان دلایل خاص خود را داشت. علل ضعف دولت‌های اسلامی به‌ویژه ایران، هند و عثمانی، در قرون اخیر، از مهم‌ترین مسائلی است که همچنان بررسی‌ها درباره آن ادامه دارد. در این بررسی‌ها، چگونگی عملکرد و نقش استعمار غربی و همچنین کانون‌های داخلی وابسته به آن در بروز و تشدید عقب‌ماندگی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱ عثمانی، امپراتوری بیمار؛ امپراتوری مسلمان عثمانی در قرن ۱۸م بر بخش‌های وسیعی از شمال آفریقا و آسیای غربی تا اروپای شرقی حکومت می‌کرد. این امپراتوری در مسیر اصلی تجارت زمینی و دریایی بین شرق و غرب قرار داشت و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بود.

ترکان عثمانی تا این زمان با قدرت در عرصه نظامی و سیاسی حکمرانی می‌کردند؛ ولی تقریباً هم‌زمان با روی کار آمدن افشارها مجموعه عوامل مختلف داخلی و همچنین نفوذ و مداخله قدرت‌های استعماری، موجب ضعف و زوال عثمانی شد، چنان‌که اصلاحات دولتمردان عثمانی هم نتوانست از شدت آن بکاهد. در چنین شرایطی کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلستان، روسیه، فرانسه و اتریش به بهانه دفاع از حقوق اقلیت‌ها در امور داخلی عثمانی مداخله می‌کردند، ولی در واقع به دنبال گسترش مستعمرات و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود در این امپراتوری وسیع بودند. در نتیجه این دخالت‌ها، اروپایی‌ها توانستند به تدریج بخش‌هایی از قلمرو عثمانی را تصاحب کنند و بر ضعف آن دولت بیفزایند. با این وجود رقابت بین دولت‌های اروپایی مانع شد که عثمانی به‌طور کامل تحت سلطه یکی از آنان دربیاید و تا پایان جنگ جهانی اول این امپراتوری به حیات خود ادامه داد.

شدند، اما پادشاه انگلستان، به مجلس توجهی نداشت. از این رو، بار دیگر با یکدیگر ستیز کردند تا اینکه مجلس پیروز شد (۱۶۸۸م). این اتفاق در تاریخ انگلستان به انقلاب باشکوه شهرت دارد. یکی از پیامدهای این انقلاب، این بود که منشأ الهی سلطنت نفی و مجلس منشأ قدرت و تعیین کننده اختیارات پادشاه شناخته شد.

انگلستان پس از انقلاب باشکوه، رقبای بزرگی همچون اسپانیا و فرانسه را شکست داد و مستعمرات خود را در گوشه و کنار جهان گسترش داد. این کشور به ویژه در دوران حکومت طولانی ملکه ویکتوریا به قدرت اول جهان تبدیل شد و به بخش‌های بزرگی از آفریقا، آسیا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی دست یافت. انگلیس در این دوره بزرگ‌ترین استعمارگر جهان قلمداد می‌شود.



ملکه ویکتوریا (۱۸۱۹-۱۹۰۱م)

۲ آمریکا در راه استقلال؛ سرزمین آمریکا تا قرن ۱۸ شامل چند ایالت در ساحل اقیانوس اطلس بود که مستعمره انگلستان به شمار می‌رفت. جمعیت این سرزمین شامل مهاجران اروپایی بود که به دلایل مذهبی، سیاسی و اقتصادی به آنجا مهاجرت کرده بودند و در سرزمین‌های سرخ‌پوستان، پس از نسل‌کشی و

استعمارگران اروپایی به تدریج با دامن زدن به اختلافات دینی و قومی در هند، بخش‌هایی از آن سرزمین را تصرف کردند. در همان حال، میان استعمارگران رقابت شدیدی وجود داشت و جنگ‌هایی میان آنان در گرفت که با پیروزی انگلستان به پایان رسید. انگلیسی‌ها با غارت سرزمین ثروتمند هند قدرت خود را در جهان توسعه دادند و برای حفظ سلطه خویش، اقدام به دست‌اندازی بر سرزمین‌های مجاور و مداخله در امور کشورهای همسایه هند از جمله ایران کردند. سرانجام در سال ۱۸۵۷م پس از سرکوب شورش سربازان هندی، دولت انگلستان رسماً هند را جزئی از قلمرو خویش اعلام کرد و ملکه انگلستان به امپراتریس هند و بریتانیا ملقب شد.

ب) اروپا و آمریکا؛ انقلاب و استعمار

کشورهای اروپایی در سده‌های پس از عصر رنسانس شاهد انقلاب‌های سیاسی بزرگی بودند که به تغییرات سیاسی و اجتماعی عمیق و بنیادینی در این کشورها منجر شد. ظهور انقلاب صنعتی نیز تحولات مهمی در پی داشت که شتاب گرفتن و گسترش استعمار^۱ از جمله آنها بود.

۱ انگلستان، انقلابی برای نظام مشروطه؛ در اواخر قرن ۱۷ تحول سیاسی بزرگی در انگلستان رخ داد که بر جهان پس از خود تأثیر چشمگیری گذاشت. اگرچه از قرن ۱۳م در انگلستان مجلس (پارلمان) به وجود آمده بود اما این نهاد قدرت چندانی نداشت. در سال ۱۶۴۶م میان مجلس به رهبری الیور کرامول^۲ و چارلز یکم^۳، پادشاه انگلستان، جنگی در گرفت که به پیروزی مجلس انجامید. کرامول نظام پادشاهی را برانداخت و خود رئیس‌جمهور شد. او سپس به دلایل مذهبی با مجلس درگیر شد و آن را منحل کرد.

پس از مرگ کرامول، مجلس و نظام سلطنت دوباره احیا

۱. انقلاب (Revolution) به معنای دگرگونی سریع و بنیادی همراه با تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و گاه اجتماعی در یک کشور است.

۲. استعمار (Colonization) در لغت به معنی آباد کردن است و در اصطلاح عبارت است از تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشوری قدرتمند بر کشور یا سرزمینی دیگر برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی و گاه استفاده از امکانات نظامی آن کشور یا سرزمین.

۳. Oliver Cromwell

۴. Charles I



نگاره جورج واشینگتن (۱۷۲۲-۱۷۹۹ م)

غارت گسترده آنها ساکن شده بودند. در نتیجه وضع مالیات‌های سنگین توسط دولت انگلیس و تحریکات فرانسویان، مردم این سرزمین به فرماندهی جورج واشینگتن^۱ برای رسیدن به استقلال وارد جنگ با انگلستان شدند. این جنگ سرانجام با پیروزی مستعمره‌نشینان و استقلال آمریکا به پایان رسید و جورج واشینگتن به عنوان نخستین رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شد (۱۷۷۶م).

دولت آمریکا پس از استقلال این کشور با پیشروی به سوی غرب و کشتار وسیع سرخ‌پوستان، که ساکنان اصلی آمریکا بودند، سرزمین‌های وسیعی را تصاحب کرده و به ایالت‌های خود افزود. این دولت همچنین با بهره‌گیری از نیروی کار چند میلیون برده آفریقایی که از وطن خود روده شده بودند، اقتصاد خود را توسعه بخشید و در سده ۱۹م به پیشرفت‌های وسیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت و به رقیبی برای استعمارگران اروپایی تبدیل شد.

بررسی شواهد و مدارک



نگاره تکومسه (Tecumseh)، رهبر جنگجوی قبایل سرخ‌پوست که در برابر پیشروی سربازان آمریکایی مقاومت بسیاری کرد (اوایل قرن ۱۹م).

در ژوئیه ۱۷۷۶م مستعمره‌نشینان که برای کسب استقلال با انگلستان می‌جنگیدند، اعلامیه استقلال ایالت متحده را صادر کردند. در مقدمه این اعلامیه آمده است: «ما این حقایق را بدیهی می‌انگاریم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب‌نشده‌ای معینی به آنها اعطا کرده است که حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی از جمله آنهاست...». با بررسی رفتار غیرانسانی سفیدپوستان آمریکا در قتل چند میلیون سرخ‌پوست، که ساکنان اصلی آن سرزمین بودند و نیز بردگان سیاه‌پوست آفریقایی، میزان پابندی دولت ایالات متحده به اعلامیه استقلال را تجزیه و تحلیل کنید.

۲ فرانسه، انقلابی برای آزادی و برابری؛ کشور فرانسه در قرن ۱۸م به سبب شکست نظامی از انگلستان و صرف منابع مالی هنگفت در سرزمین آمریکا برای عقب‌نماندن در مسابقه استعماری به راه افتاده، با ورشکستگی اقتصادی و ضعف سیاسی و نظامی روبه‌رو شد. از نظر اجتماعی نیز در فرانسه مشکلاتی به وجود آمد. جامعه فرانسه در آن زمان دارای سه طبقه اجتماعی مشخص بود: الف) طبقه ممتاز شامل اشراف و زمین‌داران بزرگ که علاوه بر داشتن امتیازات بسیار، از پرداخت مالیات معاف بودند. ب) طبقه متوسط که اغلب تحصیل کرده بودند و مشاغلی همچون وکالت، نویسندگی، طبابت، روزنامه‌نگاری و تجارت داشتند. آنها

۱. George Washington

از اینکه طبقه ممتاز برایشان امتیازی قائل نبود، به شدت ناراضی بودند.

پ) طبقه فقیر جامعه که در این زمان جمعیت بسیار زیادی بودند و بار اصلی مالیات‌ها و خدمات نظامی بر دوش آنان بود. اینان حکومت لویی شانزدهم، پادشاه فرانسه، و طبقه ممتاز را عامل سیه‌روزی خود می‌دانستند.

در کنار این عوامل، تحولات فکری جامعه فرانسه نیز نقش بزرگی در پیدایش انقلاب داشت. در این کشور تحت تأثیر عصر روشنگری اروپا، فلاسفه و روشنفکرانی ظهور کردند که اندیشه‌های آنان مردم را به سوی انقلاب رهنمون ساخت. گروهی از این روشنفکران، که به اصحاب دایرةالمعارف شهرت داشتند، با طرح مباحث علمی و ادبی شروع به انتقاد از وضع موجود کردند. ولتر^۱، مونتسکیو^۲ و روسو^۳



نگاره ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م)

سه تن از مشهورترین روشنفکران فرانسه در این دوره بودند. ولتر از اطاعت انسان از عقل مادی و مبارزه با خرافات سخن می‌گفت. مونتسکیو از تفکیک قوای سیاسی و حقوق بشر دفاع می‌کرد. روسو نیز بر اهمیت انتخابات تأکید می‌کرد و تشکیل حکومت را حاصل قراردادی اجتماعی می‌دانست. این گونه نظریات دیدگاه مردم فرانسه را تغییر داد. غفلت لویی شانزدهم از احوال مردم از یک سو و تجملات و ولخرجی‌های او و درباریان از سوی دیگر آتش خشم مردم را شعله‌ور ساخت.

نامه‌های ایرانی

بیشتر بدانیم



نگاره مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م)

شارل مونتسکیو از متفکران عصر انقلاب فرانسه است. روح‌القوانین و نامه‌های ایرانی از مهم‌ترین آثار اوست. او در نامه‌های ایرانی، از زبان دو مسافر ثروتمند ایرانی در فرانسه، به شکل غیرمستقیم آموزه‌های کلیسا و اخلاق عمومی فرانسویان را زیر سؤال می‌برد و از استبداد حاکم انتقاد می‌کند. مونتسکیو در مقدمه کتاب به کوه فکری فرانسویان طعنه می‌زند که نمی‌دانند ایران کجاست و همچنین غیر از فرانسوی‌ها، ملت‌های دیگری نیز در جهان وجود دارند.

سرانجام در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ مردم اغلب بینوا و خشمگین پاریس با حمله به زندان باستیل انقلاب خود را آغاز کردند. انقلابیون سرانجام لویی شانزدهم، پادشاه مستبد فرانسه را وادار به امضای قانون اساسی جدید و پذیرش نظام مشروطه سلطنتی کردند. مدتی بعد، انقلابیون تندرو پادشاه را عزل و نظام جمهوری را برقرار نمودند. آنان سپس لویی و همسرش، ماری آنتوانت را اعدام کردند. اعدام این دو و بسیاری از مخالفین با گوتین و همچنین افکار و شعارهای آزادی خواهانه انقلابیون موجب ترس و خشم دولت‌ها در کشورهای اروپایی شد. در نتیجه، آنها با فرانسه وارد جنگ شدند. طی این جنگ‌ها یکی از فرماندهان ارتش فرانسه به نام ناپلئون بناپارت

۱. John Voltaire

۲. Montesquieu

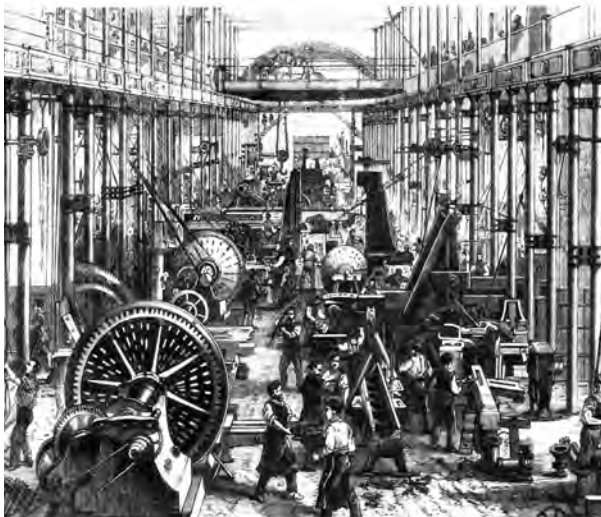
۳. Rousseau



تابلوی نقاشی حمله انقلابیون فرانسه به زندان باستیل، نماد استبداد، پاریس، ۱۷۸۹م



تابلوی آهن و زغال سنگ، اثر ویلیام بل اسکات، نقاش اسکاتلندی، اواسط سده ۱۹م



نگاره یکی از کارخانه های صنعتی بزرگ آلمان، ۱۸۶۸م

با پیروزی های درخشانی که به دست آورد، به شهرت رسید. او با اجرای یک کودتا به قدرت دست یافت (۱۷۹۹م) و سپس به عنوان امپراتور فرانسه انتخاب شد. در دوران حکومت ناپلئون (۱۸۰۴-۱۸۱۴م) تحولات سیاسی و نظامی زیادی در اروپا و ایران صورت گرفت. ناپلئون مانند حاکمان پیشین، در مصر و آفریقا جنایات زیادی کرد.

۴ انقلاب صنعتی، دگرگونی جهان؛ تا اواخر قرن ۱۸م عامل

اصلی تولید نیروی بازوی انسان بود. صنعتگران برای تولید کالای بیشتر، مهارت های فکری، جسمی و هنری خود را به کار می بستند و از دیگر نیروهای طبیعت، مانند آب و باد، کمتر استفاده می کردند. در انقلاب صنعتی نیروی محرکه آب و سپس بخار جایگزین نیروی جسمی انسان شد. این انقلاب با اختراع و تکمیل ماشین بخار در انگلستان آغاز گردید. اگرچه سرازیر شدن ثروت افسانه ای سرزمین های استعمار شده ای مانند هند و آمریکا (قبل از قرن ۱۸) و همچنین نظام گسترده برده داری و تجارت پر سود آن نیز، به شکل گیری انقلاب صنعتی کمک کرد. نخستین تحول صنعتی در نساجی و پارچه بافی صورت گرفت. سپس، این انقلاب در کشاورزی، حمل و نقل و دیگر بخش های تولید نیز رخ داد و در نتیجه آن، تولیدات صنعتی افزایش قابل توجهی یافت.

انقلاب صنعتی موجب تغییر مناسبات انسانی، اجتماعی و اقتصادی در اروپا و جهان شد؛ زیرا در نتیجه صنعتی شدن، کشورهای اروپایی به مواد اولیه، نیروی کار ارزان، بازار فروش محصولات، سرمایه مادی فراوان و حمایت دولت ها نیاز پیدا کردند. به همین سبب، دو پدیده اقتصادی و اجتماعی مهم شکل گرفت:

الف) گسترش استعمار و غارت کشورهای آسیایی و آفریقایی،
 ب) افزایش استثمار و بهره کشی از کارگران (در داخل اروپا).
 انقلاب صنعتی اگرچه موجب قدرت و رفاه بیشتر اروپاییان شد، اما مسائل و مشکلات بزرگی همچون گسترش بی رویه شهرها، رشد سریع جمعیت، به وجود آمدن فاصله طبقاتی، نارضایتی های اجتماعی و اقتصادی و آلودگی های زیست محیطی به وجود آورد.



پتر کبیر، پدر روسیه جدید

۵ روسیه در مسیر توسعه طلبی نظامی؛ روسیه تا پیش از به قدرت رسیدن پتر کبیر (۱۶۸۲-۱۷۲۵م) در رقابت استعمارگری اروپاییان جایگاهی نداشت. اما سیاست و اقدام‌های پتر کبیر، این کشور را متحول کرد و در مسیر توسعه طلبی سیاسی و نظامی قرار داد. او با استخدام کارشناسان اروپایی، تأسیس مدارس و دانشگاه‌های جدید و تقویت ارتش به ویژه نیروی دریایی این کشور را به قدرت بزرگی تبدیل کرد. یکی از برنامه‌های پتر برای قدرتمند شدن روسیه، گسترش سرزمین روسیه و دستیابی به دریاهای آزاد برای کسب منافع تجاری و سیاسی بود. جانشینان او تلاش کردند به این برنامه عمل کنند و به همین سبب در نواحی شرقی اروپا و حوزه دریاهای بالتیک، سیاه و مازندران (خزر) اقدامات نظامی وسیعی انجام دادند. این اقدامات موجب جنگ‌های متعدد روسیه با ایران، عثمانی و برخی کشورهای اروپایی، نظیر فرانسه شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱ وضعیت سیاسی و نظامی ایران در دوران افشاریه و زندیه را با عصر صفویه مقایسه کنید.
- ۲ قضاوت خود را درباره شخصیت نادر و نقش او در تاریخ ایران در پنج سطر بیان کنید.
- ۳ علل، آثار و نتایج ضعف و ناکارآمدی نظام اداری (دیوان‌سالاری) ایران در دوران افشاریه و زندیه را توضیح دهید.
- ۴ به نظر شما، انقلاب باشکوه انگلستان چه تأثیراتی بر اروپای قرن هیجدهم گذاشت؟
- ۵ علل اجتماعی - سیاسی، فکری و فرهنگی انقلاب بزرگ فرانسه چه بود؟
- ۶ انقلاب صنعتی چه آثار و پیامدهایی داشت؟



ایران در عصر قاجار (از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه)

در آغاز قرن ۱۳ق/۱۹م، هم‌زمان با اوج گرفتن رقابت دولت‌های اروپایی برای تسلط سیاسی - اقتصادی بر کشورهای مشرق زمین، حکومت قاجار در ایران تأسیس شد. در این درس شما با استفاده از شواهد و مدارک تاریخی، تحولات سیاسی - نظامی، تشکیلات اداری و حکومتی، روابط خارجی ایران و وجوه زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

تحوالات سیاسی

بک‌توضیح

پیشینه ایل قاجار

ایل قاجار از جمله ایل‌های قزلباش بود که به شاه اسماعیل صفوی در تأسیس حکومت یاری رساندند. شاه عباس اول برای مقابله با حملات ازبکان، ایل قاجار را مانند بسیاری از ایل‌های دیگر به مناطق شمال شرقی ایران کوچاند و در ناحیه استرآباد (دشت گرگان)، اسکان داد. قاجاریان پس از سقوط صفویه، برای مقابله با افغان‌های شورشی به تهماسب دوم صفوی پیوستند. سران ایل قاجار در درگیری‌های داخلی پس از سقوط صفویه، همواره در اندیشه به‌دست گرفتن قدرت، با دیگر مدعیان کشمکش داشتند و دو تن از آنان (فتحعلی‌خان و پسرش محمد حسن‌خان) جان بر سر این هدف گذاشتند.

آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱ق)

آقامحمدخان پسر بزرگ محمدحسن‌خان قاجار بود که پس از کشته شدن پدرش، به عنوان گروگان در شیراز، پایتخت کریم‌خان زند، به‌سر می‌برد و حتی مورد مشورت کریم‌خان قرار می‌گرفت. آقامحمدخان پس از مرگ کریم‌خان فرصت را غنیمت شمرد و از شیراز به استرآباد (گرگان) رفت و با متحد کردن افراد ایل قاجار، آماده رویارویی با زندیان شد. او نخست نواحی شمالی و مرکزی ایران را تصرف کرد و تهران را پایتخت خود قرار داد، سپس با غلبه بر لطفعلی‌خان زند و سرکوب طغیان حاکم گرجستان، در سال ۱۲۱۰ق/۱۷۴۱ش در تهران تاج‌گذاری کرد.



نگاره آقامحمدخان قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ق)

آقامحمدخان پس از تاج‌گذاری به عزم برچیدن بساط حکومت جانشینان نادرشاه و دستیابی به غنایم و گنجینه جواهرات وی، راه خراسان را درپیش گرفت. او سپس به منظور برقرارکردن نظم و امنیت به منطقه قفقاز لشکرکشی کرد و در همین زمان به‌دست چند تن از همراهانش به قتل رسید (۱۲۱۱ق/۱۱۷۵ش).

بی‌تردید، سخت‌کوشی و تلاش‌های بی‌وقفه آقامحمدخان برای ایجاد یکپارچگی سیاسی و بازگرداندن حاکمیت دولت مرکزی به سرتاسر قلمرو ایران درخور ستایش است ولی به سبب بی‌رحمی و کینه‌توزی اش در برخورد با مخالفان و رقیبان، که تا حدودی ریشه در ستم‌هایی داشت که در زمان کودکی و نوجوانی بر او رفته بود، در تاریخ نام او به نکویی برده نمی‌شود.

فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق)

پس از مرگ آقامحمدخان، برادرزاده‌اش باباخان که به فتحعلی‌شاه معروف شد، زمام امور را به‌دست گرفت. سال‌های نخست سلطنت فتحعلی‌شاه به سرکوب شورش‌های داخلی و تحکیم پادشاهی در خاندان قاجار گذشت. در دوران سلطنت نسبتاً طولانی او، حکومت قاجار از یک سو با تهاجم نظامی گسترده روسیه و از سوی دیگر با رقابت دولت‌های انگلستان و فرانسه برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران مواجه بود. فتحعلی‌شاه در حفظ یکپارچگی کشور و سامان دادن به اوضاع داخلی موفق بود اما در مقابله با تهاجم نظامی و نفوذ سیاسی کشورهای اروپایی ناکام ماند.



قلمرو حکومت قاجار در زمان فتحعلی‌شاه



نگاره محمدشاه (۱۲۲۳-۱۲۶۴ق)



نگاره عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق)
اثر میرزا بابا نقاش



نگاره فتحعلی شاه (۱۱۸۶-۱۲۵۰ق)
اثر مهرعلی نقاش

محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)

فتحعلی شاه پسرش، عباس میرزا، را به جانشینی خود برگزیده بود اما به دنبال مرگ زودهنگام این شاهزاده لایق، مقام ولیعهدی به محمد میرزا، فرزند عباس میرزا رسید. محمد میرزا پس از مرگ فتحعلی شاه با تدابیر میرزا ابوالقاسم خان قائم مقام فراهانی و سرکوب چند تن از عموها و برادران خود، که مدعی سلطنت بودند، به تخت پادشاهی نشست. اگرچه تدابیر قائم مقام موجب سر و سامان یافتن امور کشور شد، ایستادگی او در مقابل زیاده خواهی های انگلیسی ها و تلاش برای کاستن از دخالت ناروای محمدشاه و درباریان در امور کشور، اسباب دسیسه گری مخالفانش را فراهم آورد و شاه را نسبت به این وزیر بزرگ بدبین کرد. در نتیجه، قائم مقام پس از هفت ماه از مقام وزارت برکنار و کشته شد و حاجی میرزا آقاسی، مراد و معلم درویش مسلک شاه، به جای او نشست. در دوران صدارت میرزا آقاسی، نفوذ دولت های روسیه و انگلستان در ایران افزایش یافت.

بررسی شواهد و مدارک

فعالیّت ۱

وصف قائم مقام فراهانی را از زبان یکی از شاهزادگان قاجاری بخوانید و به پرسش های مربوط به آن پاسخ دهید.

«از عهد کیومرث که بنای سلطنت در ایران شد، چنان وزیری با تدبیر و دستوری بی نظیر به نظر ارباب بصیرت نرسیده. الحق که از جمیع علوم و کمالات آراسته، در علم عربیت و حکمت الهی استاد و در علوم ریاضی ریاض میدان بلاغت و استحضر... اشعار دری و تازیش دُرّ شاهوار... باری با وجود کثرت مشاغل نهایت غرابت را دارد که شخصی به این قسم بتواند از هر علمی از علوم با بهره باشد... از هنگام حرکت محمدشاه از آذربایجان تا پنج ماه توقف در دارالخلافه طهران، قائم مقام به اقتدار گذرانیده، به طریقی که احدی بدون اذن وی قدرت رفتن خدمت شاه را نداشته و محمدشاه بدون اذن او دیناری به کسی نداده، چنانچه اگر هم مایل به بخشش بود هرآینه موجب ملامت قائم مقام می گردید. در این موارد که گرفت و گیر قائم مقام از حد اعتدال گذشت، جمعی دوستان بدو گفتند که این قدر بر پادشاه تنگ گرفتن و غدغن نمودن که هیچ کس نزد او آمد و رفت نکند و پادشاه معاشرت با احدی ننماید، درست نیست، عاقبت به تو کم مرحمت خواهد شد. در جواب گفته بود که این امور سلطنت را پادشاه درست مطلع نیست؛ چون که اول دولت است، می ترسم غافل شوم و غفلتی به هم رسد و کارهای بخته خام گردد. دلم به جهت زحمت های خودم خواهد سوخت» (سفرنامه رضاقلی میرزا نوه فتحعلی شاه، صص ۳۱-۳۲).

۱ با توجه به اینکه قائم مقام برای به سلطنت رساندن محمد شاه، پدر رضاقلی میرزا را از میان برداشت، آیا نویسنده انصاف را درباره او رعایت کرده است؟

۲ قضاوت و تحلیل شما از اقدام قائم مقام در ممانعت از دخالت ناروای شاه، حرم سرا و درباریان در اداره امور کشور چیست؟

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)

پس از مرگ محمدشاه، ولیعهد او، ناصرالدین میرزا، با درایت میرزاتقی خان فراهانی بر تخت شاهی نشست. ناصرالدین شاه جوان در آغاز سلطنتش، میرزاتقی خان را با لقب امیرکبیر به مقام صدراعظمی برگزید و به او در اداره امور کشور اختیار تام بخشید. امیرکبیر



مسافرت ناصرالدین شاه به انگلستان

که تربیت یافته قائم مقام بود، با استفاده از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، علاوه بر سامان دادن به اوضاع کشور، برنامه منسجمی را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد. امیرکبیر نیز با توطئه و دسیسه مخالفان داخلی و خارجی به سرنوشت قائم مقام دچار شد و اصلاحاتش به نتیجه مطلوب نرسید. ناصرالدین شاه شور و اشتیاق فراوانی به نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی نشان می‌داد. او در دوران پادشاهی خود طی سه مسافرت خارجی، از چندین کشور اروپایی دیدن کرد و تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپاییان قرار گرفت. میرزا حسین خان سپهسالار، یکی از صدراعظم‌های عصر ناصری، نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ^۱ و ترغیب وی به دادن امتیازهای فراوان به انگلیس و روس تزاری داشت. اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید. ناصرالدین شاه اگرچه ضرورت نوگرایی و جبران عقب ماندگی کشور را درک کرده بود، از نتایج سیاسی آن، که کاهش قدرت و اختیارات نامحدود شاه بود، به شدت وحشت داشت. برای مثال، او مدرسه دارالفنون را نماد ترقی قلمداد می‌کرد و علاقه فراوانی به انتشار کتاب و روزنامه داشت اما در عین حال، از نشر اندیشه سیاسی جدید و ترویج افکار مشروطه طلبی و جمهوری خواهی در ایران سخت بیمناک بود. از این رو، اصلاحات عهد او به تغییر اساسی منجر نشد.

ملاقات ناصرالدین شاه با لویی پاستور

«امشب پاستور معروف را که برای آدم سگ هار گرفته معالجه و علاج پیدا کرده است، دیدم، شرح احوال او را در روزنامه‌جات خوانده بودم، حالا هم او را دیدم و با او خیلی صحبت کردم. می‌گفت معالجه این کار را خوب پیدا کرده‌ام... حالا پاستور در اینجا مدرسه دارد و درس می‌گوید و مردم مشغول تحصیل این کار هستند. حقیقت، این پاستور خیلی خدمت به انسانیت کرده است» (روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، ص ۱۹۱).

ترتیب

۱. واژه فرنگ فارسی شده کلمه فرانک (Frank) یا فرانسه (France) است. اما فارسی زبانان این واژه را در مفهوم وسیع‌تری به معنای کل اروپا و جهان مسیحیت یا همه جهان غرب به کار برده‌اند.

با راهنمایی دبیر، بخشی از سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه به فرنگستان را انتخاب و گزارشی از خاطرات و بازدیدهای او در یک صفحه تهیه کنید.



میرزا رضا کرمانی (۱۲۲۶-۱۲۷۵ ش)

در زمان ناصرالدین‌شاه نیز دولت‌های روسیه و انگلستان نفوذ سیاسی خود را در ایران افزایش دادند و برای کسب امتیازات اقتصادی در کشور ما به رقابت برخاستند. ناصرالدین‌شاه در واپسین سال‌های حکومت، بیشتر وقتش را به سرودن شعر، نقاشی و شکار می‌گذراند. سرانجام، در آستانه پنجاهمین سالگرد سلطنتش، میرزا رضا کرمانی که از هواداران ستم‌کشیده سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود، او را به قتل رساند.

نظام سیاسی و اداری

مقام و جایگاه شاه

نظام حکومتی ایران تا پیش از انقلاب مشروطه، پادشاهی مطلقه و استبدادی بود. در چنین نظامی، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و از اختیارات نامحدود برخوردار بود؛ عزل و نصب مقام‌های حکومتی و اعلام جنگ و صلح از جمله اختیارات اساسی او به شمار می‌رفت.



مهد علیا (۱۲۲۰-۱۲۹۰ق)، مادر ناصرالدین‌شاه، از زنان بانفوذ دربار قاجار

شاهان قاجار خود را مالک جان و مال ایرانیان می‌شمردند و انتظار داشتند که همگان، از صدراعظم تا مردم عادی، فرمانشان را بی‌چون و چرا اطاعت کنند. با این حال، آنان در عمل نمی‌توانستند به‌طور کامل و همیشه قدرت استبدادی و اختیارات نامحدود خود را به کار ببندند؛ زیرا از یک سو فاقد ابزارهای لازم، مانند نظام اداری کارآمد و ارتش ثابت و حرفه‌ای، برای اعمال قدرت مطلقه بودند و از سوی دیگر، نفوذ اجتماعی و دینی روحانیت و مراجع شیعه، قدرت سیاسی و نظامی ایلات و نفوذ و دخالت قدرت‌های استعمارگر دامنه قدرت و اختیار شاهان را تا حدودی محدود می‌کرد.

شاهان قاجار همچنین حرم‌سرای بزرگی داشتند. زنان حرم‌سرا به همراه ندیمه‌ها و خدمتکاران نفوذ زیادی در دربار و بیرون از آن داشتند.

صدر اعظم

بعد از شاه، وزیر اعظم یا صدراعظم قرار داشت. صدر اعظم بر پایه اختیاراتی که شاه به او می‌داد، می‌توانست در تمام امور کشور اظهار نظر و مداخله کند، به حضور شاه برسد و برای وی نامه بنویسد. این صاحب‌منصب عالی‌رتبه همچنین امکان این را داشت که از موقعیت خود برای اصلاح امور کشور، رونق کسب و کار و رفاه مردم بهره‌برد. در عصر قاجار نیز همچون دوران پیش از آن، وزیران و صدراعظم‌ها امنیت جانی و مالی کافی نداشتند و شمار قابل توجهی از آنان با دسیسه درباریان و بدگمانی و خشم شاهان، جان و دارایی خود را از دست دادند.



مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۲۲۸-۱۲۹۷ ش)، پسر ناصرالدین‌شاه ۳۴ سال متوالی حاکم اصفهان و حدود ۴۵ سال متناوب حاکم مازندران، اصفهان و فارس بود.

حکومت ایالات و ولایات

والیان و حاکمان ایالات و ولایات، شهرها و روستاها عمدتاً از میان خاندان‌های زمین‌دار، اعیان یا بزرگان محلی، سران ایلات و عشایر و شاهزادگان قاجاری برگزیده می‌شدند. حاکمان ایالات و ولایات تا حدودی خودمختار بودند و بخش اعظم درآمد منطقه تحت فرمان خویش را برای خود نگه می‌داشتند. شاهان قاجار از طریق برقراری پیوند ازدواج با خاندان‌های زمین‌دار، بزرگان محلی و مقام‌های بلند پایه حکومتی به دنبال گسترش نفوذ و استحکام سلطنت خود بودند. اداره ایالت آذربایجان با مرکزیت شهر تبریز، همواره به عهده ولیعهد بود. والیان و حکام نیز، همچون پادشاه، با زیردستان خود رفتاری مستبدانه داشتند.

تشکیلات اداری

نظام اداری ایران در اوایل عصر قاجار بسیار کوچک بود و به چهار اداره یا وزارت خانه قدیمی مالیه، جنگ، عدلیه و امور خارجه محدود می‌شد. در دوران ناصرالدین‌شاه و تحت تأثیر مواجهه ایران با تمدن غربی، وزارت خانه‌های دیگری^۱ به تشکیلات اداری افزوده شد. در آن زمان، وزارت خانه‌ها اغلب مکان و تجهیزات، کارکنان حقوق‌بگیر، دوایر محلی و حتی بایگانی منظم نداشتند و دامنه فعالیت‌شان به ندرت از پایتخت فراتر می‌رفت. اداره این وزارت خانه‌ها اغلب به شکل موروثی در اختیار خانواده‌های سرشناسی بود که با یکدیگر رقابت داشتند و گاه سمت‌های اداری را میان خود خرید و فروش می‌کردند. پرسابقه‌ترین و گسترده‌ترین آنها، وزارت مالیه به ریاست مستوفی الممالک بود و مستوفیانی که نسل اندر نسل به شغل مستوفیگری اشتغال داشتند آن را اداره می‌کردند. مستوفیان مسئولیت محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را برعهده داشتند.^۲

بررسی شواهد و مدارک

توضیح مورگان شوستر آمریکایی^۳ درباره نحوه عملکرد مستوفیان را بخوانید و اشکالات نظام مالیاتی را از آن استنباط و استخراج کنید.

«از نسل‌ها و ازمنه سالفه^۴ مردمانی در ایران می‌باشند که آنها را مستوفی می‌خوانند. پیشه و شغل اکثر آنها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است. آنها از وضع این کتابچه‌ها [کتابچه‌های میزان مالیات هر منطقه] مسبوق و از طریقه پیچیده و درهمی که مالیات هر محل به وسیله آن حساب یا وصول می‌شود، مطلع بودند. هر یکی از پیشکاران یا مأمورین جزء، کتابچه‌های مالیاتی نقاط ابواب جمعی خودشان را ملک طلق^۵ خود می‌دانست، نه متعلق به دولت، اگر کسی می‌خواست از تفصیل آن کتابچه‌ها مسبوق شود، یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده و چقدر آن را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده‌اند، مستوفیان مزبور متغیر و غضبناک می‌شدند» (شوستر، اختناق ایران، ص ۳۱۴).

۱. داخله، تجارت، معارف و فواید عامه و پست و تلگراف

۲. آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، صص ۲۸-۳۲؛ فوران، مقاومت شکننده...، صص ۲۱۴ و ۲۱۵

۳. شوستر در سال ۱۲۹۰ش به خواست دولت ایران برای ساماندهی وزارت مالیه استخدام شد و برای مدت کوتاهی در ایران خدمت کرد.

۴. گذشته

۵. ملکی که شش دانگ آن متعلق به یک شخص باشد.

سازمان قضایی عصر قاجار از دو گونه محاکم تشکیل شده بود :

- ۱ محاکم عُرف که به تخلفات و جرایم سیاسی و امنیتی مانند شورش، سرقت، نزاع و عدم پرداخت مالیات رسیدگی می‌کردند. این محاکم را قضات و مأمورانی اداره می‌کردند که از مقام‌های حکومتی فرمان می‌بردند و حقوق می‌گرفتند.
- ۲ محاکم شرع که دعاوی مدنی مانند دعوای خانوادگی، ملکی و ارث را حل و فصل می‌کردند. در این محاکم، روحانیان قضاوت می‌کردند و هزینه‌های رسیدگی برعهده طرفین دعوا بود.

ارتش و تشکیلات نظامی

آقا محمدخان قاجار با استفاده از جنگاوران ایل خود و دیگر ایل‌های متحد آن، قدرت را به دست گرفت. این ارتش مجهز به تیر و کمان، گرز، شمشیر و تفنگ‌های فتیله‌ای بود و به ندرت از توپخانه استفاده می‌کرد. ارتش ایلیاتی قاجار در جنگ با ارتش‌های اروپایی و به خصوص ارتش روسیه، که حرفه‌ای، آموزش دیده و مجهز به سلاح‌های آتشین جدید بود، ناکارآمدی خود را نشان داد. از این رو، عباس میرزا فرمانده جنگ‌های ایران و روس، درصدد برآمد با استفاده از دانش و تجارب کارشناسان نظامی فرانسه و انگلستان، ارتش



رژه نیروهای قزاق



رژه واحدهای نظامی در میدان مشق، تهران

ایران را تجدید سازمان و مجهز به سلاح‌های مدرن کند، اما تلاش‌های او به دلیل پیمان‌شکنی دولت فرانسه، بدعهدی دولت انگلیس و موانع و مشکلات داخلی بی‌نتیجه ماند. در اوایل عصر ناصری، امیرکبیر، صدراعظم باکفایت ایران، با جدیت تمام برای تشکیل ارتش حرفه‌ای و دائم اقداماتی انجام داد. یکی از مقاصد او از تأسیس مدرسه دارالفنون، آموختن دانش نظامی جدید و اشاعه آن و نیز تقویت توان جنگی و دفاعی کشور بود. پس از امیرکبیر، این اقدام نوگرایانه او همچون سایر اقداماتش به فراموشی سپرده شد، تا اینکه ناصرالدین‌شاه امتیاز تأسیس یک واحد نظامی حرفه‌ای با عنوان بریگاد قزاق را به روسیه واگذار کرد. نیروی قزاق تشکیلات نظامی منسجم و منظمی بود که تا اواخر حکومت قاجار تحت فرماندهی افسران روسی فعالیت می‌کرد. نفرات این نیرو در اوج گسترش کمتر از ۱۰ هزار نفر بود و بیشتر به عنوان نیروی نگهبان شخص شاه و خاندان سلطنت و دفع‌کننده شورش‌ها و اعتراض‌های داخلی عمل می‌کرد و در حفظ مرزها و مقابله با هجوم خارجی کارایی چندانی نداشت.

بحث و گفت‌وگو

با توجه به این سخن ناصرالدین‌شاه که «... نه قشونی داریم و نه مهمات قشونی» و این گفته میرزا علی‌خان امین‌الدوله^۱ که «ایران قشون منظم آبرومند می‌خواهد. ایران باید معاشرش منظم باشد. هر ساعت سفارت‌خانه‌ای مراسله بالا بلند به وزارت خارجه نفرستد که فلان ایل در فلان راه مال‌التجاره تبعه مرا سرقت کرد» (امین‌الدوله، خاطرات سیاسی، صص ۶۹ و ۲۵۸)، درباره تأثیرات و پیامدهای داخلی و خارجی فقدان ارتش حرفه‌ای و ثابت در دوره قاجار بحث و گفت‌وگو کنید.

۱. امین‌الدوله (۱۲۵۹-۱۳۲۲ق) سیاستمدار نوگرا و روشنفکر عصر ناصری و صدراعظم مظفرالدین‌شاه

هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت قاجار در ایران، قدرت‌های اروپایی (روسیه، انگلستان و فرانسه) با اتکا به تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و به پشتوانه پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اقتصادی، رقابت شدیدی را برای تسلط بر دیگر کشورها، از جمله ایران، آغاز کردند. زمامداران و مردم ایران که از تغییر و تحولات و پیشرفت‌های جوامع و کشورهای اروپایی ناآگاه یا کم‌اطلاع بودند، آمادگی لازم برای مقابله با چنین رویارویی سنگینی را نداشتند و در مقابل هجوم اروپایی‌ها به نوعی غافلگیر شدند.

روسیه

دولت روسیه از زمان پتر کبیر، سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را با هدف تسلط بر سرحدات شمالی ایران و عثمانی آغاز کرد. اقتدار نظامی نادرشاه و سپس آقامحمدخان مدت کوتاهی روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی نمود اما در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار و پس از آنکه حاکم گرجستان خود را تحت حمایت دولت روسیه قرار داد، روس‌ها به منطقه قفقاز لشکرکشی کردند و گرجستان را تصرف نمودند. این اقدام سرآغاز جنگ‌های ایران و روسیه به حساب می‌آید.



این نگاره که نبرد سلطان‌آباد و پیروزی سپاه عباس میرزا را نشان می‌دهد، در قصر عباس‌میرزا نگهداری می‌شده، اما بعدها روس‌ها آن را با خود به روسیه برده‌اند. نگاره در سال ۱۸۱۵-۱۸۱۶ م ترسیم شده است.

دور اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق/۱۸۰۳-۱۸۱۳ م) که با هجوم نظامیان روسی آغاز شد، در نهایت به سبب ضعف سیاسی و نظامی ایران و پیمان‌شکنی دولت‌های فرانسه و انگلستان، به پیروزی روسیه و انعقاد معاهده گلستان انجامید. عباس‌میرزا، فرمانده سپاه ایران در این جنگ‌ها، هر آنچه در توان داشت برای جلوگیری از شکست ایران انجام داد.

پس از وقفه‌ای کوتاه، دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۴۱-۱۲۴۳ ق/۱۸۲۶-۱۸۲۸ م) شروع شد. از جمله علل شروع این دور از جنگ، یکی مشخص نبودن خطوط مرزی در عهدنامه گلستان و ادعاهای ارضی جدید روس‌ها و دیگری فریاد کمک‌خواهی مردم مسلمان شهرها و روستاهایی بود که به واسطه معاهده گلستان تحت سلطه و ستم روس‌ها قرار گرفته بودند. با صدور فتوای جهاد برخی از علما، عده زیادی از ایرانیان آماده جهاد شدند و حکومت قاجار را به اقدام نظامی برای آزادی سرزمین‌های ایرانی ترغیب کردند. در ابتدای جنگ، نیروهای ایرانی به فرماندهی عباس‌میرزا به سرعت بسیاری از مناطق اشغالی را آزاد کردند اما روسیه با تمام قوا و تجهیزات



سرزمین‌های جدا شده از ایران در دوره قاجار

نظامی خود وارد عرصه کارزار شد و در شرایطی که انگلستان برخلاف تعهداتش از کمک نظامی و مالی به ایران خودداری می‌کرد، سپاه ایران را شکست داد و حکومت قاجار را وادار به پذیرش معاهده ترکمانچای کرد. ناتوانی فتحعلی‌شاه در تأمین تدارکات سپاه و بی‌کفایتی و سستی برخی از فرماندهان، مانند آصف‌الدوله، نیز در این شکست تأثیرگذار بود.

- مناطقی که به موجب عهدنامه گلستان از ایران جدا شدند.
- مناطقی که به موجب عهدنامه ترکمانچای از ایران جدا شدند.
- مناطقی که به موجب عهدنامه آخال از ایران جدا شدند.
- مناطقی که به موجب عهدنامه پاریس از ایران جدا شدند.
- مناطقی که به موجب عهدنامه گلداسمیت از ایران جدا شدند.
- ➔ مسیرهای پیشروی روس‌ها

در نتیجه قراردادهای گلستان و ترکمانچای، مناطق وسیعی از سرزمین‌های حاصلخیز ایران در غرب دریای مازندران که شامل ولایات گرجستان، داغستان، ارمنستان، نخجوان و اران با شهرها و روستاهای آباد و پرجمعیت بود، به روسیه واگذار شد و رود ارس مرز دو کشور قرار گرفت. به علاوه، ایران در عهدنامه گلستان از داشتن کشتی جنگی در دریای مازندران محروم شد و در معاهده ترکمانچای نیز متعهد گردید که مبلغ ۵ میلیون تومان غرامت به دولت روسیه بپردازد و به اتباع آن کشور نیز حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) بدهد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس‌های ۲ و ۳ خواندید، با یکدیگر همفکری کنید و دلایل شکست ایران از روسیه را در چارچوب محورهای مشخص شده زیر بیان کنید.

الف) نظامی :

ب) سیاسی :

پ) اقتصادی :

ت) مناسبات خارجی :

دست‌اندازی روسیه به خاک ایران بعد از معاهده ترکمانچای همچنان ادامه پیدا کرد. روس‌ها مناطق وسیعی از سرزمین‌های ایرانی در شرق دریای مازندران (خوارزم و ماوراءالنهر) را تسخیر و عهدنامه آخال (۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۱ م) را بر حکومت قاجار تحمیل کردند.

پاسخ ناصرالدین‌شاه را به اعتراض دولت انگلستان به امضای قرارداد آخال توسط ایران بخوانید و تحلیل و قضاوت خود را دربارهٔ سیاست و کشورداری ناصرالدین‌شاه و موقعیت بین‌المللی حکومت قاجار بیان کنید.

«باید جواب نوشت: ما چیزی به روس ندادیم. شما که انگلیس هستید در این فقره داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش آمدن به سمت آخال و ترکمان رسماً و قویاً مانع می‌شدید، البته روس‌ها میدان جولان بازی خودشان را کمتر می‌کردند، بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند. وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند سد راه و خیال روس‌ها را بکند، ما به طریق اولی نمی‌توانیم. روس آمد آخال را گرفت؛ ما چه می‌کردیم؟ بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید و قرار بدهید؛ ما چه می‌کردیم اگر قبول نمی‌کردیم؟ به رضایت خودش همان‌طور که آخال را تصرف کرد، حد طبیعی ترکمان را هم با خراسان به زور تصرف می‌کرد. آن وقت آیا ما باید با روس‌ها جنگ کنیم، آیا شما به ما امداد قشونی و پولی و اسلحه می‌کردید یا نه؟» (نورائی، گفت‌وگوی ملکم خان با لرد سالیسبوری، بررسی‌های تاریخی، صص ۱۵۳-۱۵۴).

ارتباط حکومت قاجار با روسیه به روابط سیاسی و نظامی محدود نمی‌شد. روس‌ها یک قرارداد تجاری را ضمیمهٔ عهدنامهٔ ترکمانچای کردند که نتیجهٔ آن گسترش نفوذ اقتصادی آنان در ایران و تسلط بر بازار نیمهٔ شمالی کشور ما بود. علاوه بر آن، روسیه در رقابت با انگلستان امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند تأسیس بانک استقراضی، شیلات شمال و تأسیس نیروی قزاق را گرفت.

انگلستان

سلطهٔ استعماری انگلستان بر هندوستان در سدهٔ ۱۸م، موجب توجه بیشتر انگلیسی‌ها به ایران شد. در اوایل دورهٔ قاجار، دولت انگلیس کوشید با اعزام سفیران کارگشته^۱ به ایران و امضای معاهدات مُجَمَل و مُفَصَّل، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در میهن ما گسترش دهد و مانع آن شود که کشورهای رقیبش از طریق ایران به هندوستان برسند. این کشور همچنین با حضور در خلیج فارس و تسلط بر برخی از جزایر ایرانی، زمینه را برای گسترش نفوذ و دخالت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در این منطقهٔ راهبردی (استراتژیک) فراهم آورد.

بررسی شواهد و مدارک

مفاد عهدنامه‌های مجمل و مفصل را که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، بخوانید و ضمن استخراج، تلخیص و مقایسهٔ تعهدات ایران و انگلستان، با توجه به محتوای درس، موارد نقض این تعهدات توسط طرفین را مشخص کنید.

تلاش برای جداکردن سرزمین‌های شرق ایران؛ از اواخر عهد فتحعلی‌شاه، دولت انگلیس درصدد برآمد که با جداکردن سرزمین‌های شرقی ایران، منطقه‌ای حائل و تحت نفوذ خود در مرزهای هندوستان به وجود آورد. به همین منظور، در زمان محمدشاه و ناصرالدین‌شاه از حاکم نافرمان هرات و دیگر امیران شورشی افغان حمایت کرد و با اقدامات سیاسی و نظامی خود مانع سرکوب این شورش‌ها توسط سپاه ایران شد. انگلستان سرانجام با تحمیل معاهدهٔ پاریس به حکومت قاجار، افغانستان و هرات را از ایران جدا کرد (۱۲۷۳ق). انگلیسی‌ها سپس با

۱. سیر جان ملکم (Sir John Malkom) و سر هارد فورد جوتز (Sir Hardford Jones) و سر گور اوزلی (Sir Goure Ouseley) از جمله این سفرا بودند.

قرارداد گلداسمیت، مناطقی از سیستان و بلوچستان را نیز از ایران جدا و ضمیمه خاک هندوستان کردند که خود بر آن فرمان می‌راندند. گرفتن امتیازات اقتصادی؛ در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، انگلیسی‌ها در رقابتی تنگاتنگ با روس‌ها، موفق به گرفتن امتیازات اقتصادی متعددی از ایران شدند که امتیازهای رویتزر، بانک شاهنشاهی و توتون و تنباکو (رژری یا تالبوت) از جمله مهم‌ترین آنها بود.

امتیاز رویتزر که قراردادی بین حکومت قاجار و یک یهودی انگلیسی به نام بارون رویتزر بود، در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار بسته شد. در این قرارداد، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی و نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویتزر واگذار شد. در مقابل رویتزر تنها مبلغ دویست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد. روس‌ها از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آنها در پی داشت ناراضی بودند و به آن اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند. در داخل کشور نیز مخالفت‌های شدیدی با این امتیاز صورت گرفت و مجتهد بزرگ تهران، حاج ملا علی کنی، به شدت با آن مخالفت کرد. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو این قرارداد شد و رویتزر هم در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال به دست آورد.

امتیاز رویتزر



نماز جماعت به امامت آیت‌الله میرزای شیرازی

واگذاری امتیازات موجب نگرانی مردم، به ویژه بازرگانان و روحانیان، از تسلط بیگانگان بر اقتصاد و منابع تولید کشور شد و اعتراضات و جنبش‌هایی را برانگیخت.

یکی از مهم‌ترین این جنبش‌ها، اعتراض در مقابل امتیاز تنباکو بود.

در ماجرای امتیاز توتون و تنباکو، ناصرالدین شاه در برابر دریافت مبلغی ناچیز و یک چهارم سود سالانه، انحصار خرید و فروش تنباکو و توتون در داخل و

خارج ایران را به مدت پنجاه سال به یک انگلیسی به نام تالبوت واگذار کرد. از این رو این قرارداد به قرارداد تالبوت مشهور شده است و چون نام شرکت تالبوت، «رژری» بود این عهدنامه را رژری نیز می‌نامند. مردم ایران که می‌دیدند این قرارداد نوعی استثمار اقتصادی است، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. علما و روحانیون، رهبری این اعتراضات را به دست گرفتند و در نهایت مرجع بزرگ شیعه آیت‌الله میرزای شیرازی حکم تاریخی خود را صادر کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم، الیوم استعمال تنباکو و توتون بآئ نحو کان، در حکم مبارزه با امام زمان عج الله تعالی فرجه است». این فتوا در کنار اعتراضات مردم، در نهایت شاه را مجبور به لغو قرارداد کرد.

فرانسه



ناپلئون بناپارت

هم‌زمان با روی کار آمدن قاجارها در ایران، ناپلئون بناپارت در فرانسه قدرت گرفت. ناپلئون که سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را در اروپا و جهان دنبال می‌کرد، با مانع بزرگی همچون انگلستان روبه‌رو شد که به دلیل جزیره‌ای بودن و برخورداری از نیروی دریایی قدرتمند، توان رویارویی مستقیم با آن را نداشت. بنابراین، تصمیم گرفت رقیب خود را با هجوم به مستعمراتش از پای درآورد. از این رو، نخست مصر را تصرف کرد و سپس در صدد حمله به هندوستان برآمد.

از آنجا که ایران مناسب‌ترین راه دستیابی ناپلئون به هند بود، نمایندگان او یکی پس از دیگری راهی دربار قاجار شدند. فتحعلی‌شاه که درگیر جنگ با روسیه بود و به متحد قدرتمندی نیاز داشت، از پیشنهاد امپراتور فرانسه برای برقراری رابطه استقبال کرد. در نهایت، عهدنامه فین‌کنشتاین (۱۸۰۷/ق/۱۲۲۲م) بین دو کشور بسته شد. پس از آن، هیئت نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد و در مدت کوتاهی اقدامات مفیدی در این زمینه انجام شد. اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه زیاد دوام نیاورد؛ زیرا ناپلئون اندکی بعد تمام تعهدات خود در برابر ایران را زیر پا گذاشت و با روسیه صلح کرد؛ هیئت نظامی فرانسوی را از ایران فراخواند و حکومت قاجار را در مقابل روس‌ها تنها گذاشت. پس از این، روابط دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی داشت و در حوزه قراردادهای بازرگانی و همکاری‌های فرهنگی، به خصوص در زمینه واگذاری امتیاز کاوش‌های باستان‌شناختی، ادامه یافت.

عثمانی

در عصر قاجار دو کشور مسلمان ایران و عثمانی به سبب درگیری‌های مستمر با دولت‌های اروپایی، مجال کمتری برای دشمنی و جدال با یکدیگر داشتند. با این حال، در زمان فتحعلی‌شاه و محمدشاه، به سبب اختلافات مرزی، بدرفتاری عثمانیان با زائران ایرانی عتبات عالیات و مشکلات تجاری، تنش‌هایی میان دو کشور بروز کرد اما با وساطت دولت‌های انگلستان و روسیه مذاکراتی میان ایران و عثمانی صورت گرفت و قراردادهای صلح ارزنة‌الروم اول و دوم میان آنها بسته شد و به کشمکش‌ها پایان داد.

جدا از مواجهه سیاسی - نظامی، همواره میان ایران و عثمانی روابط بازرگانی و فرهنگی وجود داشت و کشور عثمانی یکی از مسیرهای آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های اروپا و تحولات نظام جهانی بود. در اواخر دوره قاجار، با شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی - نظامی تازه در اروپا و نفرت تاریخی مردم ایران از انگلستان و روسیه، عثمانی توانست با شعار «اتحاد اسلام» بخشی از اندیشمندان ایرانی را به سمت خود جلب کند.

روابط با سایر کشورها

حکومت قاجار برای کاستن از نفوذ و دخالت‌های روزافزون روسیه و انگلستان در امور ایران، تلاش می‌کرد که با کشورهای دیگر مانند آمریکا، اتریش، ایتالیا و بلژیک ارتباط برقرار کند، اما به سبب سنگ‌اندازی روس‌ها و انگلیسی‌ها و بی‌رغبتی این کشورها در این باره موفقیت چندانی به دست نیاورد.

اوضاع اجتماعی

جامعه ایران در دوره قاجار شامل اقوام و گروه‌های گوناگونی می‌شد که سه شیوه زندگی روستایی، ایلی - عشایری، و شهری داشتند:

الف) روستاییان

به استثنای اربابان و زمین‌داران، جمعیت روستایی اغلب افرادی بودند که زمین نداشتند و در اراضی مالکان کار می‌کردند. برخی از گزارش‌ها نشان از آن دارد که روستاییان کم و بیش تحت ستم اربابان و مأموران مالیاتی بوده‌اند.

ب) ایلات و عشایر

در رأس ایلات سران ایل قرار داشتند و تمام مناسبات و روابط حکومت و ایل زیر نظر آنها انجام می‌گرفت. افراد ایل به سبب کارهایی که برای رهبران خود انجام می‌دادند، نسبت به روستاییان وضعیت بهتری داشتند. آنان همواره به عنوان نیروهای مسلح در مواقع جنگ یکی از منابع تأمین نیروی نظامی حکومت قاجار به‌شمار می‌رفتند. سران ایلات اغلب در مناطق تحت نفوذ خود به‌طور مستقل حکومت می‌کردند.

پ) شهرنشینان

در شهرها گروه‌های اجتماعی مختلفی از قبیل مقام‌ها و کارگزاران حکومتی، علما و دانشمندان، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران و کارگران می‌زیستند. شماری از شهرنشینان را افراد بیکار و تهیدست تشکیل می‌دادند.

یکی از گروه‌های اجتماعی عصر قاجار، که در شهرها و روستاها زندگی می‌کردند، روحانیون بودند. آنان از دیرباز به دلیل بافت و ساختار مذهبی جامعه سنتی ایران در میان اقشار



بازار و تجارت در دوره قاجار

مختلف مردم نفوذ فراوانی داشتند و متکفل امور دینی بودند. روحانیون به سبب نظارت بر موقوفات و دریافت وجوهات شرعی از نظر مالی مستقل از حکومت بودند. معمولاً این قشر به دلیل عدم وابستگی به حکومت و آموزه‌های دینی، در مقاطعی از تاریخ معاصر ایران در برابر قدرت‌های خارجی ایستادگی کردند و اقدامات شاهان و درباریان قاجار را به چالش کشیدند.



تیمچه مظفریه، تبریز

بازارها هسته اصلی نظام اقتصادی و اجتماعی شهرها بودند و شالوده زندگی اجتماعی و اقتصادی را در مراکز شهری تشکیل می‌دادند. هر حرفه کسب و کاری در بازار داشت و هر صنف در یک راسته فعالیت می‌کرد. اهالی شهرها در محلات مختلف زندگی می‌کردند. افراد نسبت به محلات خود به شدت احساس تعلق و افتخار می‌کردند. عوامل گوناگون قومی، مذهبی و شغلی سبب تمایز و تفاوت میان اهالی یک شهر در محلات گوناگون می‌شد.

لوطیان

در شهر گروهی از مردم می‌زیستند که به لوطی شهرت داشتند. لوطی‌ها افرادی بودند که میان آنها و عیاران و اهل فتوت در قرون گذشته ارتباطاتی وجود داشت. آنان با زورخانه زیادی داشتند و در محله‌ها حافظ منافع مردم محلی بودند. لوطیان در دوره قاجار به دو گروه تقسیم می‌شدند: یک گروه که خود را پاسدار میراث پهلوانی و عیاری و فتوت می‌دانستند و با تکیه بر شجاعت و دلاوری خویش، از تهیدستان در برابر ستم فرادستان - یعنی مأموران حکومتی، کلانترها و داروغه‌ها - پشتیبانی می‌کردند. گروهی دیگر بای اعتنایی به خصلت‌های پهلوانی و جوانمردی، به عنوان بازوی ظلم در خدمت صاحبان قدرت و ثروت بودند. لوطیان در سراسر دوره قاجار در بیشتر آشوب‌های ضد حکومتی نقش فعال داشتند. ستارخان و باقرخان از زمره لوطیانی بودند که در نهضت مشروطه در صف اول مبارزه با ستم استبداد جنگیدند و به شخصیت‌های ملی تبدیل شدند. صنیع حضرت و مقتدر نظام نیز در جبهه استبداد از پادشاه مستبد، محمد علی شاه، حمایت کردند.

اوضاع اقتصادی

نظام تولید

در این دوره سه شیوه تولید وجود داشت:

- ۱ شیوه تولید سهم‌بری دهقانی، که در آن ساکنان روستاها و کشاورزان از تولید، سهم معینی را دریافت می‌کردند. روستاییان بی‌زمین اغلب روی اراضی مالکان کار می‌کردند. آنان در ازای بهره‌برداری از ملک ارباب، گاه تا یک سوم محصول را به عنوان بهره مالکانه به او تحویل می‌دادند. بخشی را نیز به عنوان مالیات به دولت می‌پرداختند و بخشی هم سهم خودشان می‌شد.
- ۲ شیوه تولید خرده‌کالایی دولتی و خصوصی ویژه اقتصاد شهری بود. این گروه از کارگران و اصناف و تولیدکنندگان شهری در کارگاه‌ها و مراکز تولید شهری به کار اشتغال داشتند.
- ۳ شیوه تولید شبانکارگی (شبنانی) یا ایلیاتی که مختص ایلات و کوچ‌نشینان بود؛ نظیر تولید گوشت، پوست، پشم، گلیم، فرش ایلاتی و لبنیات.

وضعیت صنایع و تأثیر واردات خارجی بر آن

با سقوط صفویان و آغاز بحران‌های شدید سیاسی و نظامی، کشور ما در عرصه اقتصادی و تولید دچار رکود فراوانی شد اما با به قدرت رسیدن قاجاریه و فروکش کردن جنگ‌های داخلی، مجدداً در اوایل دوره قاجار صنایع دستی در ایران رشد و رونق یافت. در این زمان، به علت جنگ‌های ناپلئون کالاهای صنعتی اروپایی چندان به ایران وارد نمی‌شد اما صنایع دستی ایران مانند منسوجات ابریشمی، شال، مخمل، زری باف، ظروف سفالی و لعاب‌دار، مئبت کاری، قلم کاری، خاتم کاری و انواع اسلحه گرم و سرد، با کیفیت خوب تولید می‌شدند و از لحاظ کیفیت و دوام در وضعیت مطلوبی بودند. با پایان یافتن جنگ در اروپا و سرازیر شدن سیل کالاهای اروپایی، صنایع دستی ایران به تدریج رو به انحطاط رفت. بسیاری از اروپاییان که در این زمان از ایران دیدن کرده‌اند، از نابودی و ضعف مراکز قدیمی و پررونق صنایع دستی ایران مثل کاشان، اصفهان، شیراز، کرمان و یزد خبر داده‌اند. کالاهای اروپایی، به ویژه محصولات صنعتی انگلستان، صدمه شدیدی به صنایع ایران وارد آورد. در دوره صدارت امیرکبیر تلاش‌های زیادی برای احیای صنایع دستی ایران صورت گرفت اما با مرگ



نمونه‌ای از پارچه‌های دوره قاجار



نمونه‌ای از لباس دوره قاجار

او این تلاش‌ها پیگیری نشد. حکومت‌های بی‌تدبیر و وابسته در ایران اجازه دادند تا شرکت‌ها، مستشاران و محصولات اروپایی به صورت بی‌برنامه وارد کشور شوند و در نتیجه پایه‌های تولید داخلی ضعیف شد. تداوم این نگاه از قاجار به پهلوی، ایران را درست در زمان اوج‌گیری علم، صنعت و تولید اروپاییان، به عقب‌ماندگی مضاعف دچار کرد. بدین ترتیب با آغاز مسابقه علمی، اقتصادی و صنعتی دوره مدرن، ایران به کلی از گردونه رقابت بیرون رفت.

کشاورزی

با وجود اینکه مناسبات حاکم بر بخش کشاورزی، شیوه‌ها و ابزارهای تولید (تکنولوژی) این بخش دچار تغییر و تحول اساسی نشد، کشاورزی ایران اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی مانند گذشته یک کشاورزی معیشتی نبود. برخی از گزارش‌ها حکایت از چند برابر شدن تولید برخی از اقلام محصولات کشاورزی، به ویژه محصولات صادراتی مانند ابریشم، تریاک، تنباکو، پنبه و برنج، دارد. جنگ‌های استقلال آمریکا موجب افزایش تولید و صادرات پنبه از ایران به روسیه شد. بازرگانان روسی و ارمنی با حمایت‌های مالی، نصب دستگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی، توزیع بذر و بالا بردن استانداردهای تولید به روند افزایش صادرات پنبه کمک کردند. در آستانه جنگ جهانی اول، زمین‌های وسیعی از ایران زیر کشت پنبه بوده و میزان تولید بیش از ۳۰ هزار تن برآورد شده است.

بحث و گفت‌وگو

به نظر شما، افزایش تولید در برخی از شاخه‌های کشاورزی و بی‌توجهی به تولید کافی غلات چه نتایجی می‌توانست داشته باشد؟ آیا میان افزایش تولید برخی محصولات کشاورزی با قحطی‌های پیاپی و کمبود مواد غذایی به ویژه نان در دوره قاجار ارتباطی وجود دارد؟ در این باره بحث و استدلال کنید.

تجاری شدن کشاورزی ایران در عصر قاجار تغییر چندانی در فنون کشاورزی ایران ایجاد نکرد اما موجب افزایش درآمد مالکان و مشارکت روزافزون تجار ایرانی و خارجی در صدور تولیدات برخی از محصولات کشاورزی، نظیر پنبه و تریاک شد.

ورود محصولات جدید کشاورزی به ایران

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه با ورود محصولات جدید کشاورزی از اروپا به ایران، تحولی عظیم در شیوه تغذیه ایرانیان ایجاد شد؛ به گونه‌ای که محصولات غذایی جدیدی مثل گوجه‌فرنگی، نخودفرنگی و سیب‌زمینی در غذای خانوارهای ایرانی جا خوش کرد و سیب‌زمینی به یکی از محصولات مهم کشاورزی تبدیل شد و در زمان مظفردالدین شاه برای مقابله با قحطی، کشاورزان به کشت آن تشویق می‌شدند.

فعالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«در هر جایی که زراعت این نبات [سیب‌زمینی] معمول و متداول شد، بلای قحط و مجاعه آنجا راه ندارد و هیچ یک از



حبوبات جای گندم را نمی‌گیرد. گیاه سیب‌زمینی که قوتش جزئی کمتر از گندم است. پس هرگاه در تمام نقاط ایران زراعتش را چنانچه شایسته است معمول و مجری دارند، فواید عمده‌ای عاید زارعین و ملاکین خواهد شد» (روزنامه فلاح مظفری، نمره ۸، سنبله^۲ یونت^۳ ثیل^۴ ۱۳۴۱ قمری (ص ۱۰۹)).

۱ به نظر شما مطالعه درباره غذاها چه نقشی در فهم اجتماعی یک دوره می‌تواند داشته باشد؟

۲ با مطالعه متن، برداشت خود را با دیگر دوستانتان در میان بگذارید و درباره نظرات خود بحث و گفت‌وگو کنید.

روزنامه فلاح مظفری

فرش در دوره قاجار

به رغم رکودی که در صنایع دستی ایران به‌ویژه از نیمه دوم عصر قاجار به‌وجود آمد، تولید فرش و صادرات آن به کشورهای جهان، به‌ویژه اروپا و آمریکا، رشد چشمگیری پیدا کرد. فرش ایران که از روزگاران دور آوازه‌ای جهانی داشت، در این دوره طلبان فراوانی در جهان پیدا کرد و گردشگران اروپایی توجه تاجران و مردم اروپا و آمریکا را به سوی فرش دست‌باف ایران جلب کردند. ارزانی نیروی کار، طرح و نقش‌های زیبا و متنوع، هنرمندی و ظرافت بافندگان ایرانی از یک سو و تقاضای بازار جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی در تولید و تجارت، سبب رشد تولید و صادرات فرش در دوران قاجار شد. شهرهای تبریز، کاشان، همدان، اصفهان، کرمان، اراک و ولایت‌های کردستان و آذربایجان از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی در دوره قاجار بودند.



قالیچه کرمان، دوره قاجار

۱. گرسنگی

۲. صورت فلکی، خوشه گندم برابر با ماه شهریور

۳. سال نهنگ در تقویم دوازده حیوانی

۴. ۱۳۰۱ ش

نگاهی به اوضاع علمی و فرهنگی ایران در عصر قاجار

در دوره قاجار نیز نظام تعلیم و تربیت سنتی ایران تداوم و گسترش یافت. در آن زمان سوادآموزی مقدماتی در مکتب‌خانه‌ها یا از طریق معلمان



مدرسه سپهسالار، تهران

خصوصی و یا معلمان سرخانه انجام می‌گرفت. دانش‌آموزانی که توانایی مالی و علاقه به ادامه تحصیل داشتند، وارد مدرسه‌های قدیم و حوزه‌های علمیه می‌شدند. در این مراکز آموزشی، علوم نقلی و عقلی تعلیم داده می‌شد. مدرسه‌های مروی و سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی) از جمله مراکز علمی و آموزشی مهم و بزرگ این دوره بودند که در پایتخت تأسیس شدند. عالمان و اندیشمندان برجسته‌ای در این مراکز تحصیل و تدریس می‌کردند.

مراکز آموزشی جدید

در دوره قاجار، نگاه برخی حاکمان داخلی و روشنفکران به پیشرفت‌های کشورهای اروپایی دوخته شده بود. از سوی دیگر، برخی از کشورهای استعمارگر نیز به دلیل منافع خود، درصدد تغییر روش‌های تعلیم و تربیت در ایران بودند. در چنین فضایی و پس از آشنایی با پیشرفت‌های ایجاد شده در اروپا، نخستین مدرسه‌ها به دست مسیونرهای اروپایی و آمریکایی، تأسیس شد و بعد از آن، حکومت قاجار و برخی افراد سرشناس فرهنگی و سیاسی نیز تصمیم گرفتند تا مدارس جدیدی در ایران براساس روش‌های جدید تعلیم و تربیت عمومی، تأسیس کنند. غالب این مدارس تازه تأسیس شده، متناسب با فرهنگ اروپاییان ساخته شده بود و تفاوت‌هایی جدی با سبک و فرهنگ تعلیم و تربیت در ایران اسلامی داشت.

دارالفنون یکی از مدارسی بود که با هدف آموزش علوم مختلف و فنون جدید به دانشجویان ایرانی، در داخل کشور و با ایده و پیگیری



معلمان و استادان مدرسه علوم سیاسی، این مدرسه را میرزا نصرالله خان مشیرالدوله در زمان مظفرالدین‌شاه به منظور تربیت نیروهای سیاسی وزارت امور خارجه تأسیس کرد.

امیرکبیر، تأسیس شد. امیرکبیر قصد داشت تا آموزش دانشجویان در داخل کشور را جایگزین فرستادن آنها به خارج کند تا از این طریق، بتواند بر محتوا و اساتید و روش‌های تدریس، نظارت بیشتری داشته باشد. اگرچه وی تأسیس این مدرسه را به چشم خود ندید و مدتی کوتاه پس از افتتاح مدرسه، بر اثر توطئه چینی‌ها و به دست برخی افراد سودجو به قتل رسید.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا امیرکبیر دستور داد، استادان و معلمان مدرسه دارالفنون از کشورهای غیر از روسیه و انگلستان (مانند فرانسه و اتریش) استخدام شوند؟

میرزا حسن رشیدی یکی از شخصیت‌های فرهنگی عصر قاجار بود که برای تأسیس مدرسه‌های جدید به ویژه در دوره تحصیلی ابتدایی در شهرهای مختلف ایران بسیار تلاش کرد و در این راه رنج‌ها و سختی‌های فراوانی کشید. هدف رشیدی از برپایی مراکز آموزشی جدید، فراهم آوردن شرایط برای سوادآموزی به فرزندان تمام قشرهای مختلف جامعه بود.

۱. مسیونر به اعضای هیئت‌های دینی گفته می‌شد که برای تبلیغ مسیحیت به کشورهای دیگر می‌رفتند.

در دوره قاجار، برخی از زنان فاضل نیز در تأسیس مدارس جدید مشارکت داشتند. از جمله این زنان می‌توان به بی‌بی خانم استرآبادی اشاره کرد که مدرسهٔ دوشیزگان را به منظور تحصیل دختران در تهران تأسیس کرد (۱۲۸۵ ش). دانش‌آموختگان مراکز علمی و آموزشی جدید، نقش مؤثری در انتشار و ترویج افکار نو به ویژه تفکر مشروطه‌خواهی و حکومت قانون داشتند.



تندیس میرزا حسن رشديه



معلمان و دانش‌آموزان مدرسهٔ رشديه تهران

فلسفه

در دوره قاجار تحولی چشمگیر در فلسفهٔ اسلامی به وجود آمد. ملا عبدالله زُنوزی یکی از شاگردان برجستهٔ ملاعلی نوری، مؤسس حوزهٔ فلسفی تهران در این دوره شناخته می‌شود. او دو اثر ارزشمند در موضوع فلسفه به زبان فارسی نوشت. نگارش آثار فلسفی به زبان فارسی در دورهٔ صفویه به تدریج از رونق افتاده بود. حوزهٔ فلسفی تهران را فیلسوفان برجستهٔ دیگری^۱ گسترش دادند و موجب رشد و توسعهٔ فلسفهٔ اسلامی و شاخه‌های گوناگون آن مثل مکتب مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیهٔ صدرایی و عرفانی شدند.

حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ق) یکی از فیلسوفان نامدار دورهٔ قاجار به شمار می‌رود. او کتاب «اسرارالحکم» را به درخواست ناصرالدین شاه قاجار به فارسی نوشت. در آن دوره به تدریج عالمان ایرانی با فلسفهٔ جدید غرب آشنا شدند.



حاج ملاهادی سبزواری

۱. آقا علی مدرس تهرانی، آقامحمدرضا قمشاهی، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا حسین سبزواری که به حکمای اربعه (چهارگانه) معروف بودند.

برخی از عالمان سرشناس عصر قاجار در یک نگاه

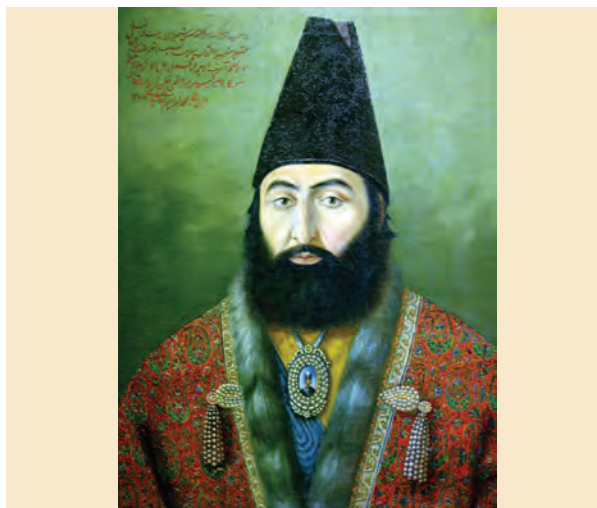
رشته علمی و هنری	عالمان سرشناس	ویژگی‌ها
ادبیات	<ul style="list-style-type: none"> ■ شعله اصفهانی ■ ملک الشعرا صبای کاشانی ■ وصال شیرازی ■ فروغی بسطامی ■ قالی شیرازی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ بازگشت ادبی: شاعران این دوره (اوایل قرن سیزدهم تا اواسط قرن چهاردهم) به سبک شعرایی چون فردوسی، نظامی، خاقانی، فرخی و منوچهری جنبشی برای احیای سبک کلاسیک برپا کردند که به دوره بازگشت ادبی شهرت یافت. ■ از دوره ناصرالدین شاه، به مرور و به صورت ملایم، ادبیات انتقادی وارد حیات فرهنگی جامعه شد و در دوره مظفری به صورت (هجو) و در دوره مشروطه با مضامین (وطن پرستی، مبارزه با استبداد و استعمار) جلوه گر گردید. عارف قزوینی و ملک الشعرای بهار در زمره این دسته از شاعران قرار دارند.
خوشنویسی	<ul style="list-style-type: none"> ■ محمدرضا کلهر ■ میرزا وصال شیرازی ■ محمدحسین سیفی قزوینی (عمادالکتاب) 	<ul style="list-style-type: none"> ■ در قرن سیزدهم خوشنویسی رونق گرفت. از این دوره به ویژه آثار نفیسی به خط نسخ بر جای مانده است. ■ از اوایل قرن چهاردهم خوشنویسی از رونق افتاد و سیر نزولی را در پیش گرفت.
پزشکی	<ul style="list-style-type: none"> ■ میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء ■ میرزا حسین افشار ■ بهرام خان طبیب و... 	<ul style="list-style-type: none"> ■ قبل از رواج پزشکی نوین، در ایران طب سنتی رواج داشت. ■ با تأسیس مدرسه دارالفنون، پزشکی نوین وارد ایران شد. ■ با ورود پزشکان اروپایی و اعزام دانشجویانی به اروپا برای تحصیل پزشکی، این علم دچار تحول اساسی شد.
ریاضیات و فیزیک	<ul style="list-style-type: none"> ■ میرزا نظام الدین غفاری ■ عبدالغفار نجم الدوله 	<ul style="list-style-type: none"> ■ نظام الدین غفاری در دوره قاجار به اروپا اعزام شد؛ در مدرسه پلی تکنیک پاریس تحصیل کرد و معلم ناصرالدین شاه شد. او راه شوسه تهران به آمل را به دستور ناصرالدین شاه کشید و ملقب به مهندس الممالک شد.
تذهیب	<ul style="list-style-type: none"> ■ میرزا عبدالوهاب ملقب به «مُدَّهَبِ بَاشِی» ■ محمدعلی شیرازی، میرزایوسف شیرازی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ تذهیب، هنر تزئین کتاب‌ها، نامه‌ها، اسناد و قبale‌های ازدواج اشراف با طلا و سنگ‌های قیمتی است. ■ هنر تذهیب در اوایل دوره قاجار رونق زیادی یافت ولی بعدها به تدریج افول کرد.
موسیقی	<ul style="list-style-type: none"> ■ محمدحسن سنتورخان ■ میرزا عبدالله، غلامحسین درویش 	<ul style="list-style-type: none"> ■ تا قبل از تأسیس دارالفنون، موسیقی رونق چندانی نداشت. ■ در دارالفنون رشته‌ای به هنر موسیقی اختصاص یافت. ■ به دستور ناصرالدین شاه، استادی فرانسوی به نام موسیو لومر برای تدریس موسیقی در دارالفنون استخدام شد. ■ بعدها با اختراع گرامافون موسیقی رونق تازه‌ای یافت.

هنر و معماری

نقاشی: به دنبال سقوط صفویان، هنر نگارگری نیز در سایه جنگ‌های داخلی رو به افول نهاد. نقاشی در عصر قاجار به دنبال وحدت سیاسی و استقرار امنیت و در سایه حمایت پادشاهان و دربار از یک سو و ارتباط با غرب از سوی دیگر، دچار تحولی اساسی شد. فتحعلی شاه برجسته‌ترین هنرمندان نقاش را در تهران گرد آورد و آنها را به کشیدن پرده‌های بزرگ برای نصب در کاخ‌ها تشویق کرد. در دوره ناصرالدین شاه، سنت نگارگری ایرانی تحت تأثیر هنر نقاشی مدرن اروپایی قرار گرفت. سبک نوینی در نقاشی به وجود آمد و نقاشان بزرگی مانند محمد غفاری معروف به کمال الملک، پا به عرصه نهادند.



سه پرده از نقاشی‌های هزار و یک شب اثر ابوالحسن غفاری (صنیع‌الملک)، نقاش‌باشی ناصرالدین‌شاه



نگاره امیرکبیر اثر محمد ابراهیم نقاش‌باشی



تابلوی تالار آیینه اثر کمال‌الملک، نقاش عصر قاجار و پهلوی

تعزیه: تعزیه که ریشه در آیین‌های باستانی داشت، در عصر صفوی برای بزرگداشت حماسه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام رواج یافت. هنر تعزیه در دوره ناصرالدین‌شاه گسترش پیدا کرد. یکی از مکان‌های اجرای تعزیه در تهران، تکیه دولت بود. زنان و مردان زیادی در این تکیه به تماشای تعزیه‌گردانان می‌نشستند.



نقاره خوان دوره گرد، دوره قاجار



مراسم تعزیه‌خوانی در تکیه دولت، تهران

نمایش کمدی: در دوره قاجار به جز نمایش‌های مذهبی، نمایش‌های دیگری مثل نمایش روح‌حی (سیاه‌بازی) و بقال‌بازی در مراسم شادی روی حوض‌خانه‌ها، که با تخته‌آن را می‌پوشاندند، یا در برخی قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد. گاهی هنرمندان با استفاده از نمایش‌های کمدی، مضامین جدی و انتقادهای سیاسی و اجتماعی را به صورت طنز به گوش مقامات می‌رساندند.

تئاتر: هنر تئاتر به سبک اروپایی از دوره قاجار به همت دانشجویان اعزامی به اروپا، در ایران گسترش یافت. میرزا علی اکبرخان مؤمن‌الدوله (نقاش‌باشی) به دستور ناصرالدین شاه در محل فعلی دارالفنون یک تالار نمایش ساخت. این تماشاخانه بیشتر مکانی خصوصی بود که شاه و برخی از درباریان در آنجا از نمایش‌هایی که به اجرا در می‌آمد، دیدن می‌کردند. در این دوره نمایشنامه‌های زیادی ترجمه شد. مدتی بعد، تئاتر ملی در یکی از ساختمان‌های تهران در خیابان لاله‌زار تشکیل شد.

معماری: سنت معماری ایرانی اسلامی که در دوران سلجوقی، تیموری و صفویان درخشش بی‌نظیری داشت، در عصر قاجار با توجه به شرایط اقلیمی و آب و هوایی و نوع مصالح ساختمانی

تداوم یافت. پس از اختراع دوربین عکاسی، مسافرانی که در عصر ناصری به اروپا می‌رفتند، تصاویر زیادی از بناهای آن سرزمین را با خود به ایران آوردند. بسیاری از معماران به سفارش دربار و ثروتمندان با استفاده از برخی عناصر معماری فرنگی و تلفیق آن با معماری ایرانی، سبکی از معماری را به وجود آوردند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود. این بناها که به بناهای «کارت پستالی» معروف شد، بیشتر به تقلید از بناهای اروپایی ساخته می‌شدند. یکی از این بناهای معروف، کاخ شمس‌العماره واقع در مجموعه کاخ گلستان است که به دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شد (۱۲۸۰ق). علاوه بر این، ورود مظاهر تمدن جدید غربی مانند تلگراف، تلفن، پست، بانک، روزنامه و تئاتر، نیز در گسترش سبک معماری اروپایی در ایران مؤثر بود. پس از رواج این مظاهر تمدن، ساختمان‌هایی مثل پست‌خانه، تلگراف‌خانه، تلفن‌خانه، بانک‌ها، دفاتر روزنامه‌ها، تماشاخانه‌ها، خیابان‌های جدید، مدارس جدید، فروشگاه‌ها، مراکز نظمی، بیمارستان‌های جدید و سفارت‌خانه‌ها تحت تأثیر معماری اروپایی ساخته شدند. با وجود تأثیر و نفوذ سبک‌های فرنگی بر عناصر معماری ایرانی، بسیاری از معماران می‌کوشیدند در ساخت بناها قواعد و اصول معماری سنتی ایرانی را همچنان حفظ و پاسداری کنند. برای نمونه، می‌توان به خانه‌های مجلل و باشکوهی که در برخی از شهرها ساخته شد، از جمله خانه بروجردی‌ها در کاشان، اشاره کرد.



شمس‌العماره (کاخ گلستان)، تهران

شاهان قاجار و فناوری مدرن اروپایی

ناصرالدین شاه با هدف آشنایی با پیشرفت‌های تمدنی اروپاییان و اخذ فناوری مدرن غربی سه مرتبه به اروپا سفر کرد. در دوران سلطنت او، تلگراف، تلفن، بانک، موزه، دوربین عکاسی و برخی دیگر از جلوه‌های تمدن جدید غرب علی‌رغم برخی مخالفت‌ها وارد ایران شد. ناصرالدین شاه به مقوله عکس و عکاسی علاقه فراوانی داشت و یکی از دلایل رواج آن در ایران، علاقه وی به عکاسی بود. او خود عکاسی می‌کرد و در این زمینه مهارت داشت. این پادشاه قاجاری بعد از آنکه خط تلفنی از کاخ شمس‌العماره تا باغ سپهسالار کشیده شد (۱۳۰۲ق)، در توصیف آن نوشت: «تلفن یک قسم تلگرافی است که با دهن حرف می‌زنند و با گوش می‌شنوند. این سفر که معین‌الملک آمد، یک دستگاه آن را همراه پیشکش آورده است. از اتاق شمس‌العماره تا اینجا، که باغ سپهسالار است، کشیده‌ام. یک صفحه سوراخ سوراخ دارد که انسان به همان سوراخ‌ها حرف می‌زند و دو اسباب است که به گوش گذاشته می‌شوند. از اینجا با میرزا محمد و آقا محمد نایب سراپدار صحبت شد. مثل این است که در حضور حرف می‌زنند بلکه هم می‌توان گفت بهتر در [از] صحبت حضوری می‌توان حرف را شنید و فهمید... خیلی چیز غریبی است؛ ما تا به حال این اسباب را ندیده بودیم» (یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه، ص ۱۴۶). مظفرالدین شاه وقتی در سال ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰م، به پاریس رفت، در نمایشگاهی با دوربین فیلم برداری آشنا شد. یک دستگاه از آن را خریداری کرد و در اختیار ابراهیم خان عکاس باشی، که همراه او به اروپا رفته بود، قرار داد. او از شاه و همراهان فیلم برداری کرد. عکاس باشی بعدها در ایران به دستور مظفرالدین شاه با این دوربین فیلم‌های صامتی ساخت. توصیف مظفرالدین شاه از سینما بعد از دیدن فیلمی در پاریس جالب است: «برده بزرگی در وسط تالار بلند کردند و تمام چراغ‌های الکتریک را خاموش و تاریک نموده و عکس سینه ماتوگراف را به آن برده بزرگ انداختند. خیلی تماشا دادند من جمله مسافرین آفریقا و عربستان را که در صحرای آفریقا راه می‌پیمایند نمودند که خیلی دیدنی بود... به عکاس باشی دستور دادیم همه قسم آنها را خریده به طهران بیاورند که انشاء الله همان جا درست کرده به نوکرهای خودمان نشان بدهیم» (به نقل از تهامی‌نژاد، سینمای ایران، ص ۱۴).

پرسش‌های نمونه

- ۱ شرایط سیاسی - نظامی ایران با روسیه و انگلستان در عصر قاجار چه تفاوت‌های اساسی داشت؟
- ۲ چرا شاهان قاجار قادر به اعمال کامل قدرت استبدادی خود نبودند؟
- ۳ به نظر شما، مهم‌ترین آثار و پیامدهای زاینبار عهدنامه ترکمانچای چه بود؟
- ۴ ایران در دوره قاجار از چه جهاتی برای انگلستان اهمیت داشت؟
- ۵ علت اساسی توجه فرانسه به ایران در زمان ناپلئون چه بود؟ چرا روابط ایران و فرانسه در زمان فتحعلی شاه به شکست انجامید؟
- ۶ وضعیت تجارت خارجی ایران را در دوره قاجار چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۷ نظام تولید در دوره قاجار بر چه محورهایی استوار بود؟
- ۸ تأثیر عناصر فرهنگی را بر معماری عصر قاجار چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۹ هنر نگارگری در عصر قاجار به چه وضعیتی داشت؟
- ۱۰ علل رشد و ترقی صنعت فرش را در دوره قاجار بررسی کنید.



انقلاب مشروطه ایران

نهضت مشروطه، جنبش سیاسی و اجتماعی گسترده و قدرتمندی بود که در زمان مظفرالدین شاه به وقوع پیوست. آرمان و هدف این نهضت این بود که آزادی، عدالت و استقلال از بیگانه را در کشور برقرار سازد. این مقطع مهم در تاریخ معاصر ایران، تأثیر عمیقی در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان داشته است. در این درس، شما با زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه آشنا خواهید شد.

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر، درباره این موضوع با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید که چرا مطالعه انقلاب مشروطه در تاریخ معاصر ایران اهمیت دارد.

زمینه‌های نهضت مشروطه

۱ از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن سرزمین‌هایی بود که به وسیله دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شده بودند.

قسمت‌هایی که توسط روسیه از ایران جدا شد عبارت بودند از: کل قفقاز در شمال غربی و منطقه ماوراءالنهر در شمال شرقی (شامل کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان کنونی) به این ترتیب، در شرق و غرب دریای خزر، مناطق و ایالت‌های وسیع و زرخیزی از ایران جدا شد.

سرزمین‌هایی که توسط انگلستان از ایران جدا شد عبارت بودند از: ایالت‌های هرات و قندهار؛ و بخش بزرگی از بلوچستان.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

احساس ضعف، خودباختگی و حقارت ناشی از عهدنامه‌های استعماری چه نمود و ظهوری در هنر و فرهنگ جامعه ایران داشت؟ برای مشاهده نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران در دوره قاجار به صفحه ۹۱ همین کتاب رجوع کنید.

۲ غلبه استعمار بر مملکت

ضعف حکومت قاجار در زمان گسترش استعمارگری‌های اروپاییان و همچنین طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینه سلطه بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجه این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجیان داده می‌شد.

علاوه بر آن قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند موجب سلطه بیشتر استعمارگران بر مملکت شد. علاقه شاهان قاجار به مسافرت به اروپا، انگیزه و میزان دریافت وام از بیگانگان را افزایش داد. ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قرض‌هایی از روس و انگلیس دریافت کردند و به جای اینکه این پول را هزینه کارهای اساسی کنند آن را، خرج سفرهای خود به اروپا کردند.

دادن امتیازات، گرفتن وام و اعمال حق کاپیتولاسیون که از عهدنامه ترکمانچای برقرار شد و همچنین دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران احساسات ملی را جریحه‌دار کرده بود.

۳ استبداد دستگاه حاکم

حکومت قاجار بر بنیاد استبداد مطلق بود و قدرت در دست شاه و اراده او متمرکز بود. مردم ایران هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان و مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی نداشتند.^۱ شاه و بستگانش هر کاری که مایل بودند، انجام می‌دادند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر مردم می‌آوردند.

این وضع در ایالت‌ها (استان) بدتر از مرکز حکومت بود. مالیات‌های بسیار سنگین، فشار کمرشکنی را بر مردم تحمیل می‌کرد و بر نارضایتی‌ها می‌افزود.

۴ مخالفت‌های مردم و علما با استبداد و استعمار

توجه مردم مسلمان ایران به آموزه‌های دین اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی و لزوم دفع ظلم که در آیات

قرآن کریم و سیره معصومین به آن پرداخته شده است، موجب می‌شد نسبت به این آموزه‌ها احساس تکلیف کنند. از سوی دیگر مکتب شیعه قدرت مطلق سلاطین را نامشروع می‌دانست و مشروعیت نسبی قدرت حکام، مشروط به پاسداری از باورهای دینی مردم و حفظ تمامیت ارضی کشور بود. مرجعیت شیعه در جریان نهضت تحریم تنباکو خط بطلانی بر مطلق بودن قدرت شاه کشید. در آستانه نهضت مشروطیت ایران، روحانیون و حوزه‌های علمیه شیعه به استحکام و انسجام سیاسی و مبارزاتی رسیده بودند. در نتیجه یک قرن مبارزه و بیدارگری، ارتباط منظمی میان علما و مردم به وجود آمد و زمینه پیدایش حرکتی فکری به رهبری عالمان دینی فراهم شد. گسترش این حرکت فکری موجب افزایش آگاهی مردم در زمینه مسائل اعتقادی و دینی شد و باورهای مذهبی و فرهنگی جامعه را در مقابل آیین‌های ساختگی و دسیسه‌های بیگانگان تقویت کرد. اولین ثمره این فعالیت‌ها، پیروزی در نهضت تنباکو بود که علاوه بر لغو قرارداد توتون و تنباکو، قدرت و رهبری روحانیون شیعه را در صحنه سیاسی کشور آشکار کرد و آسیب‌پذیری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در برابر اراده ملت نشان داد. این جریان فکری و اعتراض‌آمیز از دوره ناصرالدین‌شاه به دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه منتقل شد و به تدریج به نهضتی عظیم به رهبری روحانیون تبدیل گردید که آیت‌الله سید محمد طباطبایی، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در داخل ایران و مراجعی همچون آیت‌الله محمد کاظم خراسانی، آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی در نجف اشرف آن را رهبری می‌کردند. اساس این نهضت بر مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش برای برقراری عدالت در مملکت قرار داشت تا با ایجاد عدالت‌خانه و «دارالشورا» قدرت و اختیارات پادشاه و حکام را محدود و با اجرای قوانین اسلامی از لجام گسیختگی آنها جلوگیری کند.

۱. یک روز در بازگشت ناصرالدین‌شاه از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، سربازهایی که پرداخت حقوقشان ماه‌ها عقب افتاده بود، می‌خواستند عریضه‌ای به شاه تقدیم کنند اما از طرف همراهان او، با ضرب و شتم پس رانده شدند. آنها نیز از شدت ناراحتی چند تکه سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب کردند. یکی از این سنگ‌ها به کالسکه شاه خورد و اسب‌ها رمیدند. به دستور ناصرالدین‌شاه، سربازان شاکي را که ده نفر بودند، با دستان بسته به شهر آوردند و همگی آنها را در حضور او، با طناب خفه کردند. (ن.ک: شیخ‌الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، ص ۱۵).

۵ ورود اندیشه‌های جدید

پیشرفته در تماس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها، و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان، به جامعه منتقل می‌شد.

الف) روزنامه‌ها: یکی از عامل‌هایی که در دوره قاجار سبب ایجاد تحولی بزرگ در مردم شد، انتشار روزنامه‌ها بود. در آن زمان روزنامه‌های فارسی زبان دودسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دسته روزنامه‌های «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم می‌شدند. «کاغذ اخبار»، «وقایع اتفاقیه»، «شرف» و «شرافت» از جمله روزنامه‌های دولتی بودند. «کاغذ اخبار» اولین روزنامه ایران بود که توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. «تربیت» و «ادب» از معروف‌ترین روزنامه‌های غیردولتی چاپ ایران بودند. «عروة الوثقی»، «اختر»، «قانون»، «حبل‌المتین»، «حکمت» و «ثریا» از مشهورترین روزنامه‌های فارسی زبان بودند که در خارج از کشور چاپ و وارد ایران می‌شدند.

عصری که در آن، شاهان سلسله قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحول‌های فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود، و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. از سال ۱۲۳۸ تا سال ۱۲۹۰ش تعدادی از کشورهای آسیایی و اروپایی به حکومت مشروطه و یا جمهوری دست یافتند. ایرانیان نیز به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند.

زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجو به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج، و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد.

دست‌آورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای

چرا برخی روزنامه‌های فارسی زبان در خارج از کشور چاپ می‌شد؟

فعالیت ۱

ب) آثار روشنفکران

۱ سفرنامه‌ها: اولین نشانه‌های اندیشه‌های نوین، در سفرنامه‌های عهد قاجار مشاهده می‌شود. سفرنامه میرزا صالح شیرازی – از اولین دانشجویان اعزامی به خارج – از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامه خود به روشنی از اندیشه‌های نوین غربی، به‌ویژه نظام حکومت مشروطه انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ اثر حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابسامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های تمدن غرب ستایش کرده است.

۲ کتاب‌ها و آثار دیگر: نوشته‌های میرزا ملکم خان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، عبدالرحیم خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستند که در پیدایش مشروطه‌خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرا در برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه‌طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت‌خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

بررسی شواهد و مدارک

بخشی از نامه سیدجمال‌الدین در ادامه آمده است. آن را بخوانید و درباره موضوعات اصلی مطرح شده در آن، گفت‌وگو کنید:

«من در موقعی این نامه را می‌نویسم که در زندان محبوسم، نه انتظار نجات دارم و نه امید حیات. حبس برای آزادی انسان است. کشته می‌شوم برای زندگی قوم. ولی افسوس می‌خورم از اینکه کشت‌های خود را ندرویدم، به آرزویی که داشتم کاملاً نائل نگردیدم. شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل مشرق را ببینم، دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی را از حلقوم ملت‌های مشرق بشنوم. ای کاش من تمام بذر افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود بذرهای بارور مفید خود را در زمین شوره‌زار سلطنت، فاسد نمی‌نمودم. آنچه در آن مزرعه کاشتم به رشد رسید، هرچه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید. در این مدت هیچ‌یک از تکالیف خیرخواهانه من به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت. همه را، شهوت و جهالت مانع از قبول گشت. امیدواری‌هایم به ایران بود، با هزاران وعده و وعید به ترکیا احضارم کردند، این نوع دست‌بسته و مقهورم نمودند. غافل از اینکه، صفحه روزگار حرف حق را ضبط می‌کند. باری، من از دوست گرامی خود خواهشمندم این آخرین نامه را به نظر دوستان عزیز و هم‌مسلك‌های ایرانی من برسانید و زبانی به آنها بگویید شما که میوه رسیده ایران هستید برای بیداری ایرانی دامن همت به کمر زنید، از حبس و قتال ترسید، از جهالت ایرانی خسته نشوید، از حرکات مذبحخانه سلاطین متوحش نگردید، با نهایت سرعت بکوشید، با کمال چالاکی کوشش کنید، طبیعت به شما یار است و خالق طبیعت مددکار. سیل تجدد به سرعت به طرف مشرق جاری است. بنیاد حکومت مطلقه و مستبد، منعدم شدنی است، شماها تا می‌توانید در خرابی اساس حکومت مطلقه و مستبد بکوشید نه به قلع و قمع اشخاص. شما تا توان دارید در نسخ [برداشتن] عاداتی که میان سعادت و ایرانی سید سدید گردیده، کوشش نمایید، نه در نیستی صاحبان عادات. هرگاه بخواهید به اشخاص مانع شوید وقت شما تلف می‌گردد. سعی کنید موانعی را که میانه الفت شما و سایر ملل واقع شده رفع نمایید. گول عوام فریبان را نخورید...»

(تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، مقدمه مؤلف، صص ۶۷-۶۸. [با اندکی تصرف])

آغاز حرکت مردم علیه استبداد و پیروزی نهضت مشروطه

مظفرالدین شاه

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه، مردم، رفته رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین شاه، آخرین نمونه این نارضایتی عمومی بود. او پادشاهی خودکامه بود که در طی حکمرانی پنجاه ساله اش، با شیوه های استبدادی، از ابراز علنی انتقادهای مردم جلوگیری می کرد. جانشین او، مظفرالدین شاه، فردی سست عنصر، بی اراده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. مظفرالدین شاه، عین الدوله را که فردی مستبد بود، به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و اداره مملکت را به او سپرد.

مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش، سه بار به اروپا سفر کرد. پیامد این سفرها، هزینه هایی سنگین بود که دولت با گرفتن وام از بیگانگان، آن را تأمین می کرد.

هم زمان، در روزنامه ها ماجراهایی از این سفرها درج می شد و خشم عمومی را برمی انگیزت. خشونت های عین الدوله و حاکمان ایالت ها، همراه با فقر عمومی و رکود شدید اقتصادی نیز، بر این نارضایتی ها می افزود و کشور را در آستانه یک شورش سراسری قرار می داد.



آیت الله بهبهانی

محرم سال ۱۳۲۳ ق/ فروردین ۱۲۸۴ ش مناسب ترین فرصت را برای اعتراض های مردمی فراهم کرد. روحانیون با استفاده از حضور مردم در مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، ضمن تکیه بر جنبه ستم ستیزی قیام آن حضرت، پیام عدالت خواهی را بین مردم تبلیغ می کردند. از این تاریخ تا ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق/ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش سلسله حوادثی رخ داد که سرانجام به پیروزی نهضت مشروطه انجامید. در ادامه با مهم ترین حوادثی که منجر به پیروزی این نهضت شد، آشنا می شوید.

۱ ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب دهنده جنبش مشروطیت ماجرای نوز بلژیکی بود. این واقعه واکنشی در برابر توهین به مقدسات مردم مسلمان ایران به شمار می رود، که آغازگر یک جنبش عمومی شد.

اروپاییانی که در تهران بودند، در مراسم سال نو محفلی می آراستند و در آن، با پوشیدن لباس های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن بالماسکه برپا می کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ ش موسیو نوز بلژیکی، که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه (۱۲۸۰ ش) کارگزار روس ها در امور گمرک ایران بود، با لباس روحانیان و در حالی که قلیان به دست داشت، عکس گرفت. این عکس در محرم ۱۳۲۳ ق/ ۲۸۳ ش در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد؛ زیرا بلژیکی ها که از سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۲۷۶ ش اداره گمرک های ایران را به دست گرفته بودند، با بدرفتاری، افکار عمومی را برضد خود تحریک کرده بودند.

رهبری این حرکت را آیت الله سیدعبدالله بهبهانی به عهده داشت. در واقع این اولین جرقه نهضت مشروطه بود. پس از آن، طرفداران نهضت تلاش کردند حرکتی را که سیدعبدالله بهبهانی آغاز کرده بود، بدون نتیجه رها نشود. به اعتقاد آنان، این گام اگر با موفقیت به پیش می رفت، قدم های مهم تر پشت سر آن برداشته می شد. بنابراین، آیت الله سیدعبدالله بهبهانی با آیت الله سید محمد طباطبایی متحد شد. این اتحاد، تا پایان حرکت مذکور، ادامه یافت.



آیت الله طباطبایی

همکاری این دو سید روحانی، مردم ستم‌دیده و آزادی‌خواهی را که از مدت‌ها قبل در «انجمن‌های مخفی» تشکّل‌های کوچکی فراهم آورده بودند، امیدوار ساخت، تا از گوشه و کنار سر برآورند و آماده قیام شوند. در ادامه این جریان و هم‌زمان با سفر سوم مظفّرالدین‌شاه به اروپا، عده‌ای از بازرگانان در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام تحصن کردند.

۲ نارضایتی مردم ایالت‌ها

در ایالت‌ها نیز حادثه‌هایی رخ داد که نشانگر فراگیر بودن نارضایتی مردم بود. معروف‌ترین این حوادث ماجرای شلاق خوردن سه تن از علمای کرمان بود که برای مقابله با فرقه «شیخیه» در این شهر قیام کرده بودند. این سه، پس از آنکه به فلک بسته شدند، از شهر اخراج گردیدند. در ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ق، به‌ویژه ایام عزاداری امیرالمؤمنین علیه السلام، محور اصلی سخنرانی واعظان تهران، موضوع توهین به این عالمان بود که برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی به پاخاسته بودند. در دیگر ایالت‌ها و شهرها نیز شرایط نامساعد بود؛ شعاع السلطنه، حاکم فارس، با ستمگری‌های خود، موجب نارضایتی مردم شده بود. مردم خراسان از ستمگری‌های غلامرضا خان آصف‌الدوله به‌جان آمده بودند.

اجرای نمایش

قسمت‌هایی از رساله مقیم و مسافر را که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، به‌صورت نمایش در کلاس اجرا کنید و نتیجه‌گیری کنید که نویسنده رساله موافق مشروطه است یا مخالف آن؟

۳ ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک استقراضی روس را بنا نهادند. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی به شدت با این کار مخالفت کرد. مردم نیز از این اقدام روس‌ها، ناخشنود بودند. بنابراین، یک اعتراض عمومی شکل گرفت، اما روس‌ها، با بی‌اعتنایی، به کار خود ادامه دادند. تا اینکه موضوع به اطلاع مراجع تقلید نجف رسید. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و روحانی دیگری به‌نام میرزا مصطفی آشتیانی، به همراه مردم تهران در یک شورش عمومی، ساختمان مذکور را با خاک یکسان کردند.

۴ فلک شدن بازرگانان

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت و شعله‌های اعتراض مردم را برافروخت. به‌دنبال خشم عمومی از گرانی‌ها، در مسجد شاه، مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمع، با توطئه امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماع‌های بزرگی در منزل‌های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی، روحانیون و مردم، با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.

۵ مهاجرت صغری

مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغری مشهور است.

این مهاجرت، اولین مرحله اتحاد نیروهای ضد استبداد بود. هر روز بر عده این مهاجران افزوده می‌شد. عین‌الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران، به هر شیوه که متوسل شد، نتیجه نگرفت. از آنجا که درباریان فاسد، مانع از رسیدن خبرهای صحیح به مظفرالدین‌شاه بودند، مهاجران مجبور شدند سفیر عثمانی را واسطه قرار دهند و توسط او، خواسته‌های خود را به گوش شاه برسانند.

مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود:

- ایجاد عدالت‌خانه (دادگستری) در همه شهرها، برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه؛
- عمل به قانون اسلامی، به‌طور دقیق و به دور از ملاحظه‌های شخصی.

مظفرالدین‌شاه و عین‌الدوله اعلام کردند که با خواسته‌های مهاجران موافق هستند. بنابراین، این مهاجرت، پس از یک‌ماه، خاتمه یافت.

۶ مهاجرت کبری

هنوز مدت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعده دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌الله طباطبایی چندبار به مظفرالدین‌شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی عین‌الدوله را به او یادآور شد. اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا به آنها توجه نکرد. در نتیجه این بی‌اعتنایی به خواسته مردم، شعله‌های قیام برافروخته شد. بین مردم و سربازان درگیری پیش آمد و در نتیجه، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به شهادت رسید و این حادثه، خشم مردم را برانگیخت.

عین‌الدوله به سخت‌گیری بیشتر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت. عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان

بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. اما رهبران مردم، پس از بحث و تبادل نظر، تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر مقدس قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبری» معروف شد.

تحصن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عده‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و به بست نشستند. سنت «بست نشینی» و تحصن که از دیرگاه در ایران معمول بود، بیشتر در مساجد و زیارتگاه‌ها و اماکنی صورت می‌گرفت که مورد احترام مردم قرار داشت و با باورهای دینی آنها سازگار بود. مشروطه‌خواهان، بدون پناهندگی به سفارت انگلستان، می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند. دولت انگلستان بر خلاف دولت روسیه که از دربار حمایت می‌کرد، به ظاهر پشتیبان نهضت مشروطه بود. انگلستان، برای نیل به مقاصد و منافع استعماری‌اش این سیاست را در پیش گرفته بود. اما کسانی که از سیاست پیچیده استعمار انگلستان درک روشنی نداشتند و نسبت به غرض‌های بیگانگان غافل بودند، از تجربه جنبش تنباکو، درس و عبرت لازم را نگرفتند. از این‌رو، سفارت انگلستان در تهران که آرزوی جز اخراج طرفداران روسیه را از دربار نداشت، عده‌ای از عامل‌های شناخته شده خود را در بین آزادی‌خواهان وارد و مردم را به تحصن در سفارتخانه تشویق کرد.



دیگ‌های غذا در سفارت انگلیس برای مشروطه‌خواهان

الف) چند مورد از ویژگی‌های مشترک رویدادهایی را که منجر به انقلاب مشروطه شد، استخراج و فهرست کنید.
 ب) در خواسته‌های معترضان، از مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری چه تغییری صورت گرفت؟

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملی

همراه با مهاجرت علمای تهران به قم، عالمان سایر شهرستان‌ها و مراکز ایالت‌ها نیز وارد میدان شدند و نهضت مردمی به اوج خود رسید. بخصوص، حضور شیخ فضل‌الله نوری، روحانی طراز اول تهران، در کنار آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی، بر استحکام قیام افزود.



بازگشت علما از مهاجرت کبری

با اوج‌گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد.

مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از:

- ۱ برکناری عین‌الدوله از صدارت؛
- ۲ فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران؛
- ۳ ایجاد عدالت‌خانه؛
- ۴ تشکیل دارالشورا (مجلس نمایندگان).

مظفرالدین‌شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را

عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد. هفت روز بعد، علما، با استقبال پرشکوه مردم، از قم بازگشتند. شهر چراغانی و جشن شادی به پا شد و در ۲۸ مرداد، اولین دوره مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان تهران تشکیل گردید. عده‌ای از سیاستمداران مشروطه‌خواه، به تدوین قانون اساسی پرداختند.^۱ آنان با عجله آن را نوشتند و به امضای مظفرالدین‌شاه رساندند. شاه، ده روز پس از امضای قانون اساسی، درگذشت. به این ترتیب، کشور استبداد زده ما، با بهره‌گیری از اندیشه‌های سیاسی عالمان بزرگ دینی، کوشش فرهیختگان جامعه و مجاهدت مردم، به حکومتی دست یافت که می‌بایست براساس قانون اداره می‌شد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا نمایندگان مجلس شورای ملی در نوشتن قانون اساسی مشروطه شتاب داشتند؟

کاوش خارج از کلاس

- ۱ چه کتاب‌های خاطراتی از زمان مشروطه به یادگار مانده است؟ این خاطرات چه خصوصیتی دارند؟
- ۲ با راهنمایی معلم خود یکی از کتاب‌هایی را که در زمان مشروطه نوشته شده و جریان مشروطه‌خواهی در آن وجود دارد، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.

۱. هدایت (مخبر السلطنه) نوشته است: «صنیع‌الدوله، محتشم السلطنه، مشیرالملک، مؤتمن‌الملک و نگارنده، معین شدیم نظام‌نامه انتخابات را بنویسیم.» (خاطرات و خطرات، صص ۱۴۱ و ۱۴۲)

مشروطه در دوره محمدعلی شاه

▶ محمدعلی شاه



محمدعلی شاه قاجار

بعد از مظفردین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، به سلطنت رسید. محمدعلی شاه، نمی خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ جشن تاج گذاری برپا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود.

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته مشروطه نبود. بلکه این نظام، دشواری هایی اساسی تر پیش رو داشت، که به شرح آنها می پردازیم:

▶ تدوین متمم قانون اساسی و شدت گرفتن اختلاف ها

قانونی که در زمان مظفردین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام نامه ای بود که اداره امور مجلس و حدود آن را روشن می ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.

با تلاش های پیگیر و مجاهدت های فراوان آیت الله شیخ فضل الله نوری اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می کردند، تا بر قانون هایی که تدوین و تصویب می شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستورهای شرع نباشد. در هیچ یک از دوره های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

بحث و گفت و گو

به نظر شما چرا شیخ فضل الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله ای که متمم قانون اساسی تدوین می شد، اختلاف درونی مشروطه خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود. تا آنکه سرانجام شیخ فضل الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه مشروعه» ایجاد شود.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنایی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه ایران مخالفت می‌کرد:

۱. جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد.

۲. کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.

۳. پیشگیری از قیام ملت‌های منطقه قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت:

۱. افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه؛

۲. به قدرت رساندن مهره‌های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛

کمک‌های بی‌دریغ انگلیس به بست نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده‌هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت؛

۳. محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت‌های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آنها را وادار به رفع اختلاف‌ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره‌های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آنها اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و به موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند. بر اساس این قرارداد روس و انگلیس، با میانجیگری فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آنها، جلوگیری شود.



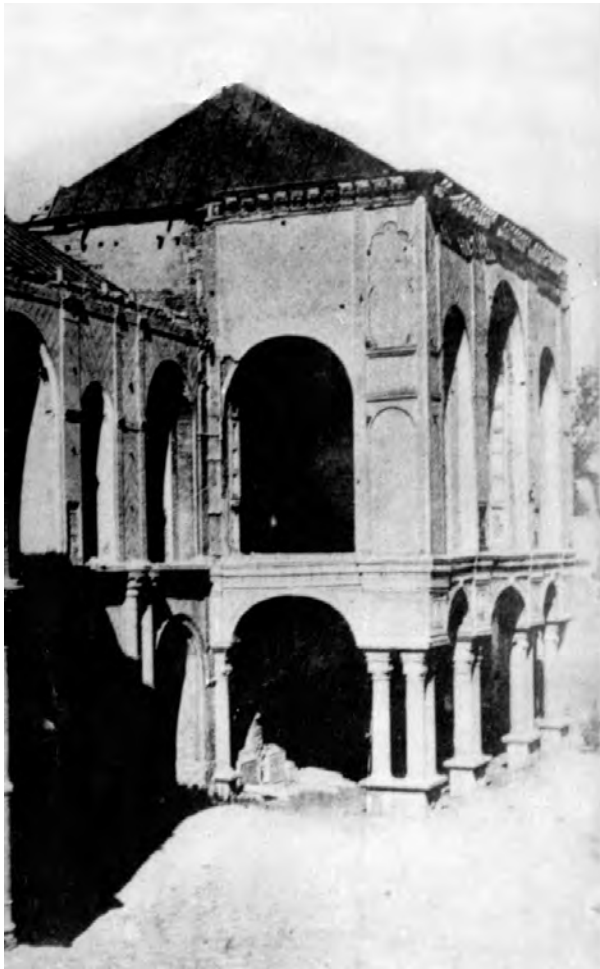
نقشه تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

اقدام انقلابی مردم و مجلس

که پست مهم مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرارداد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آرا، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را رد و برای حل این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را

▶ به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط لیاخوف در ایام مشروطیت

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه خواهان، میرزا علی اصغرخان امین السلطان را که از مخالفان جدی مشروطه بود و در اروپا به سر می برد، به کشور دعوت کرد، تا ریاست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.

او که در دوره نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمدعلی شاه در یکی از خیابان های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید. شاه، این اقدام را به مشروطه خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمدعلی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرمانده نیروهای قزاق به فرمان محمدعلی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله های

توپ تخریب کرد. به دنبال آن، تمام خانه های مشروطه خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت الله سید محمد طباطبایی و سید عبداللّه بهبهانی، توسط قزاق ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، ملک المتکلمین و سید جمال الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند. بدین گونه، دوباره، برای مدتی، استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره استبداد صغیر نامیده اند.

▶ مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب گرایان که داعیه مشروطه خواهی و وطن دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام آور آن خطه به نام های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف هایشان پابرجا نگاه می داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت الله محمد کاظم خراسانی، آیت الله سید عبداللّه مازندرانی و آیت الله حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی،

از مشروطه خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می کردند. با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنه مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت در تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز درمانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود. سرانجام در تیر سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.

۱ نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت های تاریخ معاصر ایران در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه ای دست زدند. اکثر فعالیت های آنان برگرفته از هویت ایرانی - اسلامی بوده است. به عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایه بانک ملی را تهیه کردند و پس اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست خارجیان و استقراض از آنها انجام شود.

۲ مشروطه و فراماسونری

سعید نفیسی (متوفای ۱۳۴۵) جزو اولین نسل استاد های دانشکده تاریخ دانشگاه تهران می نویسد: «انگلیسی ها بسیار ظاهرالصلاحند و باطن خبیث خود را در زیر لفاقه ظاهری آراسته، نهان کرده اند... دستگاه جاسوسی انگلستان، تا کسی از رموز آن باخبر نشده باشد، نمی تواند تصور کند که چه خیانت ها در آن نهفته است... این دستگاه همواره با فراماسون های فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته و با زبردستی خاص، فراماسون ها را در هر جای ایران به نفع خود به کار انداخته و آنها را به اطاعت محض وادار کرده است. (نیمه راه بهشت، سعید نفیسی، صص ۴۸-۴۹)

سازمان فراماسونری در ایران با حکومت هند، بریتانیا و چند کشور بیگانه، ارتباط وثیق داشت و در مهم ترین وقایع تاریخ معاصر آن حضور دارد. از نهضت مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ و همچنین در مسئولیت های حساس سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پنجاه سال سلطنت پهلوی، اعضای عالی رتبه ماسونی دیده می شوند.

دوره دوم مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۹۳ ش)

دوره دوم مشروطه یکی از برهه‌های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

- ۱ اختلاف‌های شدید بین طرفداران مشروطه؛
- ۲ مداخله‌های آشکار و سلطه‌گرانه روس و انگلیس در سرنوشت ایران.

▶ قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف‌های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق‌العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع، و پسر دوازده‌ساله او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد.



احمدشاه

بیشتر بدانیم

ملک‌زاده - یکی از تاریخ‌نویسان آن عصر (فرزند ملک‌المتکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می‌داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می‌شد که عده زیادی از کرسی‌نشینان باغ‌شاه و مشاورین و همدستان محمدعلی‌شاه که دستشان آغشته به خون آزادی‌خواهان بود، لباس مشروطه‌خواهی در بر کرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می‌شدند، دوش به دوش نایب‌السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»^۱.

پس از آنکه دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام‌های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه‌خواهان تبریز شعله‌ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند. آنان همچنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی‌زاده از مجلس بودند.

۱. ن. ک: ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، ص ۱۲۴۸

شهادت شیخ فضل الله نوری

با پیروزی مشروطه خواهان، انتظار می رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کيفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه - همان گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه مشروعه» و قانون اساسی بر پایه ارزش های اسلامی، با مشروطه اقتباس شده از غرب، مخالفت کرده بود. در جریان نهضت تنباکو، وی به عنوان نماینده میرزای شیرازی در ایران، به حمایت جدی از این نهضت پرداخت، اما پس از تسلط مشروطه خواهان بر ایران، خانه اش مورد تعرض مسلحانه قرار گرفت. در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آنجا پناهنده

شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ یک از اینها را نپذیرفت و گفت: «در مقابل مشیت و اراده الهی، تسلیم صرف است». همچنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم». پیرم خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه فرمایشی، به شهادت رسید. به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل الله نوری، یکی از فجیع ترین اعمال مشروطه خواهان بود. عده ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت های مشابه آن می دانند.

ضیاءالدین دُزّی که با شیخ فضل الله در ایام تحسن دیدار و گفت و گو داشته می نویسد:

«زمانی که [شیخ] مهاجرت کردند به زاویه مقدسه، یک روز رفتم ملاقات خلوت از ایشان گرفتم. پس از ملاقات عرض کردم می خواهم علت موافقت اولیه حضرت عالی را با مشروطه، و جهت این مخالفت ثانویه را بدانم. اگر مشروطه حرام است... چرا ابتدا همراهی و مساعدت فرمودید؟ و اگر... جایزه است... چرا مخالفت می فرمایید؟

دیدم... اشک در چشم هایش حلقه زد. گفت: من والله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی دین و فرقه ضالّه و مُضِلّه مخالفم که می خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه ها را که لابد خوانده و می خوانید که چگونه به انبیا و اولیا توهین می کنند و حرف های کفرآمیز می زنند؟ من عین همین حرف ها را در کمیسیون های مجلس از بعضی شنیدم. از خوف آنکه مبدا بعدها قوانین مخالف... اسلام وضع کنند، خواستم از این کار جلوگیری کنم، آن لایحه را نوشتم. تمام دشمنی ها و فحاشی ها از همان لایحه سرچشمه گرفته است! علمای اسلام مأمورند برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم. چگونه من مخالف با عدالت و مروج ظلم می شوم؟ من در همین جا قرآن را از بغل خود درآورده قسم خوردم و قرآن را شاهد عقیده ام قرار دادم که مخالف با مشروطه نیستم، معاندین گفتند: این، قرآن نبوده است بلکه قوطی سیگار بوده! حال با همچو مردمی چگونه مخالفت نکنم... و سخنی نگویم؟ مطابق حدیث صحیح صریح، در این گونه موارد علما باید از بدع جلوگیری کنند و الا خداوند... آنها را به رو، به آتش جهنم می اندازد.» (ابوالحسنی منذر، آخرین آواز قو، ص ۷۵)

جلال آل احمد درباره او گفته است: «من نعلش آن بزرگوار را بر سر دار، همچون پرچی می دانم که به علامت استیلاي غرب زدگی، پس از دو بیست سال کشمکش، بر بام سرای این ملت افراشته شد»^۱.

تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه خواهان



به دنبال اعدام شیخ فضل الله نوری و تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند.

اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی عدالتی می دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات ها به رهبری سید حسن تقی زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می ورزیدند تا مشروطه را از جنبه های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان های اصیل آن دور سازند.

با شدت گرفتن درگیری های سیاسی، به تدریج، جو وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات ها ترور شد. تقی زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود، از کشور گریخت و به اروپا رفت. به فاصله ای کوتاه، چند تن از دمکرات ها ترور شدند.

مجلس نوپای مشروطه و مداخله بیگانگان

طبق تصمیم دوره دوم مجلس شورای ملی، عده ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره دارایی و خزانه داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری، و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند.^۱ مورگان شوستر آمریکایی، معروف ترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح هایی دامنه دار در امور مالی و گمرک ها کرد. این اقدام او که سبب منظم شدن دستگاه اقتصادی کشور می شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ ش روسیه، طی خطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست های روسیه به این شرح بود:

۱ اقدام های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.

۲ بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود.

۳ هزینه نگهداری قوای روسیه در ایران را، دولت ایران پرداخت کند.

با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد. اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت.

مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام السلطنه، نخست وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه جویی دولت های روس و انگلستان و دخالت های آنها در اداره کشور مانع از آن شد تا مجلس

۱. در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه جویانه آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در بیش گرفته نشان نداده بود و دولتمردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می دادند.

نویای مشروطه بتواند برای سروسامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند. آیت الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه عراق، آماده عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.

آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۱۸-۱۲۹۰ ش)



در اثنای نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعه عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی و مقابله با انحراف غرب‌گرایان در مشروطه آماده عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم علیه السلام را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند. در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان را وارد جنوب ایران کرد. سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.

پرسش‌های نمونه

- ۱ زمینه‌ها و علل سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه را تحلیل کنید.
- ۲ سه نمونه از دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران را در دوره دوم مشروطه بنویسید.
- ۳ نتایج مهم نهضت مشروطه را ارزیابی کنید. آیا مشروطه به آرمان‌های خود دست یافت؟ دلایل خود را بیان کنید.
- ۴ چرا نیروهای بیگانه در جنگ جهانی اول علی‌رغم اعلام سیاست بی‌طرف ایران، کشور ما را اشغال کردند؟
- ۵ قرارداد ۱۹۰۷ و پیامدهای آن را شرح دهید.